



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

لاهیجان

شیوه در شب قدر

حسین فقیه

اللهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ



جمهوری اسلامی ایران
جمهور

شیعه در شیعه قارو

۲۲۰۷۷۳



اهدایی

لستاد

سازمان اسناد

حسن فقیه

فهرست مطالب

	موضع
۱	پیشگفتار
۷	تفوّه اسلام در فرمتهای مختلف شبه قاره و موجودیت شیعه
۸	تفوّه اسلام در شبه قاره توسط اعراب
۱۲	تفوّه اسلام و شیعه در شبه قاره بعد از حملات سلطان محمود
۱۸	بسط اسلام و شیع در زمانهای مختلف و مکانهای مختلف
۱۸	دهلی
۲۲	ملوا
۲۵	جان بور
۳۸	گنسر
۴۰	سکال
۴۶	وروّه شیعه در شبه قاره در زمان معمومین علمیهم اسلام
۴۹	نقش ایرانیان و زبان فارسی در توسعه شیعه در شبه قاره
۵۰	دلایل تفوّه شیعه و نظرت شیعیان در زمانهای مختلف
۵۳	حکومت بهمنیها
۵۶	مذهب شا، سمعت الله ولی
۷۱	افسحلال عاددان بهمنیها و تحکیم حکومتهای دیگر شیعه

۷۵	خاندان عادل شاهی
۷۸	خاندان سلطام شاهی
۸۰	خاندان قطب شاهی
۸۲	دربار مغولی علت دیگری برای توسعه شیعه در هند
۸۵	مغولی شیعه در دوره مغولها
۸۶	با پسر پنماشکدار حکومت مغولها
۸۹	شیعه در زمان همايونشاه
۹۲	شیعه در زمان اکبر شاه
۹۵	شیعه در زمان سیرام خان
۹۸	حدودیت تشیع در زمان اکبر شاه
۱۰۲	منصب‌داران ایرانی
۱۰۴	شیعه و فعالیت علماء در دربار مغول
۱۰۶	سید نظری خان
۱۰۷	سید سورالله این نزیف الحین المرتضی شوشتی معروف به شیهدالت
۱۱۱	شاه فتح الله شیرازی
۱۱۳	علاء‌الحمد تطاوی
۱۱۵	تشیع بد از اکبر شاه
۱۱۶	شیعه در کشمیر بعنوان واحدی جدا

۱۳۶	خاندان سلاطین و شیعه در گنبد
۱۳۸	خطب الدین شاه و سید علی همدانی
۱۴۰	سلطنت سکندر و سید محمود سبزواری و ورود سیدان بیهقی به گنبد
۱۴۷	شیع الدین هراقبی و رواج شیع در گنبد
۱۴۹	حکومت خاندان اود
۱۵۸	سونیان و شیع در شبه قاره
۱۶۳	فرقه ها و گروه های شیعه در شبه قاره
۱۶۴	اسما علیان
۱۶۷	سوهره
۱۷۷	وضعیت گنوی فرقه اسما علیه
۱۷۹	سید و سیدا
۱۸۱	ورود اروپائیان به هند و استعمار انگلیس
۱۸۴	سیدت آزادی هند و استقلال پاکستان بر اساس اسلام
۱۸۶	حرکت علیی سریع احمد خان
۱۸۷	تحریک خلافت هند
۱۹۵	نقش شیعیان در کسب آزادی و استقلال پاکستان
۲۰۵	فهرست مراجع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

خدای را نکر و سپاس که لطف فرمود که در زمینه شفود شد
در شده فاره مطالعی برداشته تحریر شد و آید.
ضرورت شناخت و موقعیت شعبان در سوراخ جهان امری است که
امتیاج به انتها ندارد. شعبان خیروهایش هستند که حاصلان استقلاب
اسلامی محسوب شده. در هنگام ضرورت از بذل مال و جان در بیان نداده
بکنی از مقاطعی که شعبان در اقلیت فراز داشت و باید بـ
موقعیت و حیات سپاس و اجتماعی اینها توجه حاصل مغلوب گردید.
شعبان شده فاره هند و پاکستان می باشد.
قبل از استقلال پاکستان گلر مسلمانان منطقه در مقابل هندوها
در اقلیت بودند. لیکن سعد از طرح مطریه "دو ملتی" توسط علامه
الباز و سعد از آن به استقلال رسیدن پاکستان که بر اساس اسلام عوامی
بوجود آمد سلاخان سلطنه به کثیر خدیده انسانی روی آورده و مدد
گمی سیر در مدد بایقی مانند کیاسی که در هند بایقی مانند ایم
از شیخه و جی شیخه سیر تحت ادبیت و آزاد هندوها سیر بردند. اموری
حمله و سورش واقع می شوند. حاده هایشان به آن کشیده و آوازه
من گردند. اما در پاکستان سیر شعبان مورد ادبیت و آزاد نموده اند

نمی متوجه فرار گرفته است.

برای شناسانش شیعیان که بک جریان نوی و فاعل طرح در باکستان
می باشد لازم بود مثله شیعیان از ریشه اردبایی شود لذا مـا
کار را در سـه بخش حلاجه گردیم :
بخش اول شامل بررسی جگویگن شفود و سلطنتی در شـه قاره
بخش دوم راجع به شیعه در باکستان
بخش سوم بررسی دورگیریهای شیعه و من در شـه قاره
اما به لحاظ غبل و قصتو تعبیین شده تو انتـم تنها بخش اول و بخش
دـرـه انتـعـام برـتـم و انتـاـللـه دوستان دیگر موضوع بخش دو را
روشنـه تعریـف در خواهـند آورـد .
لازم بـذـکـر اـنـتـبـخـشـه و بـخـشـه در دـوـ جـلـدـه جـداـکـانـه تـهـبـه شـدـه

قبل از اینکه وارد بحث اصلی شویم ذکر نکاتی جـنـدـه را مـزـوـرـی
نمـدـانـد .

ـ از اینجا شیوه به لحاظ شرابیـظ . عـامل زـمان در شـیـعـه و شـیـلـمـه
این بـوتـه بـسـار دـخـیـل بـودـه قـطـعاً . سـنـی تـوان آـنـرا تـحقـیـقـیـ کـاـنـلـه
و سـنـی عـیـب قـلـعـه دـادـه تـعـودـه بلـکـه بـاتـوجهـه بـ کـمـی وقتـه و تـوانـه ظـعنـیـ خـبـرـهـ
نـکـاتـهـ شـدـه و اـنـدـه اـنـکـه اـهـلـمـنـیـ سـنـیـ بـحـامـنـهـ مـلـمـ رـاـ بـخـشـیدـهـ جـانـجـهـ
نـعـوـ وـ بـاـ عـیـسـیـ مـلـائـکـهـ تـعـوـدـهـ عـقـوـ فـرـمـودـهـ وـ آـنـراـ بـهـ عنـوانـهـ هـدـیـهـ .
اـهـدـاـ بـعـاـيـدـ . قـطـعاًـ سـاـ روـشـیـ گـنـادـهـ بـذـیرـایـ آـنـ هـنـمـ .
ـ گـاـهـیـ دـوـ هـنـرـهـ مـنـ مـاـهـهـ مـیـ شـودـ کـهـ سـارـبـعـ هـنـرـیـ وـ گـاـهـیـ بـهـ

ناریح ملادی ذکر گردیده و این به آنحضرت است که مطلب از نظر
موسوعه به دهن بیشتر آنرا و منقاد نگردد.

گاهی مطلبی در متابع مختلف معتبرهای گوشاگون ذکر شده بود
که معن ند نصیحته و علاحت مرتع صبح آن بیان گردید و اگر
اعلامی باند ما ذکر منع موافقت نداشت.

"حقیر فلبای" معتقد است هر آنچه قُن در این رساله است
از جانب لطف خدا وندی است و هر آنچه نفس و غیب منقاده میباشد و
مربوط به بند است.

در بیان از همه دوستاتی که سپرناخی در این راه کمکی
رسانده اند معملاً نشکر میگیم. همچنان مراتب نشکر خود از جانب
اقای علی قمی سرکسول محترم جمهوری اسلام ایران در لاهور را
سخاطر ایجاد رساند ای جهت نگارش این جزو و اعلام می دارم خلاصه
دوستان موطئی خدا باد.

این همه گفتهم لیکن این در سبع سی عنایات خدا هیج موضع

من مذهب

lahor - ۱۷/۱/۱۹۷۴ مطابق با ۱۳ ربیع

مکا میکه محمد این عبد الله (ع) به بیان معرفت میتواند
جیان در ظلم و جهالت نبوغه در بود. عرب جا هلی به مذکورین دسته
موجود زندگی میگرد. دختران و زنده سکور میشوند، بزرگه داروی میری شوند
و فروش اسماها امری غایی تلقی میگشت. دامنه جهالت آنقدر گشترد
بروگه قبیله ها استخواهای پرسیده اند اینسان را با به انتخاب
و سماهات من پسندیدند. هرگز روح بیشتری داشت از احترام بیشتری
سرخوردار بود و سالآخره تمام ارزشها انسانی لکمال میشد از تو خوب
و خدا پرسنی امنی نبود. حریت، آزادگی و عدالت مفاهیم گنج و بسی
صداقی بودند. که اسماها با آن آشناشی نداشتند. در همین حال علاوه
بر تبعه حریزه عربستان مایر مخاطب جیان بیرون دستخوش انتشار ماجهان
در و زور و تزویر بود و بشریت در هاله ای از جهل و ظلمت زندگی
زندگی میگرد.

درجیں احوالی خداوند شارک و تعالیٰ سر پنده کان حوبی
متهمان و متهم از سلطن مردم که به جویانی منقول بود را
بیان معرفی میگردید که بزرگه ظلم و جهل را درینه و افق روش خدا پرسنی
را پیرا راه همه اسماها در همه انتخاب و مکاها فرار دهد.
نقوص شریطی همچون بروانه گرد او جمع تندی و ساده عمل
محضی ها و معاشر بزرگ دین خدا حاکم گشت.

ایدئولوژی اسلام جهانی است و این دین برای همه و در همه

وقت تازل گردیده است . اسلام جان نگوشا شی و شدی به ازهان
اورد که دامنه فعالیت و مفروضات کاخ های امیرا طوری اسرائیل و رم
بیش گشیده شد .

ملحایان تا آنکه که ببا سر اسلام در گفتگه بود در اصول
و فروع سکرای بودند ، اما همینکه حضرت ختنی مرتبت به ملائمه اعلیّین
بیوست ، اختلافات آغاز گشت . اولین اختلاف درباره مردن ببا سر درخ داد
بعض گفتند او بمرده بلکه سر خدا رفته است ولی هنگامیکه بعضی از
صحاب بمن خدا به رسول را که فرمود آنکه میتوانند و اسهم میشون
فرانت گردید اختلاف فروکش گردید .

پس درباره محل دفن آنحضرت دوگاه مکن موجود نمود ، مردم مکن
پس مواسید بدن مظہر آنحضرت را به مکن زادگاه آن مزرگوار برداشتند
و عوده در مدینه پس آن بودند که آنحضرت را در مدینه که به آنجا
حضرت گردید بود دفن نمایند ، بعضی پیغمبر من گفتند اورا به بیت المقدس
بین جدش حضرت ابراهیم خلیل بزیم . بالاخره این اختلاف بیش بر طرف
شد ، پس از آن اختلاف درباره امامت و حاشیه آنحضرت پدیدار گشت
و مذکور فدک و با عالی حق رهرا (س) ساخت گردید که سر اسلام تا
حدودی تغییر باید .

بعد از تدبیر حکومت ، حاکمان به گنور گشائی مشغول و سرزمینهای
رساندی را تبعید حکومت اسلام تعمیم نمودند .

سرزمینهای وسیعی تحت سلطه اسلام فرار گرفت از اروپا گرفته
تا آفریقا ، آسیا و ... اسلام بعنوان بگ دین جهانی مطرح گشت و به
مالکیتی ساری مگذیر چویس در سراسر گفتی اذاعه میداد .

اما همراه با این گشرش و گشوار گشایشها که در رمان خلفای
بعد از پیاپی اکرم سورت گرفت احترام‌هایی نیز در دین بدبادر گشت
اولین آن . نسب حکومت بود . حضرت امام علی (ع) که امام ملائمه معبد
از پیاپی بود . ظالماهه از حق خوبیش محروم و حاده شد . اهل بیت
که پیاپی آنها را بسوان امانتی درین امت خوبیش گذاشت بود سوره
ظلم و اذیت و آزار فرار گرفته و حتی در حالیکه جده سال بیست و
ویات پیاپی بمن گذشت فرورتدان او را در کوبلا سوره بدبادر بزیدهای
آنها اسبتا زیدد . آنها را در قتل و رنجبر گرده به اسری گرفته و ..
و بدبادر بسروان راستین رسول الله که طیب و صفت احضرت سعد
از رحلتی گردید علی (ع) وا گرفته بودند به شیخ معروف و مسن در احراری

سچح اسلام سعو داشت .

* * *

یکی از سرزمینهایی که اسلام در آنها شروع و با اثرشد و تکوشا شد
تعداد آن دهار گردید نیم هزاره هندوپاکستان بود . این گوشه
از جهان بسیار لابل زیادی از اهمیت فوق العاده سرخوردار است .
روزگاری نیمیان این مطلقه از دعین گشته کان حکومت و در مستکاههای
حاکمه شود تا بحال اسکاری داشته است .

اکثر گفت سپس از مورجان را بیهوده که اسلام با شفیر به
شده قاره آمد^۱ دفعاً سایه بیهوده که با جانشناش و بعده وی
جانشناش شیخان - ماند و گیرش بیدا کرد.

شیخ در مفهود اسلام و سلطنتگران در شده قاره دفعه اولی
را بر عده داشت از.

- از دور اسلام تاکنون بین ارتباط بیان سا شفیر و سپس جاها به
وسلطه خوار میان که به آن مسلطه شد کرده است به اسلام روی آورد
است. اکثراً جاهاشکه بولیه شفیر فتح شده و با اسلام آورده است. هم
اکنون بیرون از بیار استدکی نسبت به جاهاشکه اسلام بدست خوار روشی
بیندا کرده وجود دارد. ایسا او عیین اروپایی شرمن که خود
عنایه فتح شده بود. از این جمله است ولی جاهاشکه بولیه خوار
به اسلام گرویده فور اسلام در آن بیار بیرون ریادی دارد. مالزی
با ۱۲۰ میلیون و آندوسزی سا ۱۸۰ میلیون جمعیت که ۲۹۵ درصد آن
میان هستند. از این جمله است عیین مناطق میان رشی چین
که هم اکنون دارای بیش از ۱۰۰ میلیون میان است. از این جمله
است زیرا خوار که به این مناطق شرمن گرفته و مقیم می شده هم
روها سبیره هم کتاب و هم به ائمه اسلام مشغول می شده.

طلب فوی تا حدودی در مورد هدف سر عادی است و در بیاری از
مناطق شده قاره که هم اکنون اسلام در آنها روشی فراوان دارد اسلام
بولیه خوار مفهود بیندا کرده است.

تحویل و حکومتی موجود آمدن شده در شبه-قاره مخصوص است که
این‌الله در سطور اتفی بیان خواهد شد. این‌الله این نگاه را هم تایید
از دهن دور داشته باشد از اشاره تاریخ شبه-قاره، بیان
در جهان ظلم و آزادی فرار می‌گرفتند که محصور به نظر می‌شدند،
ما در طول تاریخ اسلام در شبه-قاره به موارد زیادی برخوردم
که افراد شبه-قاره علاوه علی خوبی و فرار از عیشه نایودی به اصل
تفہ که بیان به آن معتقدند ترسیل چشید و راه اختفای مردمانه
را پیش میگرفتند، و سواری از اعمال و برناهه‌های خوبی را بدون
اینکه در جانش شست و سبیط کرده انتقام مبداءه اندو این مثله کسر
تفسیق درباره بیان شبه-قاره را متکل می‌نماید.

طلب دیگری که قبل از ورود به بخت‌آهنی باید آنرا منتظر
ذاته نامیم آنکه اطلاعات موجود در حصول و میلت تقویت بیان در -
شبه-قاره اکثراً محدود به معالب و تغود اهل شیعه در حکومتیهای
شبه-قاره است و این خود دلایل گوشاگوش دارد.

آزادی عمل برای بیان شبه-قاره همیشه دارای فرار و شیوه‌اش
بوده است کا هر آنقدر آزاد بوده است که بدون نظره در دربار و در -
مقام‌چنان ملائکی به روش اهل تشیع تمار می‌خواهد اندو گاهی نیز
آنها نعمت‌الله و آزادی فرار می‌گردند که آنها و علمای آنها
قبل عام و کتاب‌ها بیان در ملا، عام سورا، می‌شوند از این‌رو سواری
از آنها در بخش از مقاطع تقویت را پیش میگرفتند.

اکثر نیمی از نام و نادی از آنها در تاریخ شهنشاهی
موجود است اکثراً از ایران به آن دیوار نظر گردید و ملاحظه نام
علمی و ادبی خود را حفظ نمودند ایندند اینکه بحاظر شخصیت نیمی
آشان بوده باشد.

در اینکلی سطور آنی شاید از سلطنت و صاحب سیاسی نام بوده شود
که در رواج شمع موثر بوده باشد. اینان همکنی جمیع نویسه نموده بگویی
فعالیت هدایت اند شاید بعضی از آنها بحاظر مسائل سیاسی گروه شده
باشند اند و بعضی از آنها هم فقط نام نموده را بمناساب داشته
و برای سلطان دل سعی سورا نمودند. اما در قلم در اینجا
نموده ها صاحب سیاست و فدایت بودند کار بر شیعیان آشان در بوده است
سپر حال از حرکتها مردم من شده اطلاعات جدیان داشتند در میان
نقاط به هرات میتوان ادعا نمود که شیعیان همچر گردیده برای پادشاه
و هماند نویسه خوبیها داده. زیرها کشیده و مجازدتها نموده اند
و شمع در شه فاره بر میانه سایر بلاد مظلوم و افع کننده است.

در اینجا ذکر شده دیگری بر میوری به نظر میرد و آن دیگر
نموده در هند و پاکستان دارای قرنه ها و نسبت گویان گویندی هاست. زیرهای
اسما عالیه و ... میانند و ما اصل بحث خود را متوجه شیعیان اذیت
مندی ساخته ایم لیکن حرکت این از لازم باند ذکری از هر دیگر یا
اساره هائی مختصر خواهیم داشت.

نفوذ اسلام در فضای مختلف شبه قاره و موجودیت شبه

در باب نارس ورود اسلام به شبه قاره اطلاعات گاملاً متفاوت
در دست نیست ولی نظر مسلم باید های نفوذ و بسط اسلام در شبه
با مکالمه بزرگی تطبیر برخورد با صدوفها - میعنی و دیگر مردم ها
روزبرو بوده است .

نفوذ اسلام و بسط شبه در شبه قاره را باید در دو مرحله بررسی
کرد : مرحله اول ورود اسلام بوسط اعراب و خلفای اسلام و مرحله دوم
بعد از حمله سلطان محمود غزنوی به این منطقه .

در مرحله اول پیشتر با اشاره فرهنگ عرب در رواج اسلام تپش
داشتند اما هر چند که قبل از شروع حملات سلطان محمود غزنوی ابو مسلم
خراسانی سبز در ورود اسلام به این منطقه معاونت کرد لیکن در مرحله
دوم بودکه اسلام در ساختار شبه قاره نفوذ پیدا کرد و حکومت هاشمی
به سام اسلام تکلیف گردید . بعد از مرحله دوم بود که شیعی فتح دشت
سازی پیدا شود تا حاشیه سپن از اوضاع حکومت کلاً در دست
شبهه ها بوده است ما اینجا مژهوری مختصر عواهیم داشت بروز ورود اسلام
به شبه قاره بوسط اعراب و بعد از آن . مرحله دوم بعنی ورود اسلام
بعد از حملات سلطان محمود غزنوی را مژهور مطالعه پیشتر فراز عواهیم
داد زیرا بعد از حملات سلطان محمود زمینه های رواج و گسترش شیعی
به لحاظ سفر افراد ایرانی ورود زبان فارس به این منطقه سامانده
گشت .

نفوذ اسلام در شبه قاره موسط اعراب

همانطوریکه ذکر نموده بجزء ناچیغ نفوذ اسلام در شبه قاره هست
کاملاً ناچیغ شخص بخت ولی طبق شواهد موجود نفوذ اسلام از زمان وروز
تغازل عرب به قسم خوبی هست تروع می شود و در حقیقت فتح ایران و
خران در زمان حکیمه دوم (عصر) یا به این معنو و کسری را با تروع
آن در پیوچنان و سند میتوان .

هذا میگه عربها از تجارت و جهازگردی به عربستان باز هم گشته
حکیمه سوم (عثمان) از آنها در مورد گنوری که دیده بودند (هند)
شوال نمود و آنها در جواب گفتهند: " گنوری بود با آب کم ، مسونه
ریاد و ارتش سوار گوچ (اگر وجود داشته باشد) بگنور کم شده
و سرا شر گرسنگی و نیکی در حال نایوفدی "

و با این سایه دهن بعض از مسلمان هد این سوار سفر و کم کم
اسلام رفته رند و توسعه گذاشت . طبق بونده تاریخ از عصر در کتاب
العارف در زمان امام رسن العابدین گسترش اسلام و شیعه در ایالات
مند شکل جدیدی بخود گرفت زیرا مکنی از همان امام رسن العابدین که
اهل سد بود هر راه با پسر خویش رشد شده در بسط شیع در مند
فعالیت سیاری نمود .

اما اولین ساری که این یقه مدت مسلمانان فتح گردید زمان
حجاج این بود . محمد این قاسم حدود ۱۷ ساله هر راه با لشکری
پرای آزاد گردید تعدادی رن مسلمان که بین بعض از افراد این
سلطنه این پیشنه مودت نموده خلیل شیع نا ملکان

پیروی و آنها را نیز فتح کرد.

بعد این نام از اختلافات موجود میان شارادان بوداش و — حکمران بر هنر منطقه به نحو احسن استفاده و باعث شد که سلمان از بودجه بیشتری بتواند از درجه اسلام آوردن هدوفها مشار ربانی ساوده رسما در آشیانه سلمان در امیریت شد و موار داشتند و همچنین مرکز حکومت در دشل و فامله زیادی پای منطقه داشتند او اعلام کرد سا بودنشها و هدوفها برای اهل کتاب رفتار خواستند و به همین دلیل از آنها حق بزرگ میگرفت ولی برهن ها را از بودجه عربه معاف کرد. او اولین مسجد منطقه را در ملستان ساخته بود و جون در گشور تازه فتح شده از اسلام خبری نداشت و ملا موسی بن موسی احسان بیهوده، علامه مدهی و مسلم مباری به این سرزمین اعزام گردیدند تا بتوانند اسلام را به مردم این منطقه بناسانند.

در هسن اوان، محمد این نام که تحت هر هاده هیں جمیع این بیویت بود و ایالات شده و ملستان را فتح کرده و بر این مناطق حکم میرا بدستیع دجارت اینکا لات قبلاً همچنانی مراواسی گردید. و میرا بنتیع و هنس را از ارکان حکومتی خدا و نیمان تحت ادب و آزاده موار گرفتند. بطوری که هنر اجراه علیع نظر به آنان داده شدند که ایستگه در سال ۷۱۵ میلادی ولید بن عبد العالی پیغمبر اعلیٰ جمیع — در گذشت و جاستین او به نام سلمان فخر را در دست و سیا

موجوده گاملاً تصریح نموده بود. او محمد اس قاسم را در زندان وابسته بود و بعد از درگذشت محمد اس قاسم نظام حکومتی و اداری شد کاملاً موصی شد. در تشیعه شعبان مددداً "احسان امنیت و آرامش" نوشته شد. و دوباره تبلیغات وسیع خود را آغاز کردند سطوریکه میان طبقه - خراسان و خوار (Khur) مرکز انتقام شیعه گردید.

بین در زمان ابوالسلام خراسانی وی خواست با گنگ خاتمه زندان تسبیح بسیاری از مخالفین و منتمیان اسلام در این مطلعه را از بین بخورد.

ابوالسلام خراسانی سردار ایل ایلات شریفی هد و ایالت شد و ایالت را جمع آوری و تحصیل فرماده بود سخنای (Abū-Sījjīdānī) بود فرستاد لیکن ایل لشکر نکست و فرماده اند شیعه به قتل رسید. اما ابوالسلام مددداً "عن سازمان دهن سپاه امیر اوس این کعب را بد فرماده اند این استخواب و خواسته عن پیروزی شده را به فرمان خود در آورد. بعد از آن امیر اوس حکومت عباسیان در این مطلعه را تکلیل داد بین پسر وی که به حکومت رسیده بود بدلیل سیاقشی خواست سپاه شیعه پدر را مقید شد و پیغمبر دلیل خلبند دوم عباس بن ابراهیم شیعه، امن اس منتمیان را چاکم شد گردید. امر بدلیل حکومتیان که در روی پسره به هزار هزار متینه گردیده بوده از اتحاد شیعه او بیک تشیعه بود برای توسعه تشیع و حماست از شیعیان قدمهای موشری سریعات سطوریکه شعبان در حمله ای و فعالیتیهاشان گاملاً آزاد بودند سطور کلی میتوان فتن دوم هجری

را فریں فعالیت و رواج نیم در سه سالیه بعدی که بعض از علماء
بزرگ این ایالت مائده کا بولیس (Kabulis) - آسان ندی - خالد
ندی و صرح ندی مستقیماً از امام جعفر صادق تبعیت میگردید.

سبیس در سال ۸۷۵ پادشاه مادورا (Madura) هنگامی
بکتاب مسی به عنوان حدب به اعراب مسلمان در هند اهدای نمود
اما است و رسمن بودن آنها را مانتگرد.

مسلمانان سر از هر فرصت استفاده و برای تسلیع و رواج دین
از هیچ کوئی فروندگار نمودنده بعوان هنال بزرگ این شهر — از
در کتاب "معاذب الہم" حسن بن جوبه:

عروک ابن الرانیک (Rbn-Al Rayik) پادشاه سلطنه را (R)
در سال ۳۶۸ میلادی از چکران منوره خواسته بود تا سپسین را برای
امورش اسلام به آن سلطنه اعزام دارد، در این راسته بکسر از مالستان
آبرمان به سلطنه اعزام و وی توانست پسوند هزاران قوانین اسلامی
را سر امورش دهد.

از جمله علیل دیگر تفویه اسلام و تسلیع توسط اعراب به شبه ایله
سفر ابو عبد الله جعفر ابن محمد ابن عبد الله این محمد این عمر
الابیر این علی این امیطالب از سوا (کان حضرت امام علی علیه اسلام
به ملستان در فریں سوم هجری (سهم میلادی) میباشد.

وی به همراه فرزندان و خانقه طیبیش از خوار حرکت و به
ملستان سفر نمود و بین از استقرار در آنجا و ازدواج افراط چایندانش

با سرتناسان و صاحب سیاست دولت حاکم بر ملتان از موقوفیت و نیازهای
خوبی سرخوردار گشت و آنها خواستند بجهات سپاهی را در دولت
از آن خود کنند و در حقیقت بک عالمان شیخه با دنایی را تشکیل دهند
و مدیرتیب موافق شدند و دو خود و رواج منفع و ازایش آن موافی داشتند.
گردید. البته بعدها آنان به حرکت اسما تسلیم شدند.

تقویت اسلام و تبعید در شبه قاره بعد از حملات سلطان محمود غزنوی

در این فصل به تقویت اسلام بعد از حملات سلطان محمود به هند و رشد
کلی اسلام و وضعیت کلی شیعی در نقاط گوشاگون (شهرهای مهم آفریمان)
طی رهایی‌ها مخالف می‌شود و انتقام الله در بختی‌ها بعدی عوامل
رند شیعی و حکومتی‌ها شدید در شبه قاره بطور متعدد را بورس خواهیم
گردید.

اما بطور یکی ذکر شد در این دوره افراد ایرانی و زبان فارسی
عوامل عده‌ای سرای شروع نمی‌شود. این مطلب در بطور آتش
کاملاً اثبات می‌گردد.

در سال های ۱۰۰۵ تا ۱۰۲۰ میلادی سلطان محمود غزنوی که به
شهرهای اهل سنت معروف است همراه با شکری سرگرد هند حمله گردد
او سرای قلعه این سرزمین ۱۷ سار به این سلطنه لشکر گشید و در هر
حمله به موقوفیت‌ها شد من بافت. او توافت‌ها ملیان پیشوای
و در حمله شاپردهم سخاکه سویات در شهر کاتیاوار گردید در آفریمان
سرگری‌های معبد هندوها مصوب من شد را فتح نماید.

ناشر معروف "صری" که در وقت سلطان محمود شعرها می‌گفته
در این ساره گفته است. سلطان محمود در سرایش به ملیان ۴۰۰ قلعه
را فتح گردید که هر کدام از آن قلعه‌ها مدیار محکم از خبر سودیده !!

و بدینظر تدبیر از فتوحات بیمار یا بگاه اسلام در هند قوی شر و مسلمانان از قدرت بیشتری سرخوردار گردیدند. تا جاییکه در سال ۱۲۷۱ شهر لاهور مرکز اسلام هند نامیده بود و سپس دو شیرهای دیگر مسلمانان را به کذاشتند زیرا هندوها میدیدند که طبع فوایس اسلام می توانند از حقوق بین‌المللی سرخوردار شوند میان احاطه مسلمان و رهبران مذهب احترام حاصل کذاشتند. سالها گذشت و اسلام تا دهقان توسعه یافت و بطور کلی فتوح سیردهم. پسون مازده اسلام در دریان در روس اسلامی در هند گشت.

در سال ۱۲۹۲ جلال الدین فیروز توافت مغولها را از لاهور سرپوشید و در سال ۱۲۹۶ ارنی وی تحت هرم مذهبی هرا در راهه ایشان - علا، الدین معوی خود جلال الدین فیروز را سبق رساند و فرمان

را درست گرفت. او که نسبت به هندوها بسیار تحت تأثیر بود دستور داد تا هندوها از پوتیدن لباس‌گران نسبت منع شوند. هجده تن اسما میلیان بیرون از خدم او در امانت میوه و هر کدام از آنها که علی فول خودش مسلمان نبینند را بقتل من رساند. او که بیشتر بتوانند که خود وضع کرده بود اعتقاد داشتند توایین فرعی به ساختن و تعمیر مساجد علایه ای عاسیان میداد و بهمین دلیل مساجد و مساجد مساجد علایه ای عاسیان میداد و بهمین دلیل مساجد

و مساجد مساجد علایه ای عاسیان میداد و بهمین دلیل مساجد

با سرعت و با تفوق. بعاظم ساختگریهای دوران حکومت علا، الدین

سیاره از افراد سلطان شدند.

بعد از او پسرش به نام مبارک زمام امور را در دست گرفت
و ایشان در دوران وی اسلام او را توپخانه خود افتاده بود.
پس سلطان سلطان الدین توغلی در سال ۱۳۴۵ که به خوان نمایه اسلام
به مردم هدایت از او باد می شد به حکومت رسید، او پسر در اندر
فروربخت سلف ساخته ای که شد و بهیمان محمد توغلی که فردی
ملائمه به نشد و مذهب اسلام بود جانشین وی گردید. او که مصطفیه بود
مذهب و سلطنت مکمل بگذشت در مردم سوار سیار سخت گیری میگزد
و همه موظف به ادائی غریبیه سوار بودند بطوریکه یک روز ۹ شهر را به
خرم خواهند شمار به قتل رساند. لیکن در سال ۱۳۵۱ غیرروز شاه
عموی محمد توغلی مبايدلایل مختلف از عمله تخطی و شارهایش مردم
از وی خواسته سلطان امور را در دست گرفته و بد اوضاع سرو باشی
نمود.

غیرروز شاه که فردی مذهبی و در هر تعمیم کبری استخاره من شد
سبت به شنن شخص خاص و سمعت به شیعیان طلبیان هرا واس رواداشت
او روری مسیح داده کتاب شیعیان را اورد و خود او کتاب را در
در خاور مردم آشن و تعدادی از علماء و اهل شیع را سیر گردان زد او
که در زمان حیات خود حدود ۱۰۰۰ مدرسه و هناده سیمارستان دریا یافت
احیای کرد، بود در سال ۱۳۸۸ میلادی در گفت. بعد از آن زمام امور
بدست گیانی افساد که ایشان جنداش بذاشتند لذا در عمله نیز

حاده ای سقوط و در سال ۱۲۹۸ میلادی سلطان محمود دوم نا سال
۱۴۱۲ حکومت را در دست گرفت.

در زمان حاکمیت سلطان محمود دوم موافقتری رواج فرا داشت و بیان
(برخراں موافق) از ارزش و اعتباری بسیار از ارزش و اعتبار علماء
و حکمرانان برجوردار گشته.

بوسان همه در یک اطاق سرگ در گنار بیر خود زندگی میگردید
راه و رسم زندگی را بوسیله اشعار و آیات فرآمد از بیر خود فرا
می گرفتند، محل زندگی آنها "حیات حاده" نام داشت که بعد از
به حاده مشهور گشت. بیانی که در حاده زندگی میگردید خلیفه
ساده، من شده و این خلیفه برای تعلیم ادرا و افتخار عویش بـ
روستاهای سفر و توانی حاده ها بوسیله خلیفه های مبلغ باشد
در ارتباط بودند و بدینترتیب یک شبکه تعلیمانی موافق گردی بود
امد و این دوره از تاریخ اسلام در هند دوره نویسه و گذرش موافقتری
در هند نام گرفت.

یکی از خلیفه های معروف موافقتری در هند نظام الدین اولیا
است که بعداً "رائع به او بخت خواهیم گردید" همراه با تو
موافقتری در هند سلک بپروردی نیز بتوان یکی از فعالترین گروهیها

۱- رائع به آن قسم از گروهیان مختلفی که بعداً در اسلام پدیدار
گشت و با شیعه سروکاری داشتند در فصیحت های بعدی بخت خواهیم گردید.

در هند در آمد. زمانیکه رهبر بیرونیها به‌الدین ذکریا ملتانی
که در بک خانزاده فریادی سنبه آمده بود. برای مطالعه اسلام به
کشورهای مونکوی اسلام سفر کرده بود در بنداده با ایوحافظ بیرونی
ملهات و سنتانه او فرار کرد او ذکریا را مانندیوب خنگی خوبی
نمود که آمده آش کرفتن است.

ذکریا ملتانی بعد از هر اکثری دروس زیادی او استاد حوشخانه
ملتان مراحد کرد او که معتقد بود. باید با حکمرانان و حلفای
ملکوت هنگاری کرد نواست بول سواری خم اوری معايد و سور جنگی
سواری از حکمرانان کردیده و مکتب خوش را رواج دهد و پیشان
او نواست گروههای زیادی را به ملک خود در آورد بعد از سرک
او هرسر مراوش مقصره ای ساخته تا که هر سر نیز بایست و معتقدان
به او هرسر مراوش مادر می شود.

بعد از آن سر گروهی دیگر به نام حیدری تکلیل کردید که
افراد آن گروهی و گفشهای آهنی هرمن میکردند. این افراد که
وتفعیل شان محافظت از خانه و خانم ها بود کاهن سر مواعظ
بردم معتقد و مدیر ترتیب گشرش اسلام در هند نوام با موجود آمدند
و گشرش سویع برق و شب مختلف بتو اساس اسلام بود.

سط اسلام و شیع در راههای مختلف و مکانهای مختلف

- دهلهی

رهاش که تبعور به هد جمله نمود تما من مذاهب هندو را مورد عمله نمید هوارداده و افراد زیادی را از دم شیر گذراند بعده از مورخان مختلفه در عمله وی یکند هوار هندو به قتل رسیده بود و مولانا شیر الدین بگی از متاوران تبعور که انسان رفق القلوب و در طول زندگیش حسی گوشنده را شیر سرچشیده بود. ۱۵ شتر هندو را با شیر گفت. بطوریکه دهلهی شیریها از گفته حالت نموده بود و افراد زیادی از برس و وحشت از این مناظر هوار و به دبارهای دیگری رفتند بودند. بعد از حکومت ۲۰ ساله سلطان تبعور که حاکم ملکه القفار بود در سال ۱۴۱۹ میل خفرخان که در هند بودش جای نگرفت و شرمند وجود دارد امیرت را در دست گرفت.

در دوران زمامداری سید خذر خان آتش ظلم و عور خا مددودی - فروکش و روابط هندوها و سلطانان گرمنز از خیل نداشت. در این دوران نه تنها سیلکه شیع شیر در همهای مختلف گشترش و در حاصمه مطرح می شد.

پس از آن لودیا (Lodis) که از هواهاران سید محمد و پیشنهاد خواسته طی سالهای ۱۴۱۶ تا ۱۴۲۹ حکومت در ملکان را بدست یکبرنده. بهلول اولیس لودی (سلطان لودی) که هارای کراستهای مدفوس بود خواست سیلکه کسی ب سلطنه چهار بور و فتح اسحا ب گشتوش

و سلطان اسلام اعدام گشته.

بعد او پسرش اسکندر به جای پدر شد، او پسر ب سوی اسلام
علانه ریاضی ندان داد و نسل از لشکر کش خود به دهانی به مرد سرگرد
پیروزی رفته و از وی طلب دعا کرد، او علاؤه سر علانه ندان دادن به
علوم مذهبی سرای مسائل علمی پسر اهمیت ریاضی هائل بود لذا
دانشمندان سرگردی او کثورهای عربی - ایرانی و داشتمان ملخان
را به باختی بود در آنها دعوه و آنها به تدریس و توانده فلسفه
مغقولات و ... پیرداختند و در این تدریس و تعالیت این دانشمندان
حدود ۴۰ منظمه و ناسیه ترجمه شافتد.

سلطان اسکندر بود پسر کاهن‌هاش سرسر کلاسهاش تدریس اساتید حاصل
من شد، بکی از شاعران درگاه این باستانه به سام عجیب چالی کاشه
سواسجه سفرهای بسیارش به کشورهای - مختلف شواست با تبلیغات بود
و شده محکم دوستی بین موافقان بود و موافقان بیکر کشورها را سرفراز
سازد، اشاره هندی او نا حدودی باعث روسی و گترن موافقگری در شد
گردید، سلطان اسکندر مستبه هندوها بسیار بخت گیر و سرای —
تبیان پسر محدودیتهاش هائل من شد.

او سرگزاری جنگها در مراسم هندوها را مجموع اعلام کرده بود
و هنگامیکه تروهی از هندوها سرای سرگزاری بکی از جنگها مراسم
بود گردیدم جمع شده بودند او دستور قتل عام همه آنها را صادر نمود،
لیکن هنوار عاص او به نام "مالک العلما" عبدالله احمدان - ماسع

این کار و سلطان را از جمیں معلم معرف ساخت، اسکندر سرگش
از قتل هندوها صرف نظر نکرد دستور داد تا بحای کنن آنها مدهون
سرگش ماتورا (محل تولد خدا) کریتا، خدای بزرگ هندوها را خراب
کرده و سکهای آنرا بین فعاها تقسیم کنند و فعابان سرمه‌خوار
شدند تا از این سکها برای سرازروی خود استفاده کنند، در این
اوان ساری از هندوها بعاظطه ترقی ملماں نداشت و شروع به بازگشتن
زبان هارسی که زبان رسمی و ادبی بود می‌نمودند.

هذا نظریه ذکر شد سلطان اسکندر برای شیعیان سرمه محدود بینهاش
ناکمل شد، او مراسم عزاداری شیعیان در ماه محرم را منوع و اسلام
کرد که زمان حق ریاست دستور را مذارت شد.

بعد از مرگ اسکندر که به کننه سعی‌ها بعاظطه تغیری نکی از
حاجیها که به او ظلم نداشت بود در گذشت پیش وی ابراهیم لودی در سال
۱۵۱۰ میلادی سرخت حکومت نکبه را داشت او سویل باش موسن مسلط
شیعیان بود که به مقول عظم معروف است از سرخت حکومت به پسر
گشیده شد.

در قرن پانزدهم میلادی که از سلطه مذهبی قرن پیش بشمار می‌رود
موافقگری در گونه و گذار هند گسترش پیدا کرد.

از طرف دیگر هندوها سرمهکار مخلصه و دهن مخدع شدن بـ
تسلیمات و سبیل دست رفته، در این میان موافقگری و هندویزم تا حدودی
معروض شد و حالت مخلوطی بیود گرفت و در حاممه اسروز اینطور مطرح

گفت که اسلام و هندویسم هر دو معتقد که خدای رحیم و میرسان است و رهبران هر دو گروه در آنها نیز رهبران صوفیها و گروپاگ (رهبر هندوان هیک^۱) در اشعار مشترک خداوند را ساخته‌اند کردند.

- ۱ - گورو در ریان هدی بعض بیانی و رهبر و مبانگیکی از رهبران و بیانگران ملکیکها است. اولین وظیفه او چنین اشاره شده است: «بیگنی هدو ات و نه ملیان، خدا همه ما را به صور انسان علیق کرده و ما اول انسان هستیم و سین برادر که فرزندان خدای بگانه هستیم». ناید بنوان گفت که طریقه سیک مخلوط است از اسلام و هندویسم. سیکها به وحدات خدا معتقد و سرچال هندوها گوشت را حرام میدانند آنها گوشت را حلال می‌پنداشند (البته بحر گوشت کاو) سیکها به دو دسته حالات (بعض حالات) و بیرونیات تقسیم می‌شوند. گروه حالات به سیکها ای اصلی اطلاق می‌شود که پنج شرط رهبر را رعایت کنند. ۱ - موهای مدن خود را هرگز گوتا، می‌گند. ۲ - برای سistem گزین موهای خود همیشه تانه ای در لامپی موهای خود را نگهداشته باشند. ۳ - برای دفع از خود همیشه حسری ما خود حمل می‌کنند. ۴ - شلوار آنها جنمایی باید دارای گلو سند باشند. ۵ - دستگاهی سوار بران و سر در مع دسته خود دارند. البته اعمال سالا هر کدام دلیل دارد مثلاً دلیل بلندی

لیکن بعد از گذشت رمانی ممکنها که مدهمال گرفتن قدرت های این در او اخیر رمان مقولها بودند به تقویت بجهه نظامی خود پرداخته و برای دیدن به این هدف ارتضی را متحکیل دادند.

و می آید این استکه در ممکنها با دشمن مخلوط می شدند و شناسانی هدیکتر از دشمن مشکل می شده اند برای تهاجم خود از دشمن می خودند و با استکه مقید هستند برای خلوار خود از گمرکند گواه می گردند. و با استکه مقید هستند برای خلوار خود از گمرکند استفاده نمایند که در مورخیکه اتفاق علائق از آنها سرزده فعد تجاور گردند که می شد مانع این کار نباشد و هی رمان مبارکردن گمرکند نیز مخصوصی مانند برای خلوار خلوکر و اجنبیاب و دوری از گناه و ...

ملوا

ملوا مطلقه اي است در حبوب دهلي . اين مطلقه عزو او بيس
ماطفى بود که بعد از حمله تبعور استقلال یافت و معزالدین عسوري
در سال ۱۳۹۶ ميلادي به عنوان فرماندار اين مطلقه انتخاب و نعمت
از آن پرسش هوشك در سال ۱۴۰۶ استقلال اين مطلقه را اعلام نمود
هوشك که عزوه به تجارت و سارركاسی علاقه و اهري هنان مدداد رو باط
حوبی با طبقه سرمایه دار و سارركاسان سرمیوار نمود تا حاشیه این
مطلقه از سطح گسترش و رونق اقتصادی در سالهاي ۱۴۴۶ و ۱۴۵۹ به
اوج خود رسید .

در اين زمان که محمود خالعی فرما برداي اين امالت بود توابع
مرزهاي اين سرزميرانها جان ببور - گجرات و دکن گسترش دهد . از نگات
حالی که در زمان فرما برداي وی اتفاق افتاد اين بود که هنگامیکه
محمد شاه بهادرتا گجرات به مطلقه جهباپر حمله گرده بود بهادرتا
هندوی جهباپر از محمود خالعی تهاهاي کمک نموده . محمود خالعی پسر
بهادرتا محمد شاه سرای هندوها آزادی عمل فانل ند و سرای
آها چکبری نمی نمود . بعد از حمله و شروع پروگرسی محمود خالعی
هدف بود که همانا " ما بودی هندوان سود را دیال و هنام میدهیم
هندوها در گجرات را ویران و تهدید سپاری از هندوها را محصور ب نیول

اسلام گرد.

دو بیان علمی، مذهبی و ماحب مسعود آن دوران در میوا که افراد
و سایر را گزند جو پیش جمع کردند بودند بیرون او بین اینها بودند
قلیدر نام بود وی سرمه خودش معجزات زیارتی به مردم شان داد و بعضی
از طرفداران وی معتقد بودند کی از معجزاتش طول صر وی بوده است
او در سال ۱۶۳۴ میلادی در سن ۲۰۰ سالگی در گذشت و لی نسبت مخصوص تر
از وی شاه عبدالله شاهزادی بوده وی ادعا میکرده است که من تنها بزم
و شریکی ندارم او هر راه پیرو احش در کوچه و خیابانها سار و پرسی
میگند و میگفت ام. (اما وحد لاتریکلی) او که بدریار و پادشاه
پس از بودیک بود سعادتی به ایران و سکال پر بود. وی در سال
۱۶۸۵ هنگامیکه برای دعا کردن و کمک معمتوی همراه سلطان شاهزاده عجمی
در حلق چیطور (Chitor) رفت بود در گذشت بعد از هایاتا، مظیره ای
سر سوار و در ماتدو (Matdu) میباشد.

- جان بیور -

سلطنه جان بیور که در سال ۱۳۵۹ در کتابه رو و گوست (Gousta) مذکونه از سلطنه توسعه و پیشرفت اسلام بهمن از ملوا به سلطنه میرسد. در زمان زمامداری ابراهیم شاه جان بیور اهمیت فوق العاده ای بافت: حقیقت از سلطنه اهمیت گوی سبقت را از دهلى نصیر پسندید و زیرا در زمان وی جان بیور لقب شیراز هند بخود گرفت و این لقب را مردهون سوزنگشتهان ملما و داشتندان اسلام بود که در آن دهار گردش جمع شده بودند. یکی از علماء سوزنگار این سعی به نام شهاب الدین دولت آزادی که از اکاسی روزگار محبوب من شد توانست لقب ملک العلماء و سلطنه مدارت فنات را بخود اختصاص دهد شهاب الدین سراجی توسعه اسلام فعالیتها را بازی انجام و کتابهای سوزنگان به رشته تحریر در آورد. از آنچه کتاب معروف وی به نام الزرشاد است که به زبان عربی و در حوزه های علمیه آنرا نظریه من شده است وی من سرودن اشعار زبادی به فارسی کتابهای دیگری هائی شرح هدی - سعر مساج (شرح فارسی قرآن) را از خود به جای گذاشت. بعد هایم این سلطنه نصر توسط محمود پسر ابراهیم شاه در سال ۱۴۲۸ ساخته شد. از مطالب قابل ذکر این دوران محدود به این سلطنه که سراجی مولها ایجاد گردیده است تعدادی محدودی از آنها شمعیه انتزف جهانگیر سعاسی آزادیهاش داشته وی توانست سراجی

جهدین بار بد ایران سفر کند. همچنین علی همدانی نیز در همین دوران به هند وارد شد.
از نکات مهمی که در جان بور و در رابطه با شیخ روح داده ادعای پیدویت توطیح بود محمد کاظمی در سال ۱۹۳۵ و در سن ۴۵ سالگی بود.
همانند وی در مراسم مع منقول طواف خانه خدا بود ادعا کرد
که او مهدی موعود است.

او که از طرف علماء مکه طرد شده بود در سال ۱۹۹۲ به هند
سوارگشته و با علماء دیگر از زمان درگیریهاشی بیندا شد و ملکان
محمد بن بکرا (Begra) نا حدودی به ادعای او احترام نیکذاشت
با این‌روزه او در منطقه فرج (Farah) از استان خواهان دارفاسی را وداع
و مردانه خود را داشت، مریدان او معتقد بودند که
وی محضرات فراوانی داشته است لیکن او بجز یک موافق منتسب موج‌بودی
بینندگان بوده است.

به سه معمود کاظمی که از سطح علمی بالاتر سرخوردار بود تسبیت به
ایضاً داشت محبش تعب ریاضی ننان میداد او طرفدار احمد راهبردی و ندگی
مادی و شعکر و اندیشه در مورد آنها دعوت میکرد و همین دلیل

۱ - راجع به علی همدانی که او ایران به هند آمده بود بعداً بحث

خواهد شد.

مریدان وی از جامعه دوری داشت و در آنرا زندگی میگذراند.
او که میگفت «خدا به من اجازه استفاده از تغیرم را نداده» -
این تواست با ادعای خوبی هوازارا ای که اکثراً مطالب بودند
را گرد خوبی جمع کند بطوریکه در اوایل قرون شاهزادهم هوازاران او
گروهی به نام مهدویان را تشکیل میدادند و سویسیان معمولی
و شاعران معروفی مانند سرهان الدین کالیس . ملک محمد جائیس (M.M.)
از این گروه این گروه نشده، حتی پدر بکی از دوستان نزدیک
اکبر نام به نام نیپی (Napipi) نبوده بتوان این را مذکور نمود . در سال
۱۵۶۴ حنگی میان گروه مهدویان و ارتقیات رخ داد ولی دویان نباشد
بعدن گجرات به سالهای احمد سوم (که طی سالهای ۱۵۵۴-۱۵۶۱ حکومت
میگردید) و حاسن وی مطفر نام (که طی سالهای ۱۵۶۱-۱۵۶۳ رئام
امور را در دست) به گروه مهدویان پیوستند .
این گروه که توائمه بودند با گجرات خود ایران سورگی
را بخود جلب معاشه باعت برود خشم شیخان و انعنی گردیدند
و در تبعید آن درگیری بسیار شدیدی میان شیخان و مهدویان رخ داد -
ولی در زمان رعایت امدادی اورنگ زرب فعالیت این گروه ممنوع و تحبس
تقطیب قرار گرفت لذا مهدویان اعلام تبله و ساختند اما گروهیان
گوچتری از آنها در سند - سور - دکن - جن بور و گجرات فعالیتها
کمی داشتند .

- گنبد

کشمیر بکی از ریاستین مناطق جهان در حملات سلطان محمد و
فرمودی مقاومت کرد لیکن در زمان حملات مغلولان در آغاز معاهده قابل
از عمله مغلول تعدادی بیشتر بوسی مسلمان از عمله نا، بیش که یک هزار
و از خاکوارده فا دی (موسی قادری) و از منطقه سوات (Swat)
آمده بود در این منطقه رسیدگی نیکردهند. نا، بیش با بکی از دهستان
مرندان معرف آنها ازدواج و هنگامیکه ریختان
ادعای پادشاهی کرد. نا، بیش به سنت وزیری او انتخاب شد. لیکن
مشورها به او روی خوش نشان ندادند و برا می گفتند که او از خاکوارده
برهمن نسبت لذا او سی در حد امروز مسلمان شود و برای کس
عابت مسلمان سرای اسلام شدن کشورش از یک بیش سپروردی به سام
شرف الدین بنیل نا، گفت گرفت و در این زمان بود که اولین مسجد
در سری شتر (Srinagar) مرکز کشمیر ساخته شد و سال‌ها بعد از
سده‌ی وی حکومت را در دست گرفت و نوه او بیش در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۷۱
میلادی بر این سرزمین حکومت کرد که این دوره از حکومت
دوره اسلام شدن کشمیر معرف است.^۱

۱ - طاریخ سده تخریب‌شده میرنا، و حکومت فرزندانش در کتابهای دیگر
معجمیت شیعه India جلد سال فرق میکند.

سفر سید علی همدانی سفر که در تسویه اسلام و تشیع حاشیه

اهمیت فوق العاده است در این دوران انجام گرفت.

سید علی همدانی همراه با ۷۰۰ نفر سیدهای طرفدار خود و بند

از تحمل سرگردانیها شد که برای بیدا کردن این سرزین منفصل شد

وارد این منطقه گردید.

علی همدانی که در سال ۱۳۸۵ میلادی دار فانی را وداع گفت

بریدان و پیروان بسیاری در منطقه بر جای گذاشت، پیروان او نواستن

بر دستگاه حاکم آن زمان از شفود نابل ملاحته ای سرخوردار شوئد.

سید محمد سر سید علی همدانی کتابی را در وقت صوفیگری برای

اسکندر حاکم وقت نوشت و مدینان صوفیگری در زمان او از اهمیت

خاص سرخوردار گردید. اسکندر معتقد بود که قوانین اسلام مقدم سر

هر قانون است. بعد از اسکندر پرش زین العابدین نیز در حکومت

بیم قوت این اهمیت زیادی برای اسلام و قوانین آن فائل شد. وی همچنین

علمه مددی به اسلام و اصول مذهبی به مذاهب دیگر سیر آزادیها شد

ایضاً سیر و سیمین دلیل حق معاشره هندوها و سراکن مذهبی نیز

سلمانان را نیز تفسیر و توانایی سیر و زین العابدین بیشتر به

رواسته تحری و فرهنگی ملاقیت شد بود تا گنور گناش و به همین جهت

افراد ساری را برای سادگیری میتوان و فرهنگ دیگر گنورها روانه

ساخته بخت ساخت، وی به هنرهای زیبا و اختصارات توجه خاصی

میدول میداشت . با فتدگی کشیر و هنرهاي مدنس معروف کشیر نیز
حاصل رزمات همان دوران است . بعد از مرگ زین العابدین دوره سلطنت
خسروه سپاه « ملا » به اتحام رسید . زیرا بعد از مرگ وی کشیر
دچار شنجات دائمی و در کثیرهاي مدنس شد . مگر از دلایل مهم این
در کثیرها ظهور طریقه جدیدی به نام « سوراخنها » بود . موس این
فرقه شمس الدین عراقی از نسل دوم مریدان علی همدان در سال
۱۲۸۷ میلادی وارد کشیر و بعد از مدنس ادعای خلافت مسلمین را نمود
و سکه هاشی به نام خود غرب کرد . لیکن شاعر خان او را سخاطر
اسکار به زندان انداخت . سوراخنها معتقد بودند که امام مسلمین
باید بک راه رو واقعی حضرت علی (ع) و هاشم (س) باند و لازم است
نهض و اسرار هر و پیش باند .

سوراخنها نواستنی با اسکار خود حوقت بر رک و وسیع « شده »
بودند . را راه اندازی کنند . لیکن حسنها به مخالفت سوراخنها
برخاسته و در کثیرهاش ایجاد شد و هر حکمرانی که حاکمیت را بگیرد
از دو گروه فوق را میگرد توسط گروه دیگر سرگشون میشند .

۱ - مجلس المؤمنین سوئه سورالله سوری اینقل از اسلام در نه قاره

۲ - پیغمبر از سطر سی سکه در اینجا به عنوان مراد و راهنمای مطرح

است هاشم در شعری می گوید :

سی پیغمبر مرو تو در خرابات هرجند گذشت زمانی

تویینده کتاب (بها رستان شاهن) ادعا میکند اکثر هندوهاشی
که مسلمان نموده بودند به این شبهه رسیدند که تشیع و اسکول
سورپختها صحیح و اسلام واقع است.

لیکن مگر از شاهزادگان تیموری به نام میرزا حیدر دو غسلات
(Dughlat) در حمله خود در سال ۱۵۲۱ میلادی کشیر را فتح و بسیاری
از شیخان را قتل کرد. او هنوز توهین شدید به تشیع و گروه
سورپختها نوشتہ های آنها را معنوی و کتاب مقدساتان به سام
نهاد الاعوات را خاله اعلام و گفت این کتاب، کتاب کفر و سی دینی
است.

۱- در اینجا توسعه یک نکته کاملاً ضروری به نظر میرسد. تویینده
کتاب (Islam in the Indian Sub-Continent) از قول
کتاب مجالس المؤمنین نوشتہ شاهی سور اللہ شوستری انتہی ثالثت
موس فرقه سورپختها را شیخ الدین عراشی ذکر کرده است. در صورتیکه
در اکثر کتب ناریخ دیگر موس طریقہ سورپختی را سید محمد سور پشن
سیدانته، و قول سیح هم همان است که سکونتم بد محمد سور پشن
موس این فرقه بوده و شاید تویینده کتاب یاده در تطبیق اسامی
استیا، تکرده باشد. بهرحال بعض از کتب مذهبی مانند مطلع الارار
تو وقت مولانا میرزا بیوف حسین گشیش الدین موافق را از تبیان ۱۶ -
اما من مسلم لله عز وجل و گفته اند که در رواج تشیع در شب شیخ سراشی -
را ایضاً تکرده است ما در مفهوم آن مطالبی راجع به وی خواهیم نگذاشت.

پس در سال ۱۵۶۱ میلادی خاندان چاک (Chak) که شیخ بود
 خواسته قدرت را در دست گیرد و لی در این زمان نیز در گیربهرای
 شیخ و سن هنوز ادامه داشت .
 بعد از آن بر اثر یک سری جریانات و عوکاسی که در اثر درگیری
 شیخ و سن بوجود آمده بود اکبرشاه به حفاظت از سی ها گنجینه
 را تحریر و از آن پس گشایش را سوانح پا یافته تا بستانی و یگانی از
 مراکز اسلامی زمان مقول مطرح گردید .

— بیکال —

اولین قدم برای مدور اسلام به این سرزمین ورود محمد بختیار
علیعی در سال ۱۲۰۱ به منطقه بیکال (Bangala) در نزد ترکی
تبدیل شده بود زیرا نا قبل از آن حتی نام اسلام نیز به این دیوار
برسیده بود.

در سال ۱۲۳۰ خاصه ایلتوت میش (Iltutmish) رشیده و به مدت پنج قرن در آنها حکمرانی
لکنوس (Lakhnauti) کرد و به مدت پیش از قرن در آنها حکومت
و حکومت را در دست داشتند. هنوز آثار باستانی ساختهایها مربوط به
آنها میباشد. ورود این خاصه ایلتوت به این منطقه باعث گشتن اسلام
گردید زیرا هندوهای برداشی که از سرزمین ها ناراضی بودند برای
رها بی از بیخ استعمار آنها اسلام را پیشوند بناه کار، باند و بـ
آن گرویدند. در این میان موقیان به ارشاد مردم و دعوت آنان به
اسلام برداخته و در راه شلیقات منتهی از همچ گوشتی فروگزار نگردند
از جمله بزرگان این موقیها مستوان از پسر شهور دی جلال شیرازی نام
برده. ایوبتوانه و داماد او شریف الدین بخشی ما بیوی که از حمله
موقیان سرگشوار بودند به تدریج حدبیت و اصول برداخته و باعث
رونق روز امروز اسلام گردیدند.

در این میان سلطان فخر الدین باخته بیکال علاقه نمایندی به
بزرگان موقی بسیار گرد و در نتیجه کار بر موقیان آسان گشت.

سپس بعد از گذشت ۱۵۰ سال حکومت ترک‌ها در بنگال، این
ایالت استقلال یافت. در این زمان بعضی زمان استقلال بنگال بزرگترین
بیرونی ملوان چنین سور قطبی نام داشت که اشعار زبانی به فارسی و بنگالی
سروده است، وی به سلطان قیامت الدین اعظم شاه بیار شردیگ سود.
بعد از در گذشت سلطان، بادشا، هندوی کشور همایه به نام
راجا گاشن قلعه حمله به باددو مرکز بنگال را ت Mood و لی این پس
مولی مربی خود بنام اشرف جهانگیر را شد ابراهیم شرفی
بادشا، منطقه جان بور فرستاد و از او در حواست گشک کرد. شاه جان
بور نیز جواب مثبت و اعلام تهدید در سور شدکه پسر شاه هندو بعضی
راجا گاشن مسلمان شود، بادشا، جان بور به آنها حمله خواهد نمود.
در نتیجه پسر راجا گاشن اسلام آورد و تلاشی واقعی خوبی را مغلوف
گشتش مدارس و مساجد بسیاری ساخته شد. پس از آن با پیخت از باددو
به گاور (Gaur) استقلال و پس از استقلال در سال ۱۴۹۳
علاء الدین حسین که فیلا سوت و راوت را داشته بسطت رسمی. در زمان
آن پسر مساجد بسیاری ساخته شد از جمله مسجد مسجد شد کنید در علی‌آباد
و مسجد بزرگ "قدم رسول"^۱

۱ - در آن زمان معتقد سودندگه جاویای حضرت رسول در آنجا وجود دارد.

در زمان علاوه‌الدین حسین علاؤه سر بسط و گسترش فرهنگ و ادبیات اسلام، موافقی و هندوپرزم شواستند تا تمثیلی در هندوپرگر بگذارند به طوریکه موافقها در تماشی خود از روشای هندوها (اورزش‌بسوگا) استفاده میکردند و هندوها نیز کتاب مقدس برهمن را به همان روش موافقها که محتوی را فرازت می‌گردند، من خواستند، بعد از علاوه‌الدین حسین، آخرين پادشاه جان پور نظام بنتگال را نیز بست گرفت و این مثاله باعث گردید که اسکندر لودی در سال ۱۵۲۸ میاهی را تحت فرمادهی شیرشاه به قدر تصرف بنتگال را هی این دیوار سازد، لیکن محمدزاده سوم شاهزاده‌الدین در مقابله وی اینستاده و در گیریهاشی موجود آمد که با سال ۱۵۹۵ ادامه داشتند با الاحمر، مان سینگ (Man Singh) نظام حکومت را از دست مقولها گرفت و بدینترتیب نظام بنتگال استقرار یافته و دوباره ادبیات و فرهنگ بنتگالی و فارسی رواج فراوان یافت و در فروردین ۱۶ و ۱۷ که فردون اسلامی شدن بنتگال خام دارد گسترش زمان فارسی نیز به اوج خود رسید، در همین فرودن مود که نجار بسیاری از ایران وارد بنتگال شده و تشیع سینه از بین مطرح و نوسعه و بسط فراوانی یافت.

ورود شیعه در زمینه فاره در زمان معمومین علیهم السلام

در قسمت گذشته بیشتر سی سر این بود که حرکت‌کلی خود اسلام و موقعیت شیعه‌ها در بک‌دید کلی طرح گردید، انتقام‌الله در فصلهای آن سی سر این خواهد بود تا علل خود و سطح شیعه‌ها در ادوار — مختلف نسبین گردند.

ورود شیعه در زمینه فاره و تبعیع و دش ران از همان زمان خلافت حضرت علی علیه السلام آغاز گردیده و در اوائل سال ۴۹ هـ. فی سرزمین سد تحت حکومت آن حضرت قرار داشته است^۱. در این زمان مذهب شیعه توسط خاندان شیعه از پیروان و ارادتمندان حضرت علی علیه السلام بود در بیاری از مقاطعه فاره و گسترش بسیار گزده.

۱ - فتوح البلدان - بلادری صفحه ۲۲۸ جا ب سور اینقل از کتاب خذگره

شعب که توانست مساقطی مردیگی مور هند را متصرف خویش درآورد . ایندای به آنین هند و زندگی میگرد . لیکن این فرد بدست حضرت امام علی علیه السلام اسلام آورد و از طرف ای حضرت بعنوان والی مساقطی از هند اختهاب و به این سرزمین سفر نمود . و در شهر اسلام گونش فراوانی از خودستان داده شد از اراده دعنهان واقع امام علی (ع) محسوب میشد . در آینه‌نگام که شعاعی سرزمینهای اسلام سام امام علی (ع) را به مساجد و مساجد و در شعاعی سرزمینهای اسلام سام امام علی (ع) را به زندگی باز گردید و او را کافر می‌خواندند . حکومت شعب شاه حکومت حق بروزی بود که این عمل را محکوم و با حکومت اموی بنای مخالفت کرد . همین در زمان حلقه امام علی (ع) یک خانزاده بزرگ هندی که در عراق زندگی میگردید از عائنان حضرت علی علیه السلام گردید و هنگامیکه امام علی حکومت بصره را در دست داشت بعده از افراد این خانزاده که از دوستان علی علیه السلام بشار میرفته را به سوان مسئولیت بیعت الحال منسوب نمود .

- ۱ - طبقات ناصری - ابو عمر منهاج چهار جلد طبقه سایع صفحه ۲۹
- ۲ - طبقه شاهزاده جلد اول صفحه ۶۷ چاپ نولکنور (بینقل از کتاب تذکره مجید ... شهید ثالث موثقہ حدیث الحسن بنوی)
- ۳ - مقدمه آثمه حق شا - اکبر شاه خان جلد اول صفحه ۵۵ (بینقل ←

محبت این خانواده به امام علی (ع) بحدی بود که هفتاد سال
از این خانواده در مردم می (ع) علو کردند و این امر باعث برداشت
حضرت امیر المؤمنین از آنها گشت^۱. علاوه بر آن در کتاب مقابل
روایتی است مبنی بر اینکه هنگامیکه سربازان بزید را، را بر امام
حسن (ع) مستند حضرت سید الشهداء در خواست شمودنگه بسوی سرزمین
شد غیر توانید لیکن متعماً دین خدا ماتع از انجام این سفر نشدند.
طلب فوق اهمیت سرزمین هند در دید معمومین را گواه بوده است که
حضرت سید الشهداء علیه السلام سرزمین هند را مستند و برای زندگی
و پیش از اندیشه اسلامی مکان مناسب و امنی تشخیص داده بودند.
از جمله دیگر رسمت های شفود شیعیان وندی خانواده به امیر
اسلام با بعضی از خانواده های هندی بوده که مطلعان گشته بودند.
در این رابطه میتران به ازدواج حضرت زین العابدین با یک رن شنیدی
انتاره گرد. این روجه محترمه همراه با فرزندش باعث شدند تا شیع
در این سرزمین رویق فراوانی باید. حضرت زید شهید پیر از فرزندان

۱- از کتاب تذکره محبه ... شهید ثالث شونده سیوط الحس هنری

۱- رجال کش صفحه ۷۷ جا ب سعیلی (ب- نقل از همان کتاب)

۲- المستحب من جمع المراقب والخطب. علامه شیع فخر الدین طریحی

(ب- نقل از ماجد قیلی)

همان هنر سندی میباشد.

همچنین بگوی از مجاہدین که همراه رید شربت شهادت نوشته
فردی بود به نام زیاده هندی.

در هیئت اولان عبد الله الاشتر این عبد الله این الحسن المحتشم
این امام حسن علیه السلام بس از شهادت محمد نفس الزکیه همراه
بیس بن عبد الله این مسعود شیخی وارد شد و سرای خروج آتش
حله تشیع و حضورها گشته . و در این راه شربت شهادت را شیر نویستند .
اولین خون تا بحق ریخته ای که از فرزندان پیامبر اسلام
و در گرانه رود شده بستور خلیفه عباسی منصور دوانیه به رمیان
ریخته شد خون پاک و مطهر عبدالله الاشتر بود .

بعد از شهادت این بزرگوار پیکر پاک او را به رودخانه شد
انداختند و فرزند خردماش که در هند بدنیا آمده بود شهادت ماند ،
لیکن بک راجه هندو که از دوستداران اهل بیت اطهار بود سرپرستی
پسند ستم را بعده گرفت .

۱ - سند الرزاق شعبی مصحح ۵ چاپ تحف اشرف (به نقل از
همان کتاب)

۲ - مفاتل الطالبین ابو الفرج اموی مصحح ۵۰ چاپ تحف اشرف
(قبل از مامه ذقلي)

اما خلیفه منصور عباسی به هنام این عمر تغلیق حاکم
آن ایالت استور داد در راس بک لشکر بزرگ و مجیز نزد راجه هندو
که مخالفت سادات را بعده گرفته بود رفت و بخواهد که بید بینیم
را تحويل دهنده و چنانچه او از استکار خود داری کرد به ایالت
او حمله و او را به قتل برداشت.

بر اتحام راجه هندو و حلیم خواتمه دشمنان اهل بیت شکر دیده
بلکه برای حفاظت از سید خرسال و سیم از جان خود نیز گذشت
و بدینتر تسبیب ایالت راجه هندو نیز بمعروف ملکت عباسی در آمد.^۱
از طرف دیگر در زمان منصور دوستی هنگامیکه سادات عظام قتل
عام می شدند. حضرت فاطم این ابراهیم از شوارگان امام حسن عسید السلام
بظاهر معون ماتدن از حور و ظلم منصور عباسی وارد منطقه همان
وافع نزدیکی شعر ملکان ند و در نفوذ تشیع موثر گشت.

علاوه بر آن حضرت این محمد این عبد الله این محمد این عمر الاظرف
این اسر المودین علی علیه السلام جهت تجاوت بافت از ظلم عاصیون

۱ - ناریح ضری مفتحه ۲۲۵ جاپ مصر . تاریخ الکامل این اثر جلد ۵

صفحة ۲۲۰ جاپ مصر (استقل از همان مأخذ)

۲ - الزراج و الشاعر . علامه مقریزی صفحه ۲۲ جاپ مصر (استقل از

ماخذ نجاشی)

و همراه با سیزده تن از مرزبانان خود وارد شهر ملستان گردید. این
بزرگواران بواسطه مرزبانان صالح خوبش و رفشار و گردار نایاب
توانستند هنر در دست گرفتن حکومت این منطقه افراد زیادی را به
معتذی شیع سوق داشتند. این سادات ثبت به زمان محلی احترام گذاشتند
و واژه های آنرا وارد زمان خود گردند و بواسطه این آمیزش و اخلاط
بنای زبانهای ریخته وارد و بنا نهاده شد.^۱

بدینترتیب هند تا حدودی پاپکاهی برای تشیع گردید. زیرا
شیعیان علیه السلام در زمان علیت انتخبرت به قلات - و سند رسیده
بودند و بعضی از مقامات افغانستان نیز تحت حکومت خادموده شنب گردیدند
از بیرون امام علی (ع) بود قرار داشت. و بنول مولانا محمد اسحاق
بنی . در عهد علی بیچ نظر از اصحاب و شاگردها وارد شده فاره
گردیدند که عبارتند از :

۱ - خوبیت این را نه با عنی سامی (مکران)

۲ - عدالت این سوید تبعیت نظری (سنده)

۱ - عدد العطایب - حمال الدين این سهنا دا ورنی صفحه ۳۳۳ جا ب یعنی
(استقل از مأخذ قتلی)

۲ - شاریع فرموده جلد بک صفحه ۵۶ (استقل از کتاب مطلع الانور شوند
مولانا میرزا يوسف حسین)

۲ - کلیب این اسروا شل (هند)

۳ - ناشر این ده (سند)

۴ - حارت این مر، تایپ (سند)

بعد از این دوره شیعیان سدی آغاز شد و بعیض از افراد آن به
مذکور و گوفه نیز سفر شعوتدند و رفت و آمد شیعیان در خبر اوج
گرفته و آواز علی ، علی در این منطقه هم آغاز گردید . همانطوریکه
لکن گردید هند نه تنها پناهگاه سادات و شیعیان گردید بلکه وجود
این افراد باعث شد که بسیاری از افراد هندو مذهب به تشیع روی —
آورده و قبول اسلام نماینده خان جانیکه بسیاری از علماء مذهبی
آخرمان شاگردی امام صادق علیه السلام را افتخاری برای خود داشتند
و برادرش آنحضرت حاضر من شدند و بعضی از آنها جزو راویان حدیث
و اصحاب حضرت امام جعفر عادی (ع) گردیدند ، در این رابطه میتوان
از فرج سدی - خلاک سدی و ایمان سدی نام برد .

دامنه فعالیتهاي طبع امام صادق علیه السلام آنقدر گستره بود
که شاگردانی از گنوارهای گوناگون گزد آنحضرت را گرفته وار اندیشهای
نایاب آنحضرت استفاده نمیکردند و این درس و بحث در اشاعه فرهنگ
تشیع عامل مهم فلسفه ای بود . نقل گرده اند یکی از اطبا ، ماذنی

هندی که در طبایت و فلسفه از شرایع بشری و میراث و به دربار منصور
دو انسقی احصار شده بود با حضرت امام صادق (ع) دیداری داشت و آن‌دو
در مورد ریاست شناسی به بحث و گفتگو پرداختند و بعد از این گفتگو
طیب هندی اسلام آورد و از دوستداران حضرت امام صادق (ع) گشت.

نقش ایرانیان و زبان هارسی در توسعه تشیع در تبه قاره

عوامل زیادی در سطح و گسترش شیعه در تبه قاره موثرند
که بعضی از مهاجرین از آنجله است. مهاجرین با بخاطر پیدا کردن
کبوکار مبهر و با بدلیل خرس از حکومتیهای گشور خوبیش و با
به این منطقه حاصل غیر سفر کردند و از آنجاشیکه این مهاجرین با
از نظر مالی و با از نظر علمی معمول و قصی بودند برای خود
با یکاهن پیدا می کردند و بعضاً به سفر انگار و خناشد خوبیش مبادرت
می ورزیدند. لازم مذکور است که اکثر این مهاجرین شخصی از ایران
سفر نمیکردند. به عنوان مثال سعادت خان که اساساً بک بازرگان
خواهانی بود به دهلی آمد و در ربع اول قرن هیجدهم کم کم به مسام
فرماتدهن سپاه ارتضیه. و پس از آن به نظام فرماتداری ایالت
اوود (Oudh) مست بافت و اندک اندک اساس خاندان پادشاهی او در این
جا بیاد دارد، در زمان وی تشیع روش و رواج فراوانی بافت و بدینظر نسبت

شهر لکنؤ (Lucknow) مرکز تشیع در هند گردیده و علاوه بر آن بعضی اولتات بعضی از علماء شیعه مذهب بنا به دعوت حاکمان شبه قاره به دربار دعوت و مورد احترام فراز می گرفتند.

از جمله علی دیکتو جهت نفوذ شیعه کری در شبه قاره زبان فارسی است.

بدون شک زبان فارسی خدمات ارزشمند و مشتمل جهت گشتن روش اسلام و شیعه در شبه قاره انجام داده است.

معزمان باشد و گسترش اسلام در شبه قاره هند و پاکستان ریان و ادبیات فارسی نیز که خود وسیله ابلاغ فرهنگ اسلامی در منطقه بود رو به رشد گذاشتند به آنجا که امروز هزاران کتاب نسخه و پرینت فرهنگی ، تاریخی ، ادیس - مذهبی و ... به این زبان در کتابخانه های مختلف منطقه موجود است . وجود کتب خطی و نامه های رسی سلاطین به زبان فارسی در موزه های مختلف نشانگر نفوذ و رسمخواص این زبان در همه افشار جامعه از جمله حکومتها می باشد . بعد از افتح بنده بنت محمد بن فاتم در سال ۹۶ هجری در حدود سه قرن پیش روی مسلمانان در داخل شبه قاره هند و پاکستان متوفی ماته و لیس این شاهر الدین سلطانی و بعد از مرگ وی پسرش سلطان محمود ترسوی که به تبریز اهل شیعه معروف است جهت تصرف آنها بنای حمله به آن سرزمین را گذاشت و بعد از آن رستم استقرار حکومت اسلامی در آن دیوار فرام ساخته شد .

لازم بودگر است قبل از حملات سیکتگین و سلطان محمود غزنوی
تعدادی از همین اسلامی عرب و پادشاهان تعدد عرب بوده اند و لیکن از امیر
سیکتگین و سلطان محمود غزنوی بعد نیام کشید که از راه افغانستان
نهاد فاره هند و پاکستان را مورد تهاجم قرار دادند ایرانی و پهلویان
فرهنگ و تعداد ایرانی بوده اند.

پس از وفات امیر سیکتگین پسرش سلطان محمود غزنوی زمام امور
را در دست گرفت و بدلیل از پدرش حملات خود به هند را آغاز
و مجموعاً ۱۷ بار به این سرزمین نشستگیر کرد و در این حملات چندین
بار نا افغان طایفه هند تغذیه و اتحادیه نظایر را جنگید
را در هم شکست و پیشوایر و لاھور (توابعی میم پاکستان امروزی) را جزو
متصرفات خوبش قرار داد و پس از تغذیه زبان فارسی من تغذیه از استحکام
بیشتری برخورد کرد. سلطان محمود شهر لاھور را بعنوان فرمانداری
کل متصرفات هند قرار داد از این رو لاھور بعد از غزنه پیروزت -
بزرگترین مرکز ادب و فرهنگ فارسی درآمد. نا کفته تعداد که لاھور
نشستگین مرکز فرهنگ و تعداد و علوم و ادبیات ایران در نهاد فاره
هند و پاکستان بوده و فیل از آنکه در سال ۱۰۰۰ هجری شویط بگرسی
از علامان سلطان نهاد الدین غوری بنام نطب الدین ایمیک در این سرزمین
پیشاور سلطنت مستقل اسلامی بوجود آید این شهر پیش از دو هزار
سال پیش فرهنگ و ادبیات ایرانی داشته و بیشین دلیل سط و گنبدی

اسلام دارای حرکتی سریعتر گردید.

زبان ها رسی دو زمان ظهیر الدین محمد با پر (موسسه تعمیربان در هند و پاکستان) که خود مترجم علم دوست و از فرهنگ و تمدن تعمیربان ایران متاثر بود، رشد و نفوذ وسیع داشته باشد. پس از آن مسعود.

بعد از آنکه مسلمه تعمیربان در ایران رو به استقرار گذاشت ادبیات و فلسفه اسلامی ایران مانند شیخ زید الدین حواتمی فیض الدین حواتم میر هروی - مولانا البیان اردبیلی - مولانا سادی سرفندی و ... رو به دربار تعمیربان گذاشت و حواتمی در دربار مربوط مسلمه سرگ با پر و جاوشین لامق او همایون جاگاه و پیغمبر ای کتب و به منزه و ترویج افکار خود پیردازد بعده از آن فرمایشیان سرگ شبه قاره مانند اکبر خان - جهانگیر - شاهجهان و عالمگیر نیز همایند اسلام خویش مدها شاعر، نویسنده و دانشمندان ایرانی را به دربار خویش گذاشتند، بینها این مهاجرتهاي دانشمندان

۱ - شیخ در زمان حاکمیت همایون از نفوذ قابل ملاحظه ای برخورد دارد بوده حاکمیت همایون در هند این امکان را به شیخان داد تا افکار خویش را برای همی مردم و گسترش پیدا کند، انشاء الله در طور آن به نفوذ شیخ در زمان حاکمیت وی اشاره خواهد شد.

ایرانی کالبد علوم و ادبیات فارسی شبه فاره هند و پاکستان روحی
فاره بافت و نهضت علمی علمی و ادبی درمیان علماء و ادبای ایرانی
و محلی این شبه فاره پدید آمد.

بطوریگه زبان فارسی زبان رسمی گنور و مکاتبات سلاطین به زبان
فارسی صورت میگرفت. در آن عهد زبان فارسی در هند و پاکستان زبان
علمی و مترقبی و دلیل شرافت و فضل و عزت محسوب میشد.

سلطنت با شکوه و کم نظری تیموریان که در سال ۹۲۲ هجری
بدست شہیر الدین باسر در شبه فاره هند و پاکستان پایه گزاری شد
بویله جانشیان لائق و با کفاوت او بتدربیح با وچ شکوه و حلال ودر —
زمان آخرین امپراطور سوزگ تیموری (اورنگ زیب عالمگیر بن شاهجهان) —
به آخرين درجه وسعت رسید. مردهون زبان فارسی و سلطانان ایرانی
است که در بقا و گسترش آن بخش اساسی داشتهند تا جاتبگه بگی از —

متعدد ترین سوراخان هندوی معاصر نظر امراض تعوده و نوشته است:
— در طول سلطنت امپراطور عالمگیر (۱۰۶۸ تا ۱۱۱۸ هجری)
امپراطوری وسیع و بینا ور تیموریان هند از لحاظ وسعت بدرجه ای رسید
که در قرنهاي متعددی از بدو تاریخ تا امیلی انگلیس ها . سر زمین
هند نظر آن را تبدیل بود.^۱

سپرحال شاپد درختان تربیت دوران رواج زبان فارسی در شبے قاره
مربوط به دوره نیموریان باند و بواسطه زبان فارسی و دانشمندان
ایرانی که اکثر شبید بودند اسلام و شیعی در طبقات و افشار مختلف
تفویز فابل ملاحظه ای کرد. البته هرگز نباید تصور شود که
شبید در این دورانها از آزادی کامل برخوردار بوده بلکه کاهش
سر از طرف متخصصین سی مذهب بوده ادب و آزار موارد میگرفته است
بعد ما این است که بگوییم بواسطه تفویز زبان فارسی که بطبیعت آن
سیاری از علماء و بزرگان شبید و فارسی کوی به دربار هند گتابیده
شده شبید سیر تواتیه حیات خوبی را جت تر ادا مده دهد.

سپرحال تفویز زبان فارسی و دانشمندان ایرانی در اعماق جا به
آسروز تفویز لبرفلل انتکاری بوده که با انتراوی سلطه نیموریان
و بعد از آن قدرت گرفتن کعبا نیز هند شرقی و تفویز استعماری انگلیس
و متعاقباً آن فلتمداد گردن هند به متوان نفعه ای از انگلستان زبان
فارسی نیز در این منطقه روبه روی شده و هم اکنون سیاری از مردم
به قاره مخصوص هند با این زبان که دو سه قرون پیش زبان رسمی آنان
محبوب شد بیگانه و بحای آن زبان انگلیس مقریباً بحورت زبان رسمی
آنها درآمده است.^۱

۱ - هرچند که هم اکنون زبان رسمی اردو ذکر میشود لیکن زبان انگلیس
از دروس اعیانی در تعاون مناطع تعلیمی است و اکثر فریب به انتقام (شاید
هم همه) نامه های رسمی ادارات به زبان انگلیس تحریر می شود.

دلایل نفوذ شیعه و قدرت شیعیان در زمانهای مختلف

دوره دیگر نفوذ تشیع در شبه قاره دلایل مختلف و متعددی دارد -
بعض اوقات نفوذ آنان بقدرتی گسترده میشود که حکومت رسمی "مذهب
تشیع را مذهب رسمی اعلام می نمود . سطور کلی و در بیکنگانه اجتماعی
در میانیم که عوگت تشیع و نفوذ آن در چهار زمان مختلف قابل بررسی

۱ - حکومت پهلویها

۲ - دوره مسول

۳ - سلطنه کنسرت سلطوان واحدی خدا

۴ - حکومت خاندان اود (Oudh)

هرچند که اقدامات شیعیان در دورانهای فوق قابل ذکر بوده و بعضی
حکومت را نیز در وقتی داشته اند اما تنگناهایی نیز وجود داشته و ظلم
و جورهای ساختگی نیز برای سرکوب آنها در حق آنان سورت گرفته است که

انشاء الله به هر کدام از این فراز و نیمها در جای خود اثرا ره
خواهد شد.

البته هرگاه که شیعیان احسان خاطری می گردیدند از اهل علم
و مهاجرت بهره جسته و خود را از مهلكه بحاثت میدادند و دو عامل
باد شده بعض شفیعه و سهاده حربه خود عوامل موثری برای حفظ
و بسط تشیع گردیدند و در آنینکام که شیعه بودن جرم و آنها را از
دین خارج می داشتند تقبه عامل مهم برای بقا تشیع گردیده بود.
همچنین ارشاد و سماهیان اکثر پادشاهان تعالی هند نا رمان عمل
بنول از افراد خارجی و شیر سوسی تشکیل شده بود. این افراد که
در فنون نظامی شعر و کارائی لزوم را داشتند اکثراً تاصل فارسها -
ترکها - بنولها و تاتارها بودند. همچنین در اواسط قرن سیزدهم به
علت هجوم تاتارها به سنداد سیاری از مهاجرین وارد سرزمین هند
شدند. این مهاجرین که در میان آنان علماء - ادباء - و دانشمندان
برتری بیافت نهادند و مورد سیاستواری حکومتهای هند قرار گرفتند
تو استند نسبت به رواج تشیع در هند اقدامات موثری انجام
دهند.

نویسنده معروف آرتولد (Arnold) درباره آنان چنین
میگوید: "سادات هند با کارهای خود از جمله - تدریس - رهبری -
کارهای کارگری - مدیریت درست داشتن سهای برتری مانند زمالی

ارتش و ... تو انتهه هم سرگی در فرهنگ و تاریخ مسلمانان هنده

^۱
داشته باشند.

اما استخدام افراد در ارتش بعد ها باید بوجود آمدن پادشاهان:

بعضی گردید.

حکومت بهمیها :

موس حکومت بهمیها در هند شخص به نام حن گنگو (Gangu) بود لیکن هرا او به بیهقی باد میتود داستانهای مختلف ذکر گردیده است از جمله میگویند هنگامیکه وی مستخدم یک ستاره شناس سرهنگ (هندو) بود خدمات زیادی در حل ستاره شناس انجام داد و اربابش سرای شکر از میانت او وی را به سلطان محمد این توغلوق معرفی کرد و ازاو نول گرفت در حورشکه متواتد در دربار سلطان محمد این توغلوق مرد سرگ و سرشاسی شود نام ارباب خویش را سرخود نمید و او نیز نمید از قدرت گرفتن در مستکاه توغلوق بجای سرهنگ نام بیهقی را سرای خود اختیار گرد.^۱

جو حاکم بر دربار محمد این توغلوق توانست باعث رشد و نگوهاشی حن گنگو گردد. زیرا در زمان سلطان محمد این توغلوق به خارجها آزادی زیادی داده شد و مدینه را زده رشد و پیشرفت و نرمی آنان

در هند بوجود آمد هرجند که سلطان در رابطه با علماء سخت گیری میکرد و میگفت علماء باید طبق نظر وی عمل کرده و در سایت پیرو او باشند لیکن علاوه روایتی به فلسفه و معارف انسان میداد و اینست: سلطنه زمینه ای میشود برای علماء تبعه تا بتراوتد فتن نزدیک شدند به سلطان در این رشته ها فعالیت کردند. لیکن با همه این اوضاع سنت به شیعیان بسیار سخت گیر بود اما اکثر جه سلطان بسیاری از علماء شیعیان - در اوپیش و سادات را قتل عام کرده ولی هنگامیکه سلطان مشغول جنگ با شیعیان مخالف خود بود شیعیان اعلام من طرفی کرده و مذهب اسلام از قتل عام پادشاه در امان ماندند.^۱

بهرحال با توجه به قدرت حسن گنگو در دربار توافق وی از نصف حکومت دهلی استفاده و خود بیک حکومت مستقل در دکن نا سپس شمعون و از آنجا شیخیکه عود او یک شیخ بود لذا می تعود ارشن خود را تبر از شیعیان تشکیل دهد لذا افراد ارشن خوبیش را از ایران و آسیا مرکزی که اکثر قریب به اتفاق آنها شیخ بودند تشکیل داد.^۲ بعد از حسن گنگو که به علاوه الدین حسن معروف است ۱۷ شیخ

1. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.
2. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

دیگر حکومت کردند و هرجند که بگفته ولایت هیگ (Volsely Heig) تاریخ نگار معروف به آنها شبهه بودند لذا ظلمهای سیر در حمل آنان روا داشته . به عنوان مثال در زمان احمد دوم که در سال ۱۲۳۲ حکومت را بست گرفت شبهه ها بقدوی در دستگاه حکومت فدرات پیدا گرده بودند . که شاه دستور داد از این پس خارجها باشند سبب بده اهالی دکن بزرگ شعرده شوند .

این دستور بادنا باعث برانگیخته شدن ختم اهالی دکن شد و اهالی دکن به شبهه ها عمله و رشده و ۴۰۰ نفر از آنها را به قتل رساندند . شاه که از این عصر وحشت گرده بود برای بسته آوردن دل — موردم و در حال منی دستور داد تا شیعان را گردان بزند .^۱

اما بعضی از شاهان دیگر این خاندان با حرکات خوبیش باعث شدند که از عمله آنها مبنوان به محمد شاه اول که حکومت را در سال ۱۲۵۸ میلادی به بستگفت اتاره گرد .

محمد شاه اول برای اهل تشیع مسجد بزرگی در منطقه گلبرگا (Gulberga) بنای نهاد که آثار آن هنوز هم باقی است و بر سر ما ان مساجد و مکان اسلامی بسیج من باک نوشته شده است . او کند های

۱ - در مورد این درگیری در جلد مرسوط به درگیری های شبهه و منی توپخان سیاستی داده هواهد شد .

مالی سیاری به سادات - پیران و رهبران تشیع می شود .

عجتین محمد شاه اول از خواجه حافظ شیرازی دعوت شود که به

دکن سفر نماید و حافظ شیر تضمیم به این سفر داشت اما دولت وقت

اجازه این سفر را نداد ، در آن زمان مردم دکن آرزوی باد گرفتند

ربان فارس را داشتند و فارس را نیز باد میگرفتند تا بتوانند

دوستان خاطر را بخواهند .^۱

اما در دوره های بعدی شیعیان توانند راهتتر به حیات خود

ادامه دهند زیرا در زمان فیروز شاه از خاندان سلیمانی که در سال

۱۳۹۷ میلادی فدرات را در دست گرفت به مرشدگان و زوچانیون اهتمت زیادی

داده بیشتر و بعد از او به علت علیق ماندگان پسرش شاهزاده وی به سام

شیاب الدین احمد اول که خود شیر به عنوان پک پیر دولتی بود بـ

سلطنت رسید .

شیاب الدین شیر مانتند پیرادرش به مذهب تشیع و افراد مذهبی

اهمیت خاص میداد او در سارساری مدینه - کربلا و نجف بولهای زیادی

خرچ و برای دوچاری دیر آبرمان به سام خد دراز (Gesu Dras)

^۲ پک مهمندگان و آرامکا سرگشی ساخت .

تحار شیعه نبز در دربار او مقرر فراوانی داشتند به مناسن
ستال او به یکی از تخار سزوگ به نام خلف‌حسن که بار مردیک وی نبز
محضوب می‌شد و از شیعیان بود لقب ملک التخار داد.

شیروانی درباره آنها (فیروز شاه و احمد شاه اول) چنین

من نویسید:

”هردوی آنها به سادات منطقه بخصوص به سادات بصره و نجف
و گربلا علاقه حاصل داشتند و احمد شاه منطقه خانابور (Khanapur)
را مخصوص این گروه ساخته بود.

در اینجا توسعه می‌شکته در مورد فیروز شاه ضروری من نمایم.
بسی از سوراخان در این رحیم مستقیم است که فیروز شاه شیخ به
شیعیان ظلم و جور فراوانی روا داشته است. لیکن افرادی که
فیروز شاه را انتخاب معرفت نموده اند از این نام فیروز شاه توغلوق خوانده
اند و با سرسنای ربع حکومت او احتصال می‌روند که او همان فیروز شاه باشد.

البته آنای سید اطیف عباس و نبوی توییمده کتاب تاریخ اجتماع
و حوایم شیعیان اشنا عشی در هند از قول فیروز شاه توغلوق دستیار

1. The Shi'a of India By John Norman Hollister

آن این احتصال نبز وجود دارد که فیروز شاه توغلوق از حاکمان مرکزی
هندی و فیروز شاه از پادشاه شیعه بیهق در دکن باشد.

را با فرقه اسماعیلیه که در آن رهان گروهی از شیعیان نعمت‌الله میکند
ذکر گرده است.

سید سبط الحسن هنسوی در کتاب تذکره محمد ... شهید ثالث
چنین می‌نویسد: سلطان فیروز شاه توغلوق نسبت به شیعیان ظلم ها
روا و آنها را قتل عام کرد. کتابخانه های آنرا آتش زده و سنه
حاکمیت مدل ساخت و این اعمال را به متوازن دست آورده های میم خود
تلی شود.^۱

در این دوران شیعیان دچار شف و انحلال شده و علماء اهل سنت
نه علیه مذهب شیعه تحصیل بخراج داده و حسن شنیدن سام علی (ع) را هم
تعمل نمی‌گردند.^۲

فیروز شاه توغلوق در فتوحات خود چنین می‌نویسد:
شیعیان که مردم آنها را را فسی میگویند بسیاری -
از آنها را بغارات و بعنای را تنبیه و تهدید کردم . کتابخانه
آنها را به آتش کشیده و فتنه آنها را سکلی از بین بودم.^۳
لیکن همانطوریکه ذکر گردید . نویسنده کتاب تاریخ احمداء

۱ و ۲ - فتوحات فیروز شاهی (به تقلیل از - تذکره محمد - شهید ثالث
نوشته سید سبط الحسن هنسوی)

۳ - مطلع الادوار نوشته مولانا میرزا یوسف حسن

و موابع شیعیان اشی عتری در هند^۱ شیعیان و اسماعیلیان را جدا
داشت و چنین می نویسد :

"شیعیان مهاجر و بهائیه به هند که همراه خود ادبیات
و شوشه های علامه حلی را به این منطقه آورده بودند در زمان فیروز
خا، توغلوق توانستند بر جمعیت خود بیافراپند. در این زمان پیش
شیعیان و اسماعیلیان که گروهی از شیعیان فلسطین می شدند هر ق گذاشت
ند."

سلطان فیروز خا، در شوشه های خود چنین می نویسد :

"گروهی از شیعیان (اسماعیلیان) مخاطر تعریف کلام قرآن -
احرار اسلام و احرافات اخلاقی و جنس (هم جنس ساری) میورده
تشمیه و محاربات فراز گرفتند".

طبق دستور سلطان سعدادی از افراد سرشناس این مرقد به ایندام
در ملا، مام و سعدادی دیگر به زندان و محارباتهای سخت دیگر ری
محکوم شدند. و در این میان شیعیان اشی عتری از این موقوعت
استفاده کرده و به شوشن کتابهای مختلف و بردامتن به مختارانها
و شلیفات در مورد افکار خود ببرداختند و در این واه توانستند اسر

1. A socio-Intellectual History of the Isma'ili Ashari
Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

سلیمان متفق اهل سنت بر خد تشیع را مخشی نمایند.^۱

در زمان فیروز شاه گتابهای زیادی مانند سیرت فیروز شاهی
توسط اهل تسنیت بر خد تشیع موند و علمت موئتن این گتابها نیز
ناشر و ادبیات تسنیت در درباره شاهی بود. هرجند که بعضی از علماء
اهل سنت دو گتابهایشان ذکر میکردند که برای اهل بیت احترام فاصله
مانند لطیف اشرفی که گتابش حاوی مطالب زیادی علمی تشیع بود
و در گتابش اشاره کرد که او به اهل بیت احترام میگذاشد.

از طرف دیگر در این هنگام تعمور در سال ۱۲۸۱ میلادی به ایران
حمله کرد و ارتض او نواخته شد پس از و سردار را فتح نمایند.

دلیل گروهی از محبین پرسان به دهقانی سید محمود سیپیشی سردار
با بوس امام رضا (ع) به منتهی مقدس سفر تعودند گفته می شود او که
فردی می شود ، در دعایت از امام رضا (ع) خواتما به او علم
سیاموزده در این هنگام امام رضا در مطالعه وی ظاهر و فارق
از آبدها نشی و پرسان سید محمود مالکی و سید شریعت محمود علم
آموخت.^۲

پس سید محمود سیپیشی به منطقه کنسر واقع در هند سفر نمود
دلیل دادگاه منطقه احرازه زندگی در گنسر را به وی تذاد نمایند

او رو بسوی دربار سلطان غیاث الدین سوغلوق شاه دوم دهلي شاهزاد
و سلطان شیراز او به گومن استقبال بعمل آورد. پس از مدفن شاهزاد
 محمود با فتحده های خود سلطان را تحت حاشیه قرار داده که سلطان او
 را به عنوان تدبیم خود پذیرفت و آنقدر به شاه نزدیک شد که سلطان
 پیشها ازدواجش با دختر خوبش را نمود و لی معمود در جواب گفت که
 او توسط امام رضا (ع) به عنوان درویش آنحضرت انتخاب شده است
 و بهتر است که ازدواج نگذد. ولی از سلطان تقاضای ازدواج دختر
 سلطان را با برادرزاده خوبش، شیر سید حسن، شاهزاده که این
 پیشها مورد موافقت سلطان قرار گرفت. بعد از این ازدواج، سلطنه
 اطراف «ندکار و زهرجا» (زنجیر، Dang Kavz) از طرف
 سلطان عیت زندگی به آنها عطا شد.^۱

پس بعد از حمله شیعور به هند در سال ۱۲۹۸ میلادی و شریف
 دولت مرکزی دولتهاي محلی قدرت سیاستري پیدا کرده و شیعیان که نباشند
 آنهاي بخاطر محتکرهاي دولت مرکزی در تلب سر من می‌فرمودند
 نتوانستند آزادی به فعالیتهاي خود ببردازند و همچنان ملعون
 و موقیان شیر از آزادیهاشی بسرخوردار شدند و یك دوستی بین شیعیان
 اشی هنری و موقیان و علمائی که به اهل بیت احترام میکذاشند

بوجود آمد و موفیان نیز توانسته آزاداته تر در بیان عقاید خود
و مدح طی (ع) سخن بگویند.

به عنوان مثال سید محمد حسین این جعفر مکی که عمر طولانی
نیز خود در مکی از نامه هایش من نویسد :

”در هند اگر کسی اسم علی را به زبان من آورده با او مثلیک
شمع رفتار میگردید، ولی بخدا اگر علی ظهور من گرد دیگر سردم
از نور خورشید خوشنان نمی آمد“^۱

در اینجا محدوداً باز میگردیم به احوال شیعیان در دوران حکومت
پهلوی در دکن هنگامیکه احمد شاه اول در سال ۱۹۲۴ میلادی حکومت
را فرستاد و تحت تاثیر شاعر نعمت الله ولی فراز گرفت و مذهب شیعه
اکثار گردید خود شمع در شده قاره نکل جدیدی گرفت این قتل از
ناشیر شاه نعمت الله ولی ورود علاوه الدین سعادی به هند نیز باعث
رواج شیع گردید.^۲

۱ - مأخذ قبلی

۲ - تعابیل مردم و خرافی و رواج شیعه طی و اهل بیت در بین موفیان
و شیعیان در قرون پانزدهم میلادی با ورود علاوه الدین سعادی و شاه
نعمت الله ولی و رهرا و اشان به هند یاریگار گشت .
شیع علاوه الدین سعادی در سال ۱۷۵۱ میلادی در سیان سنبها

شاه احمد هیثمی بهمنی شیخ حبیب الله جنیدی و میر نعم الدین
به سرمه شاه نعمت الله ولی در ایران فرستاد و او خداها کرد که
نعمت الله او را بعنوان مرید و معلم خود بهدیرد . شاه نعمت الله
پسر خون تائید شاه نو خود میرزا سورالله را هند فرستاد و او نیز
سرلوحة کار خوبی را تبلیغ مذهب تشیع و راهنمایی نمود ^۱
فرار داد .

عیک

توپسته معروف در این باره چنین

میتویست :

تا سال ۱۲۹۹ میلادی احمد هنوز شیعه نشده بود و بعد از آن او

→ آمد . پدر وی در زمان ایلخان مغول (۱۲۹۱ - ۱۳۰۲ میلادی)
وزیر امیر ایلخان عراق و عمومی سر سرت وزارت داشت . علاوه بر این در میان
۱۵ سالگی به مستکاه ایلخانی پیوست و بعد از دو سال اشتغال در این
سنت استعفا داد و به پندار سر شود ، و بعد از ملاقات با سر
عبد الرحمن الاطراشی ، مرید وی گشت و بعد از مفرضیه مک و مدینه
به صنان بارگشت و خاتمه در سلطنه صوفی آزاد بنا شد . علاوه بر این
معناشی گتابهای زیادی درباره مقاومت و تشوریهای خوبی به رشته تحریر
درآورده از جمله واجب الشهود در حوابیه واجب الوجود سوت این عرسی ،
علاوه بر این مسماشی در سال ۱۳۲۶ میلادی مارج برگذشت . (بینقل از ماخوذ قبسی)

دعوی سرای شاه شععت الله فرستاد نا او به دکن بیاید ولی شاه
 شععت الله بعلت گرفتاری خویش این دعوت را تبدیرفت ولی در عوض
 ملا قطب الدین را همراه با قوت سر رنگی که روی آن ۱۹ نقطه بود
 شاه ۱۲ ها م حکم نده بود بسوی دربار احمد شاه فرستاد .
 در همان هنگام شاه خواهی دید که شخصی یک بالوت با مشخصات
 بوق سرای او به ارمغان می آورد .
 بعد از اینکه ملا قطب الدین به حضور شاه رسید شمن تقدیر
 باخوت سر رنگ شاه ای شیر از طرف شاه شععت الله ولی به وی داد که
 در آن از احمد شاه به عنوان "سرگترین شاهان ، شاه الدین احمدیا ،
 ولی " باد نده بود . شاه استقدر تخت شیر این شاه قرار گرفت که ن
 شها این لقب را در نامه های رسمی و اداری استفاده میکرد بلکه
 مذهب خویش را رسماً "شیع اعلام و سعوان" می خورد و پس شیر محبوبیت
 بیندازد بطوریکه هنگام تعطیل با دعا وی ساران بارید .
 پار دوم احمد شاه فرستاده ای به شرط شععت الله فرستاد و از اول
 تنازع کرد که او پسرش را به دکن بفرستد ولی چون شاه شععت الله فقط
 یک پسر داشت نه همراه بسیار سام سر خود الله را به دکن فرستاد .
 شاه احمد خود شرعاً به استقبال سر خود الله رفت و در محلی که

ملائات آنها صورت گرفت مسجد و دهکده ای ساخت به نام نعمت آباد و به
نور الله نیز لقب ملک المتأمغ داده شد. پس نور الله بعداً بـ
دفتر هادئه ازدواج کرد.^۱

البتہ بعد از مرگ شاه نعمت الله ولی فرزند او خلیل الله همراه
با دو فرزند دیگر راهی هند و هرای همیشه در آنجا اقامت گزیدند.
و بدینتر تسبیب در تقویت تشیع در شبه قاره گامهای منقضی برداشتند.

• • •

مذهب شاه نعمت الله ولی :

ما در اینجا ناچاریم جند طریق هر چند کوتاه، درباره طریق
شاه نعمت الله ولی مسویم ریوا ما شاه نعمت الله را جزو شیعیان
تلخاد و وجود او در سلطنه خبده در شب فارغ را موثر من خوانیم.
اما بین افراد پنداشته اند که او به طریقه اهل سنت اعتقاد داشته
است.

درباره محل تولد شاه نعمت الله ولی اختلاف است ولی مشهور
آنست که بعد از مهاجرت به دریان به ایران و ساکن شدن در گرمان واردواج
با مک زن ایرانی نعمت الله به سال ۱۳۹۹ میلادی متولد شد. بهرحال
نعمت الله پس از فرا گرفتن علوم رسمی از استادان معروف در سن
۲۲ سالگی برای ادائی فریضه حج رو به کشورهای عربی سپاهد. لیکن
ملقات او با شیخ عبد الله یافع شاریخ شناس و صوفی معروف باعث
گردید که نعمت الله مرید وی گشته و بعده هفت سال در خدمت
او باند بحدی که از خلفاء وی مصوب می شد.
پس با توجه به خرابی سیاسی آشیان ایران، نعمت الله بعیط

امان را برای شیخ و فعالیت ساده دید لذا مکه را ترک و سرفصله شهر نمود. ظاهراً سیاست تیمور داشت بر سیدان دادن و کمک به علوبان همراه با فدرت شفعت شفت الله ساعت شد که این موضع در آنجا به موقعیت رشک آوری بود یا بدهی که اضطراب تیمور را بر انگشت پویزه که شفت الله توانسته بود عرضی بسیاری از مخلوقات را به خود منعایل سازد. لذا تیمور از محبویت او وحشت و بدروگفت "دو پادشاه دو بک شیر شکنجه" لذا او خود را ساجار یافت که به شهر دیگری رفته و برای شروع طریقه خود مسندی سنا نهاد. ولی از آنجا شیخ جامیان موافع عرکات وی بودند. بیوسته از شهری به شهری منتقل می شد تا بالآخر در عاهان استقرار یافت. لیکن مریدان او آنقدر زیاد شده بودند که در شناس سیه هزار وی از او استقبال می شودند. اما همانطوریکه ذکر گردید بعضی ها او را از اهل تن نپذشتند اند.

سخا وی شفت الله را عرضی داشت و مخفیان شرح حال سویس وی را اعطي. در رسالت خود آورده که عبید الله یافعی، استاد شفت الله در مذهب عتنی و غافلی و فقیه مدرزی

۱ - شیخ و شوفقاً آغاز شده دوازدهم صفحه سویه دکتر کامل سلطان الشیخ ترجمه علیرضا ذکار وی فراگزلو.

بوده و خود شفت الله در دیوانش به رافضی نبودن خود انتشار دارد .
 رافضی گفت دشمن بوبکر هزار جی کیت دشمنان علی
هر که او چار بار دارد دوست امت پاک مذهب است و ولی
دوستدا رحماید ام تعا بازی و خصم معتبر
اما دلایل بسیار دوشن و منافق وجود دارد که او بیک شیوه
 بوده است و ناید آنهاشی که او را سین دانسته اند دلایلشان این باشد
 که او گفته است رافضی دشمن ابوبکر است . برای رفع این مطلعه بی
 شویخ طوری است . بعض از حاضران معتقدند که بین رافضی و شیعه
 تفاوت وجود داشته است . و شیعیان رأی داشتند که رافضی ها متعصب نیز
 و دارای احادیث های بازتری بودندند اند . آنای دکتر محمد حسوان
 مشکور در حاتمه کتاب الفرق بین الفرق مذکور است ابو منصور عبدالغافر
 بن عاصی جیشی می نویسد :

” رافضی فرنه هاشم هست که مع رابطه ای از نظر موضوع با
 شیعه ندارند شیعه بین کسانیکه بولایت علی استوارند و روافضی بین
 عالم برگانی اطلاق میشود که در میتو و دوستی علی و اولاد او نظر ”

- ۱ - شیع و شرفنا آغاز شده دوازدهم هجری مذکور دکتر کامل مطہری
 الشیع شرحته علی ذکارتی فراگزلو
- ۲ - دیوان شاه شفت الله ولی

نمیخواهد و چون از رای صحابه در بحثت با اسوبیکر و
روی گردانیدند از این رو برافرضه نامیده شدند.

غیر از تکه باد شده دلایل دیگری نیز وجود دارد که دال سر
شیعه بودن شععت الله است بنایه گفته خودش:

اگر من محب‌آل علی موسی کاملی و سی بدالی
همچنان امیران یعنی دشمنان خائنان علی (ع) را هم داشتم
من داشتم:

۱- لغت به دشمنان علی گرفتن روایت

شاه شععت الله قائل به امامت علی و اولاد وی بوده جانگ گفت
است:

۲- از سعد علی (ع) است یار زده فرزندش

صرف نظر از مطالب بالا دلیل محکمتر آنکه شععت رحالت ای در
مناقب المحدثی (فع) درباره حضرت مهدی و توشن شرعی سر گفتگوی مشهور
علی (ع) و کمیل این زیاد ترین موضوع را روش تر میکند بخصوص که
اولاد شععت الله در زمان مغوبان عربها - مذهب خود را شیعه اسلام
گردند.

علاوه بر آن شاه شععت الله در مقابل پیشوای موبدش به نام سید

نهایت که در حواست گرده بود هر ای باران شاه نعمت الله گلایی بدوزد .
که بر آن نامی به علامت ۵ تن باگ اشاره به پنج تن زیر گذاشت
حضرت محمد (ص) - علی (ع) - فاطمه (س) - حسین (ع) - موسی (ع)
ثبت شده باشد جواب مشیت دارد .

البته بعداً این تاج را با نامی که در آن علامت ۱۶ امام بود
خوض گرد و مریدانش این کلاه با تاج را استفاده میکردند و ساختن
این تاج تقریباً منحصر بود به سید نعمت الله ولی
در ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۳۱ هجری سن ۱۰۷ سالگی وفات
پافت .

پس از این حداقل نتیجه ای که من توان از مجموع مکاتب مذکور
گرفت اینکه نعمت الله من خواسته بیک مذهب نمیشیم . موافق بر این اساس
استفاده به دوازده امامی بسیار متعذر ارجاعه دهد .

۱- نفع و نصرت اشاره شده دواردم میری دکتر کامل مطوفی الشیخی
ترجمه علم روحانی دکاوی فراگز

2-3. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari
Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

ا عمل خاندان سپهسنه و تشکیل حکومت‌های شیعه دیگر

بعد از احمد شاه اول، احمد شاه دوم به سال ۱۹۳۲ خانتین پدر گشت و مائده بدر خوبی علاقه ریاضی نسبت به شیع و روحانیت ابراز نمود بطوریکه شاه علیل الله فرزند شاه نعمت الله ولی که بعد از مرگ پدرش به هد آمد، بود همواره در سمت راست شاه و سید حنفی در سمت چپ شاه احمد دوم می‌نشست و کلاً به شیعه‌های مهاجر اهتمت فراوانی داده من شد بحدی که روزی احمد شاه دوم دستور داد تا شیعیان مهاجر نسبت به اهالی دکن برتر شوارده شوند و این مثل باعث خشم اهالی سوس گردید. لذا آنها به سادات و شیعیان عطف و رحمة و شاه که از این فظیه وحشت‌گردد بود. دستور قتل یام شیعیان را صادر و در منتهی زد و خوردگانی بین شیعیان و اهل سنت اتفاق افتاد که بعد این این درگیریها باعث شعیف شدن حکومت سپهسنه گردید و پنج نیام حدایگانه در منطقه ای که بکرماشی تحت تسلط خاندان سپهسنه بود موجود آمد.

حاکیان خاہدان بھوپال بارسته از^۱

۱۳۴۷ ميلادي

۱ - علاؤ الدین من

۱۳۵۸

۲ - محمد اول

۱۳۷۵

۳ - معاہد

۱۳۷۸

۴ - داود اول (اسوی معاہد)

۱۳۷۸

۵ - محمد دوم

۱۳۹۷

۶ - قیاث الدین

۱۳۹۷

۷ - داود دوم

۱۴۰۷

۸ - فیروز

۱۴۱۱

۹ - احمد اول

۱۴۱۱

۱۰ - احمد دوم

۱۴۱۷

۱۱ - علایون

۱۴۲۱

۱۲ - احمد سوم

۱۴۲۳

۱۳ - محمد سوم

۱۴۲۴

۱۴ - محمود

۱۴۲۸

۱۵ - احمد جبارم

۱۴۳۰

۱۶ - علاؤ الدین دوم

۱۴۳۱

۱۷ - ولی اللہ ناہ

۱۸ - کلمی الله

۱۵۱۶ میلادی

و اما پنج سیام که با افجحال سیمین ها تشکیل گردید

عبارت بودند از :

الف - بیوک عادل شاه در سال ۱۴۹۰ میلادی یک نظام با داشت

مستقل در منطقه ای بنام بیجاپور بنا شد.

ب - پکال بعد از آن سیم دو سال ۱۴۹۰ میلادی احمد نظام شاه

سیم یک نظام مستقل در منطقه ای که با پختون احمد شیر بود تأسیس
نمود.

پ - در این هنگام (عادل شاهی) سلطنه بوار را به عنوان بی

نظام مستقل با داشتی تصرف کرد.

ت - در سال ۱۵۱۶ میلادی شهر خاندان قطب شاهی در سلطنه ای که

با پختون گلکوتدا (Golconda) بود تشکیل شد.

ث - نظام دیگری در سال ۱۵۲۷ توسط سرید شاهی استغفار که این

نظام خواست نظام است شده و غصیق سیمین را ساقط نماید. نظام سرید

شاهی تا سال ۱۶۱۹ ادامه داشت.^۱

کم اهمیت ترین پنج نظام باد شده با داشتی . عادل شاهی بود که

در سال ۱۵۲۷ توسط خاندان نظام شاهی تصرف شد.

همجین در سال ۱۹۱۹ عادل شاهها نظام سریع شاهی را میگشون
و در پیجه نقطه نظام الف- عادل شاهی ب- نظام شاهی
ب- قطب شاهی باقی ماندند. سه نظام بادند که در تعالی هست
حکومت میگردند و منطقه دکن را نیز تحت تسلط و کنترل خود مانندند
تا زمان حمله مغول باقی ماندند.
این خاندان نیز از عوامل مهم گشته و توسعه شده در هست
محبوب می شوند. وقتار و روش آنان بگوی ای سوده که ساعت جذب
و سه اجرت شیعیان به هست میشند، است.
ذیلاً اشاره ای به ونایع مهم دوران حکومتی خاندان مورد
موق اذکر خواهیم داشت.

الف - خاندان عادل خانی

موسی این خاندان بود عادل خان بود که به سال ۱۹۸۹ میلادی -
 طبق با ۱۹۸۹ هجری سلطنت خویش را در منطقه سیجا پور بنا نهاد .
 یوسف عادل خان فرزند سلطان مراد دوم خان ترکیه بود که
 در سال ۱۴۵۱ میلادی از سرگ سلطان مراد . فرزند سرگتر او برای اینکه
 مراد فدراترا به تنهاش در دست گیرد و از خسوس برادران دیگر
 همچنان را گشت ولی فقط یوسف توافت با گفت ما درش از مملکت
 خان سالم شد بوده و از گنور خارج شود .

وی ابتدا به اردبیل سفر نمود و در آنجا از مریدان شیخ خانی
 موسی فرزند عرفیه شد و سپس به سوا (۵۸۷) رفت و چند سالی به
 تحصیل مشغول بود و از اینرو او به یوسف علی خان سراجی نیز معروف
 است .

وی بعداً به قم ، گلستان ، اصفهان و شوار سفر نمود و در
 طول سفرها بین درباره شیع اطلاعات زیادی کسب نمود . در همین حوال

او حضرت خسرو را به خواب دید که به او می گوید ایران را ترک کند
و به هند برو که آینده خوبی در پیش خواهد داشت.

بعد از سفرش به هند توسط خصم، بنام محمود قوان کن
در دربار سپاهی وزیر بود به فرزندی برگزیده شد و با لیاقت
و استحقاقی که از خود نشان داد. در زمان حکومت سپاهی تا منایم
بر عهدا نداری سیجا پور سالا رفت و در سال ۱۹۸۹ میلادی حکومت مستقل
سیجا پور را تشکیل داد.

بیوک عادل‌ها دشمن بسیار علاقمند به شیخه و سیار مومن
و خدا شرس بود. در هر قدمی که پر میداشت میگفت خدا کنم می کند
علانه او به شیخه انتقام رساند بود که در زمان وی اذان به طریقه شیخه
خواهند می شد. وی همینه می گفت که هیچکس حق خواره از الطاف و کلام
رشت پر علاوه علیه اول و دیگر اهل تسنن استفاده کند و هرگز
ساید در عقاید خود آزاد باند.

لکن سلطنت آزادی شیعیان در زمان وی و اهیت دادن به تشیع
أهل تسنن حادث زیادی کرد. و دو پادشاه شیعیان محاور وی که می بودند
به قلمرو حکومت او جعله کردند. ولی او هردوی آنها را نکست داد
و پس به فکر گشترش شیع در مناطق جدید افتاد.

وی بد از نگت دادن رفیقان سید احمد خروی را همراه با بهام و
هدا یاری به خود شاه اسماعیل صفوی در ایران فرستاد و خبر موفقیت
خود و اهدافش در مورد توسعه تشیع را سرای شاه ایران بیان داشت.
شاه ایران نیز پنجهای خود از یوسف عادل شاه را اعلام نمود.
بعد از یوسف عادل شاه هشت شهر دیگر از خاندان عادل شاهی
تا سال ۱۹۷۶ میلادی حکومت کردند با اینکه عادل شاهی به ترتیب

سوارشی از:	عمری	میلادی
۱ - یوسف عادل شاه	۸۹۵	/ ۱۲۸۹
۲ - اسماعیل شاه	۹۱۵	/ ۱۳۱۰
۳ - ملا شاه	۹۲۱	/ ۱۳۲۲
۴ - ابراهیم شاه اول	۹۲۱	/ ۱۳۲۳
۵ - علی شاه اول	۹۶۵	/ ۱۳۵۷
۶ - ابراهیم شاه دوم	۹۸۷	/ ۱۳۷۹
۷ - محمد شاه	۱۰۳۵	/ ۱۴۲۹
۸ - علی شاه دوم	۱۰۷۰	/ ۱۴۶۰
۹ - سکندر شاه	۱۰۸۷	/ ۱۴۷۷

ب - خاندان نظام شاهی

موس این خاندان بادنای موردی بود به نام احمد نظام . وی که
پروردگار هندوی بود در زمان ولیعهدی احمد پروردگار های دون
از خاندان سپهسالار مدت از حق وی را نداشت و در این هنگام بود که به
دین مقدس اسلام متبرک و نام حسن به او داده شد و جزو بردهگان سلطنتی
سرگرد ، سین احمد شاه او را به عنوان سار پروردگار انتخاب و او نیز
هر راه پروردگار احمد شاه به فراکمیری علوم زبان و همچنین فارسی و عربی
برداخت و لقب ملک حسن بخوبی را به خود اختصاص داد .
در زمان احمد شاه سوم وی به سمت با انشی در دربار منصوب و مورد
لطف و مهربانی وزیر شاه به نام محمود فروان فرار گرفت .
وی بواسطه حموماتش که داشت توانست روز به روز به قدرت خود
در دستگاه سافرا باید تا جاییکه توانست از حق شاهنشاهی سپهسالار را نگرفت
و خود در سال ۱۹۹۰ میلادی حکومت مستقل احمد شکر را تشکیل دهد .
دو میں بادنای این خاندان به نام برهان شاه که در سال ۱۵۰۹ میلادی
به تخت نشست بعد از به سلطنت رسیدن رسماً بیوستگی خود به شیخ
را اعلام نمود و بدینترت تدبیر زیسته های خوبی برای توسعه شیخ

فراتم ۱ مد.

شاهان خاندان نظام شاهی به ترتیب زیر موردنی:

میلادی شجری
۸۹۶ / ۱۲۹۰

۱ - احمد نظام شاه

۹۱۵ / ۱۳۴۹

۲ - برهان اول

۹۲۰ / ۱۳۵۴

۳ - حسین

۹۲۵ / ۱۳۶۵

۴ - مرتضی اول

۹۳۵ / ۱۳۷۵

۵ - حسین دوم

۹۴۲ / ۱۳۸۱

۶ - اسماعیل

۹۴۵ / ۱۳۸۴

۷ - برهان دوم

۹۵۰ / ۱۳۹۰

۸ - ابراهیم

۹۵۵ / ۱۳۹۵

۹ - سیدا در

۹۶۰ / ۱۴۰۰

۱۰ - مرتضی دوم

۹۶۵ / ۱۴۰۵

۱۱ - حسین سوم

1. Indian Islam By Murray T. Titus.
2. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

ب - خاندان قطب خانی

پس این خاندان سلطان قلی مولود سعد آباد خان در ایران بود. بعد از درگیریهاشی سین دو گروه ترکمن (دو گروه گوستنده خانند و گوستنده سبا، ترکمن) او محصور به ترک منطقه شد و با لآخره توپخانی خواسته دکن و به دربار محمود شاه برده شد. شاه محمود تبریز سه سالی سلطان قلی نول داد که از او خانند پسر خوبیش موافقت کند. سلطان قلی توانست در دربار محمود شاه بیمهش به موافقیت بهار خوش نست باید. اوج این موافقیت هنگام سود که در یک روز زمانیکه شاه مردم برای برگزاری جشن گردیدم آمده بودند، گروهی از مردم دکن به شاه محمود حمله کردند. ولی مهاجرین خارجی که رهبریان سلطان قلی بود توانند شاه را نجات دهند. سین بادنا در ازای این خدمت به وی لقب ملک قطب‌الملک داد و بعدها با لیاقتی که از خود نشان داد به سمت فرماندار تولیگانه (Tulengane) برگزیده شد. او پس از مرگ بادنا در منطقه موق‌الذکر حکومت مستقل خوبیش را بنا نهاد و این خط را افراشت گردید.

* من به بی‌امیر و آل او قسم خورده ام که اکثر زمانی حکومتی

تشکیل دهن . برم ۱۲ اماق را در آن به اهتزاز در آورم و این گار -
 را نه از تنه اسماعیل ایران باد گرفته ام . بلکه من هم بگشته
 هستم و من از زمان رژیم سلطان بعقوب بگشته بوده ام . هم
 اکنون هم ساله ام و سالهای زندگیم در راه توسعه ایام گذشت
 و قدر دارم بازنشت نده و آخرین روزهای عمر خود را در عبادت
 بگذرانم .

او دستور داده بود در شعاع دورانهای حکومتش خطبه به شام
 ۱۲ اماق خواهد شود .

^۳ سلطان قلی با اخوه در دوران پیری خویش بپرش به قتل رسید .
 در اینجا ذکر بگشته ضروری است در زمان حکومت این خاندان که
 شیع توانست روسی هرا واس باید درگیری اصلی علیه هندوها رفع میداد
 زیرا این خاندان به تدبیت از سلطان قلی موسی خاندان نطب ناهی
 شوارشان این بود که باید مذهب حقیقی و ایمان حقیقی حکمرانی باند .
 و این مطلب بود که هندوها از آن احساس خطر می گردند .

^۴ بادشاھان این خاندان عبارتند از :
 میلاندی همراه

۱۵۱۷ / ۱۶۲

۱ - سلطان قلی

۱۵۰ / ۱۵۹

۲ - جنتیله

مبلغی مجزی
١٥٧ / ١٥٥*

٢ - سجان

١٥٨ / ١٥٥*

٣ - ابراهم

١٦٨ / ١٥٨*

٤ - محمد علی

١٦٩ / ١٦٩*

٥ - محمد

١٧٠ / ١٧٠*

٦ - عبد الله

١٧١ / ١٧١*

٧ - ابو الحسن

دریار مطربه علت دیگری سرای نوسعه شده در هند

در اینجا ذکر یک نکته مسروقی است. از علل دیگر بسط شیخ
در شبه قاره رایج بیش از سلطنت منطقه با دریار قوی و بزر نموده
ایران بوده است.

هناکه در ایران مذهب رسمی کشور شده قلعه داده شد بسیاری از
حکومتهاي موجود منطقه سعی در بیرونی رواجی حتی با دریار ایران
داشتند زیرا حکومت ایران در آن زمان از اقتدار و شوکت عظیم
سرخوردار بوده و بسیاری از حکومتهاي دیگر از ترس قدرت حکومت
تیغ ایران به این حکومت روی خوش نشان میدادند. سرای مثال هناکه
سلطان دوم در سال ۱۵۱۱ میلادی گجرات را فتح و حکمران آیند
شاه اسماعیل سپس مخصوصی که حامل پیام حسینی از طرف وی سرای
حکمران جدید گجرات بود فرستاد. شاه اسماعیل من پیام خود آرزوی —
هنگاری سرای نوسعه شیخ را ایران داشته بود.^۱

همچنان در مورد روابط دریار ایران با حکمرانان دکن هند تبر
جنین است. زیرا سپهان متعددی از طرف هند به دریار شاه نهاده

هر سنا ده ند از جمله سفیرانی از طرف نظام شاه حکمران احمد تکر -
 قطب شاه حکمران گول گویندا (Gol Konda) ملی عادل شاه،
 حکمران بیهار بور . هنگامیکه سفیران علی عادل شاه بده شاه ایران
 گفتند که عادل شاه دستور داده است که در بیهار بور خطبه شیعیان به
 شاه شاه ایران خواهد شود شاه آنقدر خوشحال ند که دستور داد همچنان
 آنچه که از هذایا در کاخ موجود است به این سفیران داده شود .

تفویذ شیخه در دوره مغولها

امیرا طوراً مفول مسترین و مستعین ترین پادشاهان تی در هند را تشکیل داده است. ولی شیعیان سر بیکار شوده و خواسته دو بخش از ملکهای موقتیهای چشگیری دست یافته‌اند و حتی در نظام حکومتی و حاکمیتی های سلطنتی سر نفوذ پیدا کنند هرجند که نفوذ حاصل آنها گاهی ظاهر شوده است. و گاهی بعضی از افراد به ملکهای هنرها وارد شده اند که در دوره دارای یک کارهای وارده شده می‌گردند اما کاسی هم که در مریار دارای — منصبی می‌باشد بیشتر به حلقه موقتیت خود می‌اندیشند تا موجودیت شیعی بگوته ای که در بعضی از مقاطع این دوره شیعی دجال و جنان ظلم و آزاری قرار می‌گرفت که امکان ادامه حیات با تقدیم خونهای بسیار علماً شیخه مسیری گشته است. شیعیان ایمان نور الله شوستری معروف به شیخ شالث در همن ارتباط است. اما از طرف دیگر در بعضی از مقاطع این دوره کار سر شیعیان سیر آیان می‌گشته هرجند که حدت این آیان کوتاه بوده باشد به عنوان مثال نفوذ شیعی در دوران مغول و دور زبان همایون و سیرام خان تکل گشته است. ای بخود گرفته بود. زیرا اتفاقاتی رخ داد که باعث آیان کار سر شیعیان گردید. در ظور آیان ببعض از این اتفاقات اشاره هاشم جواہم داشت.

با بر بینیانگزار حکومت مغولها

موس و بنیانگزار خاندان مغول شخص بود به نام ظہیر الدین محمد با بر از خلیل پنجم تیمور لشکر از طرف ما در تبریز خلیل با خردمند جنگیز بود که در سال ۱۴۸۳ در فرقانه (دره ای در کنار رود سپر دریا) بینیا آمد.

بدر با بر بد نام عمر شیخ صورا در سال ۱۴۶۹ میلادی فرماندار خراسان گشت و بعد از مرگ وی با بر در سال ۱۴۹۲ بحای پدر نشست.^۱
فلکرو فرمانداری با بر بسیار محدود و کوچک بود بگونه ای که او یک حاکم بدون گنوار محظوظ نبیند لیکن با بر توانست منصب نخوبی‌ای موقوفیت آمیزش گابل و غربه و منطقه بدخشان را در سال ۱۵۰۴ —
نصرف خوبیش در آورد که این دوران معادف بود با حاکمیت شاه اسماعیل
خواهی در ایران که حکومت خود را بر اساس تشیع بنا نهاده بود.^۲
نهنگانیگه با بر بین سالهای ۱۵۱۰ — ۱۵۱۲ قصد حمله به سر فرد

۱-۲. A Socio-Intellectual History of the Isma Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

3. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

را نمود . تذاهای گمکی برای شاه اسماعیل صفوی در ایران ارسال نمود
شاه اسماعیل نیز گمک بود و را به شرطی پذیرفت که با بر سوتی شاه
اسماعیل به عموان یک فرد شفید را بپذیرد . با بر سر شرط فروخت
را پذیرفت و خود لباس نیعمیان گشته شد و کلام مخصوص نیعمیان گشته
بوروی آن ۱۲ نقطه به شتابه ۱۴ یا ۱۵ مام بود را بر سر شهاد و به همه
ساختهای شیر دستور داد تا از این لباس و کلام استفاده شاید
و بدینسان خواسته شاه اسماعیل ثابت گند که به وی وفادار است !

با بر سی فراوانی در توسعه فلمرو حکومت خود نمود .

با بر در سال ۱۵۳۶ خیلی جمله به هند توانست نیترل شوال غربی
هند را پدشت گرفته و به سرعت بیکال را تسخیر کرده و سپس هند مرکزی
را فتح نماید . او که قبل از این دوبار به هند جمله کرده بود
توانست هند را نیز تسخیر گند . بعد از آن گه به نام او زند
همچنین بوروی این گند ها ایم چهار خلیفه حکم نموده بود .

طبق نوته دکتر عبدالرحمن سلطانیانی می ریادی در
شکن دوستی هند و ایران داشته زیرا می خواسته با از میں سرهن
این دوستی و مودت با ایران شفیده به تهاشی نبرده کرده و به
خواسته های خود نموده باشد . البته مثله قدرها و مناجرات لطفی

میان ایران و هند را باعث شد ولی محبت قلمی تیموریان حبیت به نیزه
باخت می شد که دوستی خود را ایران را حفظ نمایند. و این مثال
در وصیت خادمه ساپر به همایون چنین آمده است:

”حبیت معنی کن نکات اختلاف فرقه های شبه و منی را خواهد داشت.
بگیری و گردد وجود اختلاف بین ایندو به معرف اسلام منحر خواهد شد.
سالاره ساپر در سال ۱۵۲۰ در نزدیکی آگرا در گذشتگه بیداد
حمد او بدلکابل حمل و در آنجا دفن گردید.

نیمه در زمان همایون

دوران زما مداری همایون شاه معاذف بود با مشکلات سرای او زیرا
بود در شعله او دست به انداماتی زده و او پسیور به فرار
گردید و بعد از مدت آنات در ایران ساکن شد شاه ایران به
نهاد بازگشت و مخدداً قدرت را در دست گرفت. بعد از بازگشت
همایون از ایران نده سواری از علیه و داشتندان ایرانی به
هر بار نده را بیان تبعیان از موقعیت سپاهی پرخوردار گردیدند.
سهرحال سایر قبیل از مرکش همایون را به نتوان حاصلین انتخاب کرده
و لشیخان سرا در همایون نسبت به او حادث و از محالان و مشتان
وی گردید. شیخان علی دو حمله به سرا در شعبه همایون را مغلوب گردید.
همایون پسیور خود را فرار داد دیگری را در پیش نصی دید و از اتحادیه
ما در ش ایرانی و از خانواده روحاں بود و تمام تحصیلات خود
و علوم مورده علاقه اش را به هارس خواهد بود راهی ایران گشت.
اینها همایون نهن ملاقات با فرمادار سیستان بهای سرای شاه
ایران فرستاد. و بعد از مدتی انتظار بدون اینکه جوابی از شاه سرای
او ارسال شود همایون با حسن قلی سلطان برادر فرمادار سیستان که

که بگی از تعاونگان مهم شاه در منطقه محبوب من نمایند. به همان
هرات و مشهد حرکت کرد. در این هنگام بیان از شاه رسید که همایون
در هر ایالتی که هست باشد با تشریفات کامل و رسمی از او به عنوان
تواری بعمل آید.

او چهل روز در مشهد ماند و از آنجا شیخی در آشیانه مذهب
بود اجازه داشت که زیارت امام رضا (ع) و امیر طور خصوص انجام دهد.
وی بعد از مراسم از مشهد مورد استقبال هیئتی مخصوص از
طرف شاه تبرار گرفت و لباسهای مخصوص شیعیان به او داده شد لیکن
او از پوئیدن کله که دوارده منطقه به علامت دوازده امام روحی آن بود
خودداری نمود. اما بعد از ملاقات شاه، شاه ایران تخلص کله
مدکور را بر سر او نهاد و گفت این شایع افتخار است و به او فول داد
که اگر شیعه شود به وی کمک خواهد شد تا متواتر شایع و نهضت پرداز
رفته اش در هند را دوباره بست آورد.

بعد از اینکه همایون رسماً شیعه شد به سراام بیک از هراها ان
همایون پسر لطفخان داده شد و وی سراام خان معروف گشت که بعد از
در تبرار شیع شلش فعالیتی داشت که انتقام الله در جای خود بـ

۱ - "احتمالاً" همان کلامی بوده که شاه سمعت الله ولی و هو دارانش
از آن استفاده نمیکردند و ذکر آن رفت.

آن اشاره خواهد رفت.

بعد از شیعه شدن همایون کناء ارشی همراه او به هند فرستاد و همایون تراست بعد از ۱۵ سال تبعید دهلی را تحریر و به تخت حکومت نگه داشت و لی ۱۰ بعده از ۴ ماه به علت سقوط آقر بخت با م —

کنائخانه اش در گذشت. البته در اینجا ناگزیر از ذکر نگفته ای هستیم که قبل از نیز اشاره ای به آن شد.

هستیم که از شاهان شیعه باد می شود به این مظہوم شیعه عیکی آشان عاشق شیعه چاک شیعه بوده است بلکه ملاطفات سیاسی زمان خوبی را نیز در نظر گرفته است و شیعه بودن شاهان تا حدودی زیستی تعالیت و گشتنی شیعه را راحت نموده است و بار نبلیغاتی و فرهنگی شیعه خواره به عهد «علماء» روحانیون و اقتدار مخدان و مختار شده است که به این موضوع نیز در جای جای این نویسندگان اشاره شده و می شود.

البته شیعه ها تحت هر تراکمی در هر لایه و مکانی تا حدودی متأثر از حیال علیه السلام هستند لیکن بعضی از منصب داران — برای حفظ موقعیت خود حرکاتی نیز انجام می دهند تا متواتر موقعت

خوبی را بیشتر تقدیمت نمایند. برای روش شدن هرچه بیشتر مطلب به
ذکر مثالی ممتد است من کنیم.

من گاهی همایون شاه از ایران به سوی هند آمد شیخ حبیب
پسر سپاهی که مورد وثوق همایون نیز بود از او گله کرد که جرا
عه افراد لشکر تو را فضی هستند؟ همایون سوال کرد شما از کجا
میدانید؟ او در حواب گفت از نام آنها فهمیدم برای اینکه نام
افرادش علی است. لذا همایون عقیده خود به تمسن و سیاری از شیخ
را ایراز نمود.

محمدیں وقتی که سید راجو این سید حامد بخاری که از سادات
جلیل اللدر محوب می شده چهل دیدار با همایون عازم آن مظلمه
گردیده بود شاه فتح داشت هر اسما استقبال از این مرد روحانی را
شمعا " سعید " بگیرد لیکن مخدوم الملک ملا مسیح اللہ از من همای
متهمیت شاه گفت: این سید را فضی و بدمعنی است و از دین اخلاق
دارد و استقبال از او بذلت در دین است. لذا شاه همایون حسرات
استقبال از وی را ندان نداد.

۱ - منتخب التواریخ - ملا مسیح القادر دایوس جلد اول (به تعلیل
از کتاب مذکوره سید ... شهد ثالث)

۲ - حق الکرام - سرطی نیر نامع تهیه (استقل از ماحده قیلس)

شیعه در زمان اکبر شاه :

.....

بعد از مرگ همایون اکبر شاه فرزند وی در سال ۱۶۰۵ حکومت را بست گرفت ولی از آنها شیخه اکبر بوای حکومت بسیار جوان بود لذا سرای خان سار با وفای همایون که در سخنها روزگار همایون بود در اکبر شاه را همراهی میکرد بطور موقت نظام حکومت را در دست گرفت. سرای خان از خواهدگان حمل توکن (Qara Qiyunlu) بود که عده‌گی آنها شیعه بودند محسوب می‌شدند. از آنها شیخه سرای خان در زمان خود از نوابع شمار معرفت همایون حسن فرار دادند وی به عنوان مناور خوبش تربیت فرزندش اکبر را نیز به وی سپرده.

با اینکه اکبر نظام حکومت را در دست گرفت و سرای خان به دست شخص ورثی انتخاب گردید،

کلاً ناربع شیعه در زمان اکبر شاه را می‌توان بتجدد قسم تخلص کرد که مهمترین آنها عبارت است از زمان فدرات سرای خان و دیگری

1. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

سریعتر شیوه در هنگام می خواه که در حقیقت شیوه تحریث
استعما ر مقدم العلک در آمد.

نبیه در زمان سیرام خان :

دوران نسبت ور بری سیرام خان کار سر نبیه ایان گذشت
و وی فعالیت زیادی در اجرای قوانین شیعی معمولی داشت.
سیرام خان در زمان شاه لقب خان خانان گرفت و اکثر خواهرزاده
ها بیون شاه (بدرش) را به ازدواج سیرام خان در آورد.
هرچند که سیرام خان در یک محیط شیعی سرپرست نموده بود لیکن
همانطوریکه ذکر شد خود یک شیعه بود و فقط تا ۱۶ سالگی میں شیعیان
زیست میگردد ، از آن پس او در دوریار همایون به خدمت پرداخت و میتوان
در مدرسه بیدخشندها و سرده علماء میتواند به تحصیل علم پرداخت اما علاقه
شبدی به شیعه داشت و خاید علت این علاقه مسائلی بود که در پرسورد
با من ها دیده بود . زمانی که اکبر حاکم دو مرزه دو خلوت داشت سیرام
خان شاه آنها را حسن و حسین گذاشت .
سیرام خان بعد از مدتی به تحقیق دفتر صدرالصدر گه مربوط به

1. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

توانین راجع به زمینها وورت بود پرداخت و عبدالنی که بکسری
و دارای قدرت اعلی در دفتر فوق محبوب شد و سالیان در آین
سنت بود را برگزار و بکسری به جای او منعوب گردید . البته همین
کار بعده باعث اعتراضاتیگردید و در شهابت منجر به برگزاری
^۱
سیرام خان گردید .

متاور سیرام خان نفر مردم بود به نام سر عبد الحی که او نزد
از افراد تبعه و توانست در راه توسعه تشیع گامهای موثری بردارد ،
او در تعاوهای اهل سنت شرکت نمی گردید و بهمین دلیل شکایات زیادی -
علیه او به دربار رسید و جو علمه او بقدرتی زیاد نمود که سیرام خان
محبوب نشد وی را از کار برگزار گردید . اما اکبر شاه دوباره وی را به
سنت فاضی القیاق انتخاب گردید و او در تمام مدت سلطنت اکبر شاه در -
^۲
این سنت باقی نماند .

سیرام خان متاور دیگری سیر داشت به نام شیخ فیاضی ، فیاضی
سر از افراد نسبت بود که مرگات و اندامات وی نیم دریاواران و علماء
اهل سنت و اهل سر ایشان . زیرا آنها فکر میکردند که این مقام منصب

1. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

2. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari
Shi'a in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

آنها حواضد نه و این متنه باعث بوجود آمدن جوی علمه شیعه گردیده
و هامله هاشی بین شیعه و شیعه بوجود آمد بطوریکه نامهای بیرام خان
و فناشی بیز خواست آخراً ختی گند.^۱

بیرام خان بعدت چهار سال خواست در دربار اکبر متلاشی خدمات
ارزشده ای باند ولی با لامر وی در راه مسافرت خویش به مکه در مردمیکی
دریاچه سهنه (Sahansar) در منطقه پستان (Patan) توسط
یک پستان به قتل رسید.

1-2. A Socio-Intellectual History of the Isma'ili Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

حدودیت شیع در زمان اکبر شاه :

در سال ۱۵۶۲ اکبرشاه فردی به نام شیع میش که احتمالاً نیف
بود را در منطقه چینیور ملاقات کرده . پدر شیع میش و در منطقه اکبرآ
و سرازورش ابوالفضل به سوان تا نمای معروف بود ولی در حمله
کار طب میکرد . ابوالفضل در سال ۱۵۷۲ به دربار بیوست و این شیع
میش فعل از آن بعض در سال ۱۵۶۸ میلادی متول تربیت فرزندان اکبر
شد .

این دو سرازور و پدرستان میش و شفود فراواسی در دربار بهدا
گردید . به متوجه بدآ عویش میش شخص بود مفترض ، خدی ، به نادرت
شوخ طبع سا آرزوهای بلند و سیار میانه رو و عطرناک ، مردم آنقدر
از او مستحضر بودند که حتی هندوها ، مسیحیها ، و بیهودیها را بیشتر
از او احترام میگذاشتند . رفتار و روش او در دربار مگونه ای بود
که علال را حرام میداشت و حرام را حلال .

در زمان وی عبادتگاههای دربار علاوه بر افراد شیعه و سی علیه
منتهی از افراد هندو - موسیقی - بودا شی - مسیحی - بیهودی -
درشی - دکترهله و کلا و هر شخص تحصیل کرده دیگر . ولی دوره محدودیت



علیه شیعه بطور حدی از سال ۱۵۷۶ میلادی شروع شد. زیرا اکبر شاه
من شد و در این زمان شرایط موجود برای بسیاری از افراد تغییر
کرد.^۱

در این زمان به نظر بود که دربار اکبر شاه را بیندا کردند
و توانستند با تعلقات و جوپ زبانی و تبعیتگور کورانه از عقاید
مدفی شاه علیه شیعه تزدیکترین دوست شاه شوند. در این هنگام —^۲
شیعه از مسلمین مزرگ شیعه در آن زمان به نامه های ابوالعنیم حکیم
همایون — حکیم هومان و ملا محمد بزرگ وارد شده و ملا محمد
بزرگ خلیف بسیاری سعود شاه را شیعه کند ولی دی به خاطر عذابش
کنار زده شد.^۳

در این زمان کلاً مدفی از دربار طرد شده بود و پایه تقدیر
مدفی بدینصورت مطرح می گشت که: مدفی باید بربابه دلائل مادی
و غایل لعنی باید ته بربابه تجمعات و ... هیئتین ساعت و روزه به
سوان موابل و احوال نه تکر و اندیشه محظوظ شدند.^۴

در این هنگام علیه درباری قطعاً نامه ای اینها که در آن —

1-2. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

3. Indian Islam By Murray T. Titus.

4-5. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

اکبر شاه لقب امام عادل داده شده بود را اختیار کردند و اکبر نیز خود بک مذهب جدید اجماع نمود و آنرا دین اللہی نام نهاد و نیز در داشت هرگز که میخواهد به این مذهب در آید باید در حضور اکبر و با اجازه او این کار را انجام دهد.

در این زمان که خطر حمله ایران به منان بکثر شبهه از غرب و حکومتها شبهه دکن نیز از شرق امپراطوری اکبر را تهدید می کرد او از خرس این خطر و از طرف دیگر از خرس اهل سنت توالت خود را شبهه معرفی نماید و نه تنی از این خطر ای که شده در سال ۱۵۷۹ میلادی فراخت گرد خود را خلیف مسلمین و مقرر گرد هرچه خلیف مسلمین امر کند مردم موظف به اجرای آن خواهند بود.

بهرحال همان طوریکه دکن گردید هنگامیکه بیرام خان از حد سیاسی دربار اکبر شاه حذف گردید منجان متهم بتواستند فشارهای زیادی را علیه شیع اعمال نمایند و در این راه تا حدی بیش رفتند که بعضی موافع دلیل کردن شیعیان در حد تکلیف شرمن قلعه اداد می شده است.

محمد عادل رسروی از اسی تاریخ نویس دربار شاه شیع این شاهجهان در تاریخ صح مادی خود میخوبید هنگامیکه اکبر شاه

نحوی شیخ الاسلام مخدوم الملک . میرزا ظیم شیخ و گروهی دیگر از شیعیان را بقتل رساند . شاعر معروف خزالی مشهدی بسیار وحشت زده شد که میاد او را نیز بحرم شیخ بودن به قتل رساند . لذا برای متورت نزد قائم کاهی آمد . قائم کاهی به او گفت تو هم مانند من مگو که شیخ هستی به من دینی تظاهر کن تا از کشته شدن ابعض گردی در رمان سلطنت اگر . شیخ عبدالحسین ، عذر العذور و شیخ الاسلام ملا عبدالله ، مخدوم الملک که اثایشان را شاه اگر اتهما داده بود تو انتقام حکم قتل بسیاری از شیعیان را به عنوان بدینه هادر و آنها را به قتل رساند .

محمد مصدق زنجیری ناریخ نویس مشهور در مورد شیخ الاسلام ملا عبدالله چنین می نویسد : مخدوم الملک شخص من و بسیار منعصب بود وی خلائق بسیاری برای خودی افرادی که مخالف عقیده وی بودند اتهام داده تو است بواسطه بادتا شهادت برای قتل بسیاری از ابراهیمان را به اتهام شیخ بودن و را فسی بودن جلب نماید .

مجتبی ملا عبدالطادر ساسی ناریخ نویس منعصب می نهاد اگر شاه که شیعیان را با کلمات بسیار رفت و رفته باد میگند

۱ - به قتل از ذکرِ محمد ... شیخ ثالث

۲ - به قتل از ماقول قیلی

من توبیخ : سلطان بوری که اکبر به وی لقب مخدوم الْعَلْك و سنت شیخ
الاسلام را عطا نمود، برای ترویج شریعت اهل سنت تلاش‌های حستگی
ناپذیری از خود نهاد. وی که یک سنی منتسب بود تغیراتی داشت
از رافضی‌ها و شیعیان را به جهنم (به فعل رساند) فرستاد.

هدف تهاشی دور الْمَدُور و مخدوم الْعَلْك نابودی کامل شیخ بود
و آنها هرگز حقیقت فشار به شیخ را روا می‌دانند و قوانین
را طوری وضع می‌نمودند که شیخ بودن و محبت آل علی ملیه السلام
گناه بزرگ و نابخشودنی محسوب می‌شد.

در زمان قدرت افراد باد نده سپاری از سرتاسان شیخ
در مخفیه مالی سر می‌بردند و احرازه کیف و در آمد به آنها داده –
بعن شود نا حق افراد شیخ متواترند به حیات طبیعی خوبیش ادامه داشتند.
شیخ فربد فرزند شیخ معروف صدر که از اهالی منطقه بهتر بود
و زمان اکبر شاه را نیز درگز گرفته و در زمان جهانگیر و شاه جهان
ستهای گوناگونی داشته است میگویند؛ شیخ سماوک در زندگی خود با
فکر و ناداری است و پنجه سرم گردید و به امید گشایش درگاه خوبیش
هرماه پنج مردادش نزد شیخ بد الله الشیخ و مخدوم الْعَلْك رفت
و از اوقاع نا بامان خود تکایت گردید و در خواست گردید که یک

یک نقطه زمین به آنها واگرای خود تا آنان هم کار گردن روی آن و -
کفران وندگی به کار حلیمیخ دین سبز بسیردازند.

اما از انجاشنکه شیع مبارک و نمرودخانش به شیعه بودن انتشار
داستنیه صدر الاعدور و مخدوم الملک هم نوھین به آنها . آنان را از
دریار سیرون رانده و به آنها گفتند اگر به شما گمک مالی نشود
و بندی مالی بیدا گنبد مذهب امامیه و شیع را حلیمیخ خواهید گردید
پس ما سودی شما در فتو و گرسن میخراست .

منصب داران ایرانی :

همانطوریکه اشاره شد در دوران سلطنت اگر نایابی
از داشتن عیان ایرانی وارد دربار او شد. در این زمان هر کدام
از افراد منصب و رتبه ای داشتند که هرچه این درجه و منصب بالاتر
بود به مرکز قدرت مزده بکثر بودند و ایرانیان که اکثر فریب به انتقام
آنها شدند محظوظ شدند از افرادی بودند که خواسته بودند
منصبی کوتاه گوشی را اشغال کنند.

طبق نوشته ایوان الفصل در کتاب آشنی اکبری در رمان سلطنت
اکبر نایاب حدود بیک جهارم منصب داران دربار ایرانی بوده و تعداد
قابل ملاحظه ای از آنان تعلیماً نشان را تحت نظر سیرام خان گذاشتند
بودند و مهاوت حاضر در حسابداری، کارگذیری و مدیریت داشتند لیاقت
آنها باعث شد که حتی بعد از سیرام خان، اکبر به آنها اهمیت فوق
العاده ای دهد و بعضی از آنها حتی بعد از اکبر نیز در دربار مشغول
خدمت بودند.

منصب داران درجه ۵۰۰۰

درین ۲۰ منصب دار درجه ۵۰۰۰ شش نفر از آنها به شریف زیر

ایرانی بودند:

۱ - سهرما مظفر حسین پسر سهرام سهرما

۲ - سرا در حواضر ردیف بکت نام سهرما رستم

۳ - عان خاتون سهرام خان

۴ - خان جهان حسین قلی خان

۵ - شهاب الدین احمد خان

۶ - تاریخون خان

سهرما مظفر حسین و سرا درش سهرما رستم در اهل از ولیعهد های

ایران محسوب می شدند. سهرما مظفر توسط شاه ایران به فرمانداری

قندھار مسحوب شد لیکن در سال ۱۵۹۲ قندھار را به اکبر شاه تسلیم

و اکبر شیر لطف فوران شد او داده و او را به مقام منصب ۵۰۰۰

رساند. البته قبل از آن سهرما رستم در سال ۱۵۹۲ به فرمانداری ملخان

مسحوب شده بود.



A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari
Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

استفاده شده است متن "ما از ذکر نام تنها منصب داران ایرانی به

دلیل می ارتباط بودن با موضوع خودداری گردید این

سیرام خان نیز که خود نخست وزیر بود و تا حدودی نگر احوالش رفت.

خان جهان حسین قلی خان فرزند ولی بیک دوالقدر (سر خواهر سیرام خان) بود وی که بکی از فرماداران موقیع تعداده می شد خواست در زمان فرماداری موقوفتیهای چشمگیری در فتح ساگار کوت (Nagar-Kot) و گجرات و همچنین جنگ میگال سا دا ود در سال ۱۵۷۶ بدست آورد.

سید شهاب خان از سادات نیشا پور بوده و گویند ویله اعلیٰ سلطنت سیرام او بود.

خارسون خان نیز که بعداً فرمادار گرجستان مشهد شد فیل از آن در خدمت سیرام خان بوده و بعد از رفتن سیرام به قلعه مگه او وارد دربار اکبر و به مقام والی منصب دست یافت.

منصب داران / ۴۵۰۰

در میان منصب داران ۴۵۰۰ که فقط دو تن بودند، سیرزا یوسف خان فرزند سیر احمد رضوی که سید سیر بود مشاهده می شد. سیرزا یوسف که در مدیریت بسیار ماهر بود تا سال ۱۵۸۲ بک فرمادار معمولی بود ولی بعد از آن بکی از فرماداران موقق گشته شد. سیرزا احمد نیز بود بک شبهه بود بعد ها پسرش سپیل در زمان شاه جهان به منصب / ۴۵۰۰ رسید و از زمان سلطنت جهان گیر منصب داران کامل را به دلیل

خوردن گوشت خونگ مجازات و تنبیه شود. و هنگام که ناه در مورد این تنبیه او را مورد مشواں فرار داد وی که تبعید متخصص بود جواب داد. "نه تنها گوشت خونگ بلکه مشروب سبز در شریعت حرام است".

منتسب داران / ۴۰۰۰

در سین متنسب داران / ۴۰۰۰ که مجموعاً ۶۰ نفر بودند به ترتیب از آنها به ترتیب زیر اشاره شودند.

۱ - خواجه سفیر علی شرسنی : رئیس قبلى دیوان سیرام خان و شخص پرستش

۲ - محمد قاسم خان : کسی از اربابان ثروت در هنای سور گردید از جمله از یک متواری و در دربار سیرام خان به مقام بالائی رسید.

۳ - عادق محمد خان قزوچه باقر : وی که کار خود را در دربار سیرام و کابدار سیرام خان شروع کرده بود توانست تا منصب / ۴۰۰۰ رشد کند.

منتسب داران / ۴۵۰۰

در سین متنسب داران / ۴۵۰۰ که کلاً دو نفر بودند هردوی آنها به نامهای ناه قلی مهرم بیهارلو و اسماعیل قلی خان اشاره شودند.

منصب داران درجه / ۲۰۰۰

- درینین منصب داران درجه / ۲۰۰۰ که مجموعاً ۷ نفر بودند ۵ نفر از آنها به اسامی زیر ابرانس بودند:
- ۱ - افضل خان خواجه سلطان علی تریش (اهل تریش) که کار خود را دربار همایون با حابداری شروع و به منصب / ۲۰۰۰ رسید.
 - ۲ - میر سرالعین ملک
 - ۳ - میر علی اکبر که ایشان با ردیف ۲ برادر و از سادات و فرمادر ایشان لایق محسوب می شد.
 - ۴ - عاصت خان عبد العجیز
 - ۵ - حاجی محمد خان سپهانی از باران سردیگ سیرام خان

منصب داران درجه / ۲۰۰۰

- ازینین ۱۶ منصب دار درجه / ۲۰۰۰ پنج نفر از آنها ابرانس بودند:
- ۱ - اشرف خان میر منش سروواری
 - ۲ - شاه فخر الدین فرزند میر قاسم (یک سید موسوی از مشهد)
 - ۳ - لشکر خان عراسانی
 - ۴ - شاه محمد خان از دوستان سیرام خان
 - ۵ - شاه عاصت خان فرزند سدهیخ الزمان فردیسی که از حابداران و افتخار دادن ایشان معروف بترکار می آمد.

البته بعض از سیدهای بخاری و شیخ رادگان ابراسی هم منصهای
۹۰۰ را کسب نکرند. از حمله شیخ محمد بخاری - سید محمد بخاری -
شیخ ابراهیم .

درین ۲۰ منصب دار درجه ۱۵۰۰ هیجدهم ابراسی بودند ولی
شیخ فرید بخاری و سید قاسم فرزند محمود خان هم دو شیخ بودند .

منصب داران درجه ۱۰۰۰/

منصب داران درجه ۱۰۰۰ مجموعاً ۴۹ نفر بودند که هفت نفر
آنها به ترتیب زیر ابراسی بودند .

۱ - حکیم ابوالفتح

۲ - اسلام الله خان عیوسی

۳ - عیضور خان

۴ - خواجه شاه سعور شیرازی

۵ - خواجه قیات الدین علی خان

۶ - عادل خان

۷ - حبیب علی خان

منصب داران درجه ۱۰۰/

درین ۳۹ نفر منصب دار (۱۰۰) هفت نفر از آنها به ترتیب زیر
ابراسی بودند :

۱ - رضاخان خان سوزرا از سادات اهل مشهد

۱ - شاه فاضی خان از سادات خبربر

۲ - خواجہ شمس الدین خواصی

۳ - شفیع خان فروزنده میر عبد الطیب فرزوی

۴ - میر مرتضی خان از سادات سوزوار

۵ - میر عمال الدین حسین از سادات

۶ - میر شریف آملی

البته تعدادی از شیعه ها سید هندی میر به منصب درجه

۷ - رسیدت از جمله سید محمد میر عدل - سید هاشم - سید راحم.

منصب داران درجه ۷۰۰

از ۶۹ منصب دار درجه ۷۰۰ هشت نفر از آنها ایرانی بودند.

۱ - حکیم علی کیلاش

۲ - ظاهر فروزنده سید العلوک سید العلوک

۳ - میر میر ابوالقاسم سعکن

۴ - سید عبد الله

همچنان تعدادی از سیدهای هندی از جمله سید شیر خواجہ - میران

هر چهار نیز نداشتند تا منصب ۷۰۰ ارتقا - یابند.

منصب داران درجه ۶۰۰

۷ - نفر از چهار نفر منصب دار درجه ۶۰۰ ایرانی بودند.

۱ - بختیار بیک گرجی شاه منصور

۱ - حکیم هما

۲ - محمد قلی خان ترکمن افشار

منصب داران درجه / ۵۰۰

در میان ۴۶ منصب دار درجه / ۵۰۰ هشت نظر رزیو ایرانی بودند:

۱ - شاه قلی خان

۲ - حکیم عین العلک شیرازی

۳ - سهر ظاہر مرسوی

۴ - خواجه محمد حسین

۵ - فخر خان

۶ - سامن خان

۷ - منصف خان

۸ - سلطان محمد

از میان مادرات هند تبر دو نظر به نامهای سید جمال الدین و سید جا حسنو استند به درجه منصبهای ۵۰۰ نائل شوند.

و سال آخره در میان ۱۶۲ منصب دار رده ۲۵۰ خا ۲۰۰ فریب به چهل نظر از آنها از اهالی ایران بودند.

البته در بین وزرا سیز بیرام خان ایرانی و از ده وزیر افتخار هست نظر آنها به ترتیب زیر ایرانی بودند:

۱ - سهر عزیز الله خربش

۱ - خواجہ جلال الدین محمد خراسانی

۲ - خواجہ عبدالمجید خاچف خان

۳ - وزیر خان

۴ - خواجہ مظفر تربیتی

۵ - خواجہ شاه منصور شیرازی

۶ - شمس الدین خوانی

همچنین در سیس پا نزدِ بخشش و نظر ایرانی و از آن تقریب که لقب
صدراللعل در بعض ممکن قضاوت برای ایرانی و ارتداشند دو نظرخان به
ساده‌تر عهدالله و شاه فتح الله شیرازی ایرانی بودند.

در پایان بحث منصب‌داران ایرانی نکو یک نکته غروری به نظر
من رسد عزیزت که قبلاً این تذکر داده شده است. و آن اینکه
اگرچه زیستهای ایرانی فوق همواره در مستگاه حکومتی از تفویض قابل
توحیث برخوردار بودند اما اکثر آنان از قدرت و نفوذ سیاسی خود
برای سطح تشیع استفاده نمی‌کردند و بیشتر به موقعیت و ارتباط مقام
من اندیشه نداشتند و تبلیغات محسوس درباره تشیع به عنوان مثال

۱ - فتح الله شیرازی از علماء شیعه ای بود که برای سطح و تفویض
شیعه رحمتیها کنید و استاد الله در طور آنی ذکرا بسیار کمتر داشتند.

در هنگامیکه ایران در درگیریهای خود با از بکها و مشاهیان
مشغول بود این افراد از حقوق سیاسی خود جهت جلب حمایت حکومت هند
از ایران فعالیت موثری نداشتند. و اگر شاه نیز از کنار حمله
از بکها و مشاهیان به ایران بر احتیاط نکشید زیرا فکر میکرد هرجند
که ایران را گه بعنوان همسایه ای قوی میبیند از این دست میداده
لیکن از دست دادن ایران را عاملی برای عدم پیشروی مشاهیان
و از بکها به هند میبیندند. زمانیکه از بکان به منتهی حمله
میکردند و بعد از تحریانها سپاهی از مردم را به حرم شیعه بسوند
مثل عام کرده و حتی حرم امام رضا علیه السلام را نیز خارت کردهند.
نهنج افسوس این از تبعیان مقام دار باد شده بعمل نیافرید.

تبیه و فعالیت علماء در دربار مغول :

در همه ادواری که شیع در دربار حکومت نفوذ داشت است علماء و روحانیون که بار اعلیٰ نوبه شیع برداش آنها بوده در خارج از دربار به فعالیت و حلیم شدید خود ادامه میدادند و در این راه از مذل مال و فروخته و جان خود نیز در بیع مذاقتند.

شاریع گواه خوبی است که علماء و روحانیون تبیه برای ترویج این مکتب خود به زهرها گشته و چه معاشی را تحصل نموده اند، اما متأسفانه از آنجاشیکه اکثر شاریع توصیان جبره گوار دربار حکومتی بوده اند از توان فعالیت و اینثار گری آنها در ادوار مختلف اظلامات کا ملى در دست نیست اما همین تعداد کم که هست سرا تبیث نیز از فعالیت و اثرات افراد دولتی و حکومتی بوده است جو که آنها افرادی که در دربارها به عنوان شبهه منقول فعالیت بوده اند بیشتر برای ثبت موقوفیت خود کنای بوده اند و اگر در این نوشت دکری از آنها بمعیان می آوریم بحاظ درسم کلی حرکت شیع در منطقه است، البته طبیعی است که وجود افراد شبهه بر منته فدرت کار را برای تبلیغات آسان نرمیگند تا حکومت افراد می منصب و این

دلیل است که ما از ذکر فعالیت‌آها بیش جنم بوشی نکنیم . از علما و دانشمندان شیوه که در تبلیغ و سقوط شیعی در شبه قاره فعالیت داشته اند افراد زیادی را می‌توان نام برد و لیکن ما در این بحث نه
ب ذکر بسیار آنها می‌کنیم و چه بسا عالماں باشند که در توسعه و بسط شیعی جانفنا نیها کرده و ما ذکری از آنها بیان نهایا ورده ایم که این مطلب علتها می‌گذرد و این میگذرد وقت در بحث این
این حزوه دیگری عدم مistris کامل به منابع و بالاخره عدم برآمد
فکری نوبختند . سپر حال افرادی که از آنها نام بردند می‌شود اکثر از
در دوران حکومت صفوی و بخصوص در زمان حکومت اکبر خا ، فعالیت داشته
اند بدینه است از زمان ظهور اسلام و توسعه شیعی در هند ناهم اکنون
علما و دانشمندان بزرگ شیعه برای بسط و تقویت مکتب اهل بیت در این
سلطنه درحال فعالیت بودند و عواهد بودند و ما در فعالیت‌آیی دیگر
این بحث نهایا " از فعالیت علما " بیش ذکری بیان آورده ایم .

سید علی حائری:

سید علی حائری از سادات و محدثینی بود که شجره نامه اش به
امام موسی کاظم (ع) می‌رسد و بکی از احداد او از آن به کنسر
طر نموده بود و سیس نواده های او به پیغاب و ایالاتی دیگر طر
و در آنجا ها مستقر گردیدند. در این هنگام فرمانها نیز
از افغانستان وارد ایالت پیغاب در هند شده و بدینترتیب خاندان
حائری و نواحی و افراط پرسنود فرمانش مجموعاً گروه متحده را
نشکل دادند که از نظر معمولی و مادی بیشتری از خویی سرای شیعه
و شیعه محسوب می‌شد. زیرا نوابها و خانواده فرمانها از طریق
دارای هدایت سیاری بودند و افراد خانواده سید علی حائری نواحی
جن جنوب آنها بخود از منابع مالی آنان در راه دفاع و بسط شیعه
استفاده نمایند.

سید نور الله این شریف الحسن الغرمی مشهوری معروف به شهید ثالث :

شهید ثالث رحمه الله علیه از سرای ترویج تشیع در شبه قاره زحمت‌های طاقت‌فرما
گشده و در سیا بسته‌بیز جان خود را در این راه فدا کنده و خساره
درختانی نمود در آستانه تشیع او که برای ترویج مذهب اهل بیت علاقه
خوبی نداشت بعد از آنکه پدرش سید نور الله اول قمی داشت برای
تبییع تشیع به هند رفاید و تا شیراز هم آمد و بود ولی بعلت
سوانح خود در سن ۲۶ سالگی هازم هند گردید و این در حالی بود
که در کشور خود از موقعتیت گاملاً برجسته ای سرخوردار بود وی برای
آنها مدت‌ها بتحت مغولها را برگزید زیرا در آن موقع حکومت دیگر نمی‌
توان دکن مستغل نموده بود از فرماتروایان شهید ولی در بامتحنی مغولها
تشیع دچار مصیبه بود .^۱

من امیکه سید ثالث نور الله وارد هند گردید در آنرا و در نزد
حکیم اسوانفتح کیلانی سهادن میعنان استقرار یافت و در این هنگام

۱ - تذکره مجید الله شهید ثالث نوشت سید سبط الحسن خرسوی

آوار فضیلت و دیانت وی به گوش اکبر شاه رسید و اکبر شاه نیز او را سمعت قاضی القضاة لاہور منحوب کرد.

تو بیند: کتاب شیعه در هند چنین می تواند:

"در استادی کار از قاضی نور اللہ تعبد گرفته تذکرہ باشد
جمعیات شر اساس اعتقادات اهل سنت (جهاز سیم) گرفته شود
ولی بعد از شروع کار او علا" بر اساس اصول تشیع تعمیم کشی می شود.
ولی در کتاب تذکرہ محمد ... شہید ثالث منتقل از خاتمه المستدریگ

نوشته علامہ نوری چنین می تواند:

مکا میکه قاضی القضاة لاہور می ارسراہ شد او ب ترطیب
پذیرفت که فقه حنفی - تافعی - مالکی و حنبلی را عمل نکند بلکه گفت
فقه فقه جعفری متضم فتوای من خواهد بود و من طبق فقه خود فشاروت
خواهیم کرد.

اما آنچه سلم امت حکم دادن شہید بر اساس فقه جعفری بسوده
و ایمان توافت نداشاید که فقه جعفری پا خذلی شامی مصلحت
و گرفتاریهاي حامده خواهد بود و برآسان بیش و درایت و علم و نفوذ
او و احتیاطی های منحصر بر لببه تعمیم او گشودند.

1. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

۹ - تذکرہ محمد اللہ شہید ثالث نوشته شید سبط الحسن منسوی

ملا احمد بداعوی از عالیان منصب سنب که با تشیع عدیمن سنت
داشت راجع به فاطمی نور الله شوشتری چنین اظهار نظر کرده است.

فاطمی نور الله شوشتری اگرچه شیخ مذهب است اما بحقیقت
عدالت، نیکی نفس، حبا - تلخی و عفاف و اوضاع اشراف دیگر موصوف
است، علم و حلم وجود، فهم وحدت طبع و عقای فربده و هوش او شهرت
فراوانی دارد و حاصل تحسیف ارجمندی است که از حد تعریف و توصیف
خارج است او در نظام حیر طبیعت دل نشین دارد.

همچنین ملا احمد بداعوی در مورد خدمات و رحمات فناشی شهید
ثالث شیخ زبان تمجید گشته است.

کار و فعالیت شهید ادامه داشت تا بعد از اگر خواه جهازگیر
حکومت را در دست گرفت و بعد ای از علماء سنب که نابدیدار آن —
واوسته شهید را نداشتند به جهازگیر شکایت بردهند که او از شیخان
و در فنا و خود فقه حضری را تاشه کرده است و کتاب معروف او —
نام محالس المؤمنین را به عنوان مذکور شیخه بودن او علیه وی استفاده
کرده است شهید تقدیمه را لازم سنب داشت و نقل کرده اند همانگونه
در دربار راجع به ولایت و محبت علیه السلام بحث بیان آمد
اسن شعر را سرود.

گر لَحْكَ لَعْنِ حَدِيثِ تَبَوِيْمٍ سِنْ حَلْوَ عَلَى نَامِ عَلَى هِيَ اَدِبِيْم
یعنی اگر بیان بر بے امام علی (ع) فرمود که گوشت تو، گوشت من
است، بردن نام علی علیه السلام بدون ملوات و درود بر او سی ادبی
است.

سپهحال و سویه قتل سید نور الله شusterی شوست علماً متعدد
اهل سنت در جهانگیر شاه اش و بستور او سید نور الله محاکوم بـ
قتل گردید.

هذا عیکه سکدلان سید خدا را زیر غربات شلاق گرفته بودند
وی شرست شیرین شها دت را شویید و از آن هن لقب شهید ثالث گرفت.
و هم اکنون آرامگاه آن شهید فرزانه در اکبرآ بورده شده نیماں میان
می باشد روایش با جذیح حضرت حسین این علی علیه السلام مخمور باد.
شهید ثالث آثار علی و متفہی زیادی بر جای گذاشت که
از آنجمله است احراق الحن ما به اس آن سریع مرد مشربت سکر از اشعاوش
را دیلا درج می کنیم.

نکر خدا که نور الله است رهبرم

وزیر ارشق اوست فروزنده گوهرم

۱ - آثاره بـ حدیث حضرت محمد (ص) است که در حدیث کا راجع بـ
علی علیه السلام فرمود لحق لحمی و دمگ دمی یعنی گوشت تو،
گوشت من است و خون تو، خون من

ا ندر حب خلاصه معنی و مورد	ا ندر حب خلاصه معنی و مورد
با توى شهر دختر کسی است هادرم	داراشی دهر سبط رسولم بود پدر
هان ای هلک چون این پدراتم بکنی سار	هان ای هلک چون این پدراتم بکنی سار
بعضی به عاق والدوته هنگ هادرم	شکر خدا که چون حسن غزنوی نسبت
مدح مخالفان علی هر زبان پشم	پادم زبان سرید چون آن ناخلفاگر

شاه فتح الله شیرازی

شاه فتح الله شیرازی شر از گاسی بود که ورودش به هند مایه گترش نشیع گردید. ورود او به هند نقطه عطفی بود که باعث تحولات بشم گیری متفع شیخان گردید. سبب معروفیت او در هند شاگرد وی به خام " غیاث الدین معمود افضل خان شیرازی " بود زیرا غیاث الدین که قبلاً به هند رفته بود بواسطه علم و تجربه خود توافت پسورد معروفیت کسب کرد در دربار علی عادلشاه اول حاکم بیجار هنام نعمت ورسری را تعاون نماید غیاث الدین آنقدر از استاد خود شاه فتح الله شیرازی شعری و شمید نمود که شاه به استاد او ملائمه و تهدید را همراه شد بول زیاد و هدایانی به شیراز فرستاد شا بالآخر توافت فتح الله را به بیجار بجاورد.

بس از مدنس شهرت فتح الله بحاشی رسید که اکبر شاه نیز خواستار خسرو شاه فتح الله شیرازی در دربار خود گردید و بدنهال سهاد ای بود شاه فتح الله را به هر ویله ای گردید

شده به درگاه خوبیش بیا ورد.

بعد از علی عادل شاه اول حکومت سه اسراعیم عادل شاه دوم رسید
اما دلاور خان حبشهی من حمله ای به بیهار نواتیت سرای مدنسی حکومت
را در دست گیرد. و از آنجائیکه با شیعیان حکومت فراوانی داشت
سیکفت علماء نبده حق زندگی نداشتند و مسیور داده شاه فتح الله
را به زندان انتداختند. بعد از خبردار شدن اکبر شاه از زندانی شدن
شاه فتح الله اکبر شاه به دلاور خان مسیور داده شاه فتح الله را به
دربار او بفرستد. و بالآخر شاه فتح الله شیرازی در ماه می ۱۵۸۳ -
وارد فتح بیور سیکری شد و با مسیور اکبر مورد استقبال مقامات و
فرمانداران محلی و همچنین پسر شیرام خان و جمع دیگری از علماء و
تحقیقیها فرار گرفت. و بالآخر ملته بعد از ورودش به دربار از طرف
اکبر شاه به سمت "رهبر متفکرین دربار" استعفای گردید.

شاه فتح الله شیرازی موبدی بود که در تمام علوم متخصص
بوده - طب - ریاضیات - ستاره شناسی و مهندسی در زمان خودش
و در آن سی هشت سویه . او بعد از گذشت تقریباً یکسال و سه
ماه از ورودش به دربار اکبر شاه مشغول برخاسته دیروزی در مائل میان

دربار گشت و سهتم شریعت دربار را که دو سال قبل از آن برداشته
ربزی نده و معلو از فاد گشته بود را فتح و شریعت جدیدی بر اساس
تشیع باشد تهاد.

وی فحاشی، مشروب خواری - خوردن گوشت سگ و ... را که تا
آن زمان در دربار آزاد بود ممنوع اعلام و تنها کسی بود که در دربار
و در حضور شاه بطریقه شیعیان معاف می خواند و همین در بحثهاشی
بمرا من مراج و شق الفعر که شاه به آنها اعتقادی نداشت همچنان
حلیفتش را گتمان می کرد.

بهراحال بعد از مدتها لقب "امین الملک" به وی اعطای و شاه
در تما من کارها نظر او را جویا می شد و بدین ترتیب وی در دربار
اکبر شاه از احترام خاصی برخوردار گشت.

و این مثلثه ای بود که باعث گمک و آزادی شیعیان شدید
و بهمین دلیل است که گفته می شود حضور ورود شاه فتح الله شیرازی به
هدت شنطه تحول علیم و شریعه سریع تشیع بود.

ملا احمد نطاوی :

ملا احمد نطاوی که اینها سی و سه " شیعه نه توافت در زمان اکبر شاه از علماء بزرگ دربار گردید. نطاوی شیعی وی با عیش شهادت نویسندگان متفق گردید.

پدر وی بکسری حنفی و فاسی شهر نطا بود، ولی ملا احمد در سنتین جوانی شیعه نه ملت شیعه شد وی فاسی سور الله خوشبختی معروف به شیعه خالص بود زیرا رمانتیک شیعه که شیعی شیعه و سیار مومن و اهل تقوی می‌بود از عراق به نطا آمد و در تردد بکسر ملا احمد زندگی میگردد توافت بعد از مدتی ملا احمد را شیخه رفتار و علم خود سازد. در این موقع ملا احمد مطالعی زیادی از فاضی سورا، آموخت و سور الله توافت بواسطه درسهای خود محبت حضرت علی علیه السلام و شعله محبت اهل بیت را در ملا احمد مشتعل سازد.

ملا احمد شیعی در خواب حضرت علی (ع) را دید که کتاب تفسیر کناف را در دست مبارک دارد و از او من خواهد که تفسیر — ورد ۵ آیه ۵۵ را خواهد و تفسیرش را فرا گیرد.

بعد از آن ملا احمد برای پیدا کردن این تفسیر نلش سیاری نمود.
در این سیان هنگامیکه شخص نام میرزا حسین به طرف هند معرفت
در بین راه حضرت ملی علیه السلام را دید که او فرمود کتاب تفسیر
کتاب را به مرزنه فاضی نطا بده. میرزا حسین نیز بعد از ورودش به
قطا ماجرا را علی نامه ای به ملا احمد نوشت و از او نظایر دیدار
کرد. سپس ملا احمد با برجهه نزد او آمد و کتاب را گرفت و بعد
از بحث و گفتگوش که با هم داشتند ملا مرحوم و کتاب را بدهفت مطالعه
نمود.

در این هنگام که ملا احمد ۲۶ ساله تحصیلات خود را در نطا به
اخام رسانده بود به عنوان یک درویش پاپوس امام رضا (ع)
در مشهد و به قصد زیارت به آنجا رفت و در آنجا نیز علم کلام و
حدیث - هنر امامیه و ریاضات را بدهفت نداشت. و سپس برای
زیارت راهی عراق شد. در این نیز او توانست آگاهی خوبی در مورد شخصی
و تبعیع گیری کند.

بعد از آن ملا احمد به منطقه گلکوندای هند (Golkonda)
در آن زمان تحت حاکمیت نظام قطب تا هی بود وارد و بعد از قطب شاه.

1. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

زمانیکه کار سر شبهه ساخت گردید و دستور فتل عام نیمیان هادر خد
ملا از آنجا به مکه و سین به دکن و از آنجا به آکرا سفر نمود و بکار
تبیع شمع مشغول گشت تا اینکه وارد استگاه اکبر شاه شد.

وی که عصیت مورد حادث و خروج ملاهای سنی بود با فتح الله
شیرازی آشنا و همکاری نمود. زیرا در این هنگام اکبر شاه بسته
فتح الله شیرازی و عده ای دیگر دستور داده بود تا بعثت گذشت
هزار سال از هجرت کتابی تحت عنوان شاریح هزار ساله بساخته.

اکبر شاه دستور داده بود که تمام مذاهب آزاداند تا نسبت به
جمع آوری شاریح کوتاه باشند و هیچ مذهبی حق دخالت در مذهب دیگر
را نداشند.

سرای بوشن کتاب شاریح هزار ساله یک هیئت مشکل از افراد -

^۱
زیر انتخاب گردید.

- نظیب خان

- شاه فتح الله شیرازی

- ملا احمد شطاوی

- حکیم هومان

- حکیم طی

- حاجی ابراهیم سرهنگی

- ملا عبد العزیز بداعوی

اولین شماره کتاب که توسط ملا بداعوی که از نجفان سرحدت
و دشمن درجه بیک ملا احمد بود و از زمان پیامبر تا عباسیان جمع آوری
شده بود نگاشته شد. وی در کتاب خود نامی از شیعیان نسخه و فقط
از فهرمازان سنی سخن بیان آورده بود و حتی بجای شیعیان مشهور
در اسلام افراد سنی را نام برد و بدینسان کتاب اول مستخوش تعبیات
خنگ و بسی اساس سنی ها گشته بود.

اما کتاب دوم که توسط ملا احمد نگارش شده بود به نظر شیعیان
اشاره داشت. و این باعث گردید که دشمن سنی ها با وی ثابت بیشتری
گیرد بخصوص هنگامی که ملا احمد در سفرش که همراه با اکبر شاه بـ
پنجاب انجام شد دست از تسلیع برداشت.

با لایحه دشمنان وی توافتند او را بطور ناجوا نصره داشت ای بـ
نهادت برآوردند. همراز هولاد که بـک سنی منصب و خیر اکبر شاه
در دوریار عبید الله خان از بـک بود. در شب ۲۱ دسامبر ۱۵۸۷ میلادی
همراه با بـکی از دوستاش در بـکی از گوجه های لاھور و سر بر راه ملا
احمد گمین گردید و بعد از دیدن او دو دوستش را با شمشیر نفع گردید.
لذا ملا احمد بـبیوش شده و بـرسیں افتاد. بعد از به هوش آمدن
ملا احمد و مطلع ندن اکبر شاه از داستان، اکبر دستور داد تـا

میرزا فولاد و دوستش را به بای فیل بسته و دو شهر سکرداشت و سپس
آنها را بقتل برداشتند . اما ملا احمد شیر در گذشت .
در این میان ملا بدآ عویس متهمت را برای انتقام گرفتن از ملا
احمد منابع دید و در خبر اسخن خود گفت : " وقتی که شیعیان می میرند
نهایه آنها در موقع مردن همچون حیوان می گردند و من خود دیدم که
چیره ، ملا احمد ماتمده خواک خده بود " همکاران و دوستان ملا بدآ عویس
شیر گفته های او را ناشد کردند و کار را به جاشی رساند که
شیعیان متهمت حسنه ملا احمد را از حاکم درآورده و به آتش کشیدند .
و بعد از تحقیق خون ملا احمد تطاوی مهر دیگری گشت بر حفاظت و مظلومیت

- ۲ -

شیع بعد از اکبر شاه :

بعد از اکبر شاه که کلاً به شیع طلحهای سیاری روا داشتند
که بین از آنها در قسمتهای بعدی اشاره مواهده شد فروزان
جهانگیر در سال ۱۶۰۵ میلادی حکومت را در دست گرفت و چون شاه
خان نسبت به تمن داشت مذهب خود ساخته پدرش را منع و تمن
را مذهب رسمی کنور اعلام نمود ولی حضور شعبان هنوز در دربار باقی
بود.

جهانگیر با نو، بگفرد ایرانی که در دستگاههای دولتی ایران
بسیار عالی نفوذ و به نام نورجهان معروف بود ازدواج کرد.

از آنجاییکه در زمان جهانگیر، ایران به ملت شیعه بودن حکومت
دکن علاقه خاصی به آن نداشت محدودی از تهدید حکومت موری هند
در امانت بودند.

معینی ز ماضی که اکبر شاه در گذشت شاه عباس حاکم ایران برای
عرض شلیکت به عاظم مرگ اکبر و نماییک به جهانگیر بعده بدت گرفتن
حکومت موری را بدرهار جهانگیر خان فرستاده جهانگیر نیز هنوز

از مقول با سرگشترین هدایا به دربار شاه ایران فرستاده و خان عالم
پس توسط جهانگیر به قوان غیر به سوی ایران فرستاده شد که
ظریفه شریفات خاص توسط شاه ایران پذیرفته شد.

ولی این حسن را بخطه ظاهری نتوانست شاه هند را بست به نسبع
ستاده ساره، بعد از جهانگیر شاه، شاهجهان به تخت شاه و در سال
۱۶۳۵ رهاییکه شاه جهان به دکن حمله کرد و دید که نام شاه نیزه
ایران در خطه ها خواسته می شود خشکین و این امر را منع کرد.

بعد از شاه جهان او رنگ زیب قدرت را در دست گرفت. در زمان
اورنگ زیب پس نسبع دهار محدودیتها شی بود.

بعد از اورنگ زیب فرزند بزرگ او به نام شاه عالم با لقب
بها در شاه، جانشین پدر شد. بها در شاه پسر اخو ارشاد و راهنمای
دوستش به نام ابوالحسن شاه شیوه ۱۲۰۰ میلادی و لی درباریان
مکالات بین بها در شاه و ابوالحسن را کنترل و نامه آنها را تحويل
اورنگ زیب دارد، او پسر بها در شاه را همراه یا فرزندش میشوند
۲۰۰۰ سال زندانی کرد. ولی بعد از زندان دوباره بها در شاه درست
راست پهلوانی می شنست.

در همین اوان فرزند دیگر اورنگ زیب بیش اکثر گوشتاش

علیه پدرش براه انداخت ولی نکت خود لذا فرار را برقرار ترجیح و هند را عرک و وارد جزیره ای به نام سقط شد. هنگامیکه بیشوای سقط فرمید که وی فرزند اورنگ زیب باشد هند است، برای آزادی او در شرط ۱ - مطالبه مبلغ ۶۰۰ هزار روپیه ۲ - قانون منع مالیات برای کشتهای سقطی را به اورنگ زیب بخشید کرد. اورنگ زیب بسر برای دستیابی به برش دو شرط فوق را بذیرفت. اما در این میان شاه نمود ایران از فیض مطلع گردید و بیشوای سقط را نهادید که اگر اکبر را به ایران نفرستند، او سقط را ت歇یر خواهد نمودند اکبر با تحریفات حاصل وارد ایران گردید تا در سال ۱۷۰۴ میلادی درگذشت.^۱

لکن از آرزوهای بزرگ اورنگ زیب از سین سردن حکومت شیخ
در دکن بود اما ترس از حکومت و قدرت ایران و پشتیبان ایران از
دکن بخاطر حکومت شیخ آن مانع از انجام عمله توسط اورنگ زیب
^۲
من شد.

- ۱ - به سلل از میع نسلی
- ۲ - بروشور سبد سجاد رضوی از داشتادان شیخ پاکستان درحاوره ای خصوص به خیر میگفت اورنگ زیب شیخ بوده ولی شیخ میگردد است دلیل هم استنکه فرزندش که جانتین وی گردید شیخ بود و همچنان در وسیت
نامه اورنگ زیب آمده است که مرد را به دوش اهل نشیع بخواهیم ساکن

فروزنده سهادر شاه و بند از او بیچ نظر حکومت گردید

۱

پادشاهان ملکه مغول س قرار زیر بودند.

میلادی ۹۲۲	/	میلادی ۱۵۲۶	۱ - پاپ
۹۲۲	/	۱۵۲۰	۲ - همايون
۹۴۴	/	۱۵۵۶	۳ - اکبر
۹۴۴	/	۱۵۵۸	۴ - جهان شکر
۹۴۷	/	۱۵۶۷	۵ - شاه جهان
۹۵۸	/	۱۵۷۸	۶ - اورنگ زرب
۹۷۹	/	۱۵۹۷	۷ - بیہا در شاه
۹۹۲	/	۱۶۰۲	۸ - جهان شاه
۹۹۵	/	۱۶۰۵	۹ - فرج سید
۱۰۲۱	/	۱۶۲۱	۱۰ - دو نظر مواف دیگر
۱۰۲۲	/	۱۶۲۲	۱۱ - محمد شاه

بـ سپا رید، امام امداد شاهزادی سند قابل تعاونی دال بر شه بودن
اورنگ زرب مناده شکردم سلکه بر مکن بعض از علماء و روحا نسیون شنبه
ستندندگان اورنگ زرب از سیان متعدد و مذکوبه بوده است.

1. The Shias of India By John Norman Hollister.

شیعه در کشمیر بعنوان واحدی جدا

کشمیر از ساخته ای است که اکثر افراد آن هنگام آوردن اسلام
ستقبلیانه هستند جعفریه را پذیرفته‌اند، البته فرقه اساعلیه نیز
در بسط و گسترش تفکر خود در این منطقه فعال و موافق بوده است.
البته ما در مختهای بین این بوئنه به وتد اسلام در کشمیر
اشاره هائی داشتم و حرکت علی همدانی و ناتپرس را در شروع تصمیع
ما حدودی بیان کردیم.

بعد مجدد ما از فعلی متنقل تحت عنوان شیعه در کشمیر به
عنوان واحدی جدا "بررسی دوران حکومت "خاندان سلاطین" در منطقه
کشمیر است زیرا که در دوران حکومت این خاندان دوسره شیعه رواج —
ساخته بود.

در منطقه کشمیر نیز مانند بسیاری از مناطق دیگر فرهنگ
و زبان هارس از عوامل مهمی بوده که در اسلام شدن کشمیر موثر بوده
است به عنوان مثال با دشای منطقه کشمیر هند
(KISHTHAR) سلطان شدن خود را مدیون سید شاه فرید الدین مهدیاند و بدین از —

ملعان خدن بسیاری از طرفداران خود را نیز به دین اسلام شرف
سکنده و هنگامیکه مردهنگ و زبان هارسی در میان حکمرانان رواج یافت
افراد منطقه بلخستان نیز روبه اسلام آورده‌اند. از طرف دیگر ^۱—ون
گروه راجه‌وتها و جات در ارتباط مستقیم با امیرا طوران دهلي بودند
آنان نیز ملعان گشته‌اند.

۱. زبان هارسی در بلخستان که اکثر اهالی آن نیز هستند هنوز هم
زبان معمول و رایج است و مردم منطقه به هارسی کلم می‌کنند.

2. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

خاندان سلاطین و شیعه در گنجه

گنجه که تحت حکومت هندوها بود توسط شخص از اهل شیعه به نام رینچان (Rainchan) و ملقب به را خان شاه ، شاه هندوی گنجه را مغلوب و اولین حکمران سلیمان گنجه شد . در این زمان بود که مکن از ولیعهد های ایرانی که خود را پسر بکسازگان معروف میگردید با نام شاه پیر به گنجه آمد . وی که طبق ادعای خودش از نوادگان حضرت علی (ع) بود میگفت پدر برادر گنجه به او گفت که تو روزی با دنای گنجه خواهی شد . وی بعد از مدتی در سال ۱۲۴۲ به منوان وزیر انتخاب و در سال ۱۲۴۶ خود حکومت گنجه را در دست گرفت . و من اخبار لقب " شاه پیرزا شمس الدین " خاندان سلاطین را بنیان گذاشت . در تاریخ فرشته آمده است : شاه شمس الدین خان حدودی همان میدعه که او از نسل حضرت علی (ع) بوده ولی نظام حکومت وی سر اسای حقایق عینی اسوار بوده است هر چند که خود او بک

نیست بوده است.

طبق نوشتہ تاریخ فرشته - چهار حکمران بعد از شمس الدین

نهاد از هر ران او بودند.

قطب الدین شاہ و سید علی همدانی

اما در زمان قطب الدین دو نفر از سادات وارد گشته شده و باعث
ایجاد تحولاتی در مذهب گشته بیان گردیدند.

اولین آنها سید علی همدانی بود که هر راه با ۷۰۰ نفر
از طرفداران خود در سال ۱۲۸۰ وارد منطقه و بعد از ۶ سال خواست
در راه بازگشت به ایران فوت کرد.

دومین نفر میر محمد همدانی بود که هر راه با ۵۰۰ نفر از سادات
وارد منطقه و ۱۲ سال در آنجا ماند.^۱ البته گفته می شود که این
دو نفر مورده خشم شیعیان نوار گرفته بودند زیرا شیعیان بکمی بودند
پیر حال این افراد در دربار قطب الدین از آسایش بخوردار بودند
زیرا آن زمان تشیع در دربار قطب الدین از اهمیت خاص برخوردار
بود.

سید علی همدانی و میر محمد همدانی توانستند زیارتگاهی

مختلی در سراسر هند بنا کنند . طبق نوشت احوال فعل این افراد روحانی و عالم که خیلی هم قابل احترام بودند همراه با ۲۰۰۰ نفر از مریدانشان فقط با خوردن میوه و سبزیجات زندگی را می گذراندند و ازدواج در بین آنها ممنوع بود .

البته بعض از نوبندهای معتقدند که وی از گروه شافعی های بوده لیکن خور و برس در احوالات آن بخوبی شناخته بودن آنها است .

سلطنت سکندر و سید محمود سیزو اری و ورود سیدان سهنه به کشیر :

در زمان سلطنت سکندر ، با پیخت ، مرکز علم و فرهنگ و اقامتگاه
سیاری از علماء و داشتمندان نداشت بود که از نشاط مختلف به کشیر
آمده بودند . سپس سکندر به تبت علیه نمود و آنها را تغیر کرد . در
این زمان پادشاه تبت شیعه معتقد و احاجیه تعبدیاد که همچ فرورد
پسر شیعه ای وارد تبت شد . به علت علاقه و این ایکندر به سلطان اسلام
و مذهب با هندوها ... وی به سکندر متذکر معروف گشت .

پخت و زبر سکندر هم که بیک هندو بود سلماں گشت و سلطان سکندر
ستور داد هندوهای کشیر را باشد سلماں شوند و با شیعه او کشیر
در انتظار آنها است . سیمین دلیل تعدادی از کشیر شیعیه و شیعیان
نیز دست به خود گشی زدند اما اکثریت آنها به اسلام روی آوردند
بطوریکه در کل سلطنه کشیر ۱۱۰۰۰۰۰ نفر همین ماقبل مامده بود .

از وفا بیعی که در زمان سکندر شاه اتفاق افتاد و در نویسندگان
مشهود موضع گشت ورود سید محمد سبزواری و گروه سیدان بیرونی به گشته
بود زیرا ورود آنها که با استقبال گرم سلطان اسکندر همراه بود
باعث شد که تشیع و احترام به اهل بیت رواج فرا واسی باشد.

پس سید محمود دختر برادرش را به ازدواج شاهی خان کشید
در آن موقع ولیعهد بود در آورد.

بعد از سکندر شاه علی شاه حکومت را در دست گرفت ولی بعد از
سافرت وی بظاهر اعمال مع برادرش، شاهی خان کویدنا کرده و تاج
و تخت را خواست و به سلطان زین العابدین معروف گشت.

در زمان سلطان زین العابدین که بیک شده و حکومتش ۵ سال طول
کشید دوران طلاقی گشته بود. زین العابدین که خود بیک داشت
و موسیلدان و اهل علم بود خواست داشتمدھای ساری را به گشته
خطب کند.

در دوران حاکمیت سلطان زین العابدین شیعیان او احصار خاصی
برخوردار بودند رسرا هم روزین العابدین به نام تاج خاتون معروف به

1-2. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

3. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

سبهانی بیکم که دختر برادر سید محمود سبزواری بود و از شیعیان
سبهانی محرب می شد تا خود زیادی سر روی نوهر خود داشت.^۱

بعد از مرگ سلطان زین الدین حاشیین وی حیدر شاه که او نیز
شخص فایده داشت الخ بر بود زمام را بدست گرفت. و بدین شرط
خاندان شاه میر روبه زوال گذاشت.^۲

علت دیگر زوال خاندان شاه میر که لقب میرزا نسیم الدین
را اختیار کرده بود گشته دگنی فعالیت هوا داران سید محمد تور بخشی
بود که به نوربخشها معروف بودند. زمان سلطنت حسن شاه، شیعیان
و شخصیت سادات از آزادی علی خوش بروخوردان بودند زیرا که همسر
حسن شاه از شیعیان بود و علاوه بر آن حسن شاه بدو زن خوبش را بـ
عنوان وزیر انتخاب نمود. و امولاً سادات بواسطه وملت غرد بـ^۳
خانواره های سلطنتی تو انتخاب قدرت سیاسی گشیر را تشکیل دهند.

میری نگذشت حسن شاه که توانسته بود پلستان را که خود مختار
شده بود تحت تسلط گشیر در آورده بعلت زیاده روی در خوردن مشروب بـ

1-2. A socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

3. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

نوت کرد.

هرچند که بعد از مرگ حسن شاه، محمد شاه زمام امور را در دست گرفت و نیامی کارمندان روزگاری و افسران و سربازان خود را ارتیاع نموده بود و در این دوره که اکثر افراد رده بالا از گروه جاگ کنند شیعه بودند تشکیل شده بودند و طبق نظر نویسنده کتاب واقعیت مها نگیری قدرت اعلیٰ گشته در دست شیعیان بود^۱ ولی سر اخراج تحولات و مائلی که پیش آمد و به عین از آنها اشاره شد خاندان میر شاه سقوط کرد و فتح شاه که از سیدان سپاهی و از گروه شیعیان سپرداشی بود زمام امور را بدست گرفت.^۲

(نویسنده کتاب) The Shi'a of India کجھکو متھائی شیعہ در شبه قاره را از نظر تاریخی بطور غالب بررسی کرده است معتقد است که به اندیشه و سیدن فتح شاه همان ادامه حکومت خاندان سپر شاه است. لذا ما هم بدلیل ارتباط و قابع و رخدادها قول او را می پذیریم با اینکه در سال ۱۵۲۶ میلادی پادشاه مغول گشمر را فتح و زمان

1. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.
2. The Shi'a of India By John Norman Hollister.
3. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

گوشا هی بر این منطقه حکومت کرد . در آن زمان سوریخنها گه طرفداران
بعد محمد سور بخش گه ادعای مهدی سودن کرده بود محظوظ شدند
محصور شدند با سلماں شوند (زیرا شاه آشنا را خارج از اسلام
سیداست) و با عوگ را انتخاب کردند . بهمین دلیل سواری از آنها
کشته و سواری نیز تعیین شدند .

^۲ شاه پادشاهان خاندان سلاطین که بعد از حسن شاه و محمد شاه
روشن سلطنت به فتح شاه کشیده شد و متزلزل در خاندان بوده اند
به شرح زیر است . البته دو شفر از آنها نظام حکومت را دوسران
در دست گرفته و این مطلب شا تدهسته متزلزل سودن نظام در آنرا
بوده است .

۲۲۷ / ۱۳۴۶

۱ - سیزرا شمس الدین

۲۵۰ / ۱۳۴۹

۲ - جمشید

۲۵۱ / ۱۳۵۰

۳ - علی شیرعلاء الدین

۲۵۱ / ۱۳۵۹

۴ - شهاب الدین

۲۵۸ / ۱۳۷۸

۵ - هبندال فطب الدین

۲۶۸ / ۱۳۹۲

۶ - سکندر بخت نگران

۴۱۱ / ۱۴۱۶

۷ - علی شاه

۸ - زین العابدین	۱۳۲۰ / ATT
۹ - حیدر شاه	۱۳۲۰ / AYF
۱۰ - حسن شاه	۱۳۲۲ / AYF
۱۱ - محمد شاه	۱۳۲۳ / ARS
۱۲ - فتح شاه	۱۳۲۴ / AFT
۱۳ - محمد شاه	۱۳۲۷ / AFT
۱۴ - ابراهیم شاه اول	۹۰۴ / ۱۳۲۹
۱۵ - نازک شاه	۹۲۲ / ۱۳۳۷
۱۶ - محمد شاه	۹۲۵ / ۱۳۴۱
۱۷ - شمس الدین دوم	۹۴۱ / ۱۳۴۴
۱۸ - نازک شاه	۹۵۲ / ۱۳۵۱
۱۹ - ابراهیم شاه دوم	۹۵۸ / ۱۳۵۲
۲۰ - اسماعیل شاه	۹۶۲ / ۱۳۵۵
۲۱ - حبیب شاه	۹۶۴ / ۱۳۵۷

بعد از انتراض این خاندان، خاندان جاک که آسان تیر شیخ سودنه حکومت را در منطقه کنسر بست گرفتند و در این زمان بود که در گرسای شدبی میان شیخان و سپاهی موجود آمد.

زیرا هنگامیکه در سال ۱۳۶۵ مغلوب شاه جاک (با نام خاندان جاک) سپاهی را مصوّر گرد که تبعه نده و با مداری بلند شهد شد.

طریقہ شیعہ بگویند. سهانہ ای بستا کبر ناہ افتاد نا بے گنگی
عملہ کرده و آنجا را بے امیرا طوری خود ملحل کند.^۱

شیعین از درگیریها دیگری که در گنگی اتفاق افتاد زمان
اور نگ رزب بود که در این درگیری حدود ۳۰۰۰ نفر کشته شدند.

در این دوره مکنی از درا وین شیعه به نام ناہ عارف که ادمیا
میگرد از خاندان و وابستگان ناہ تھا سب با برائی است از لاہور وارد
گنگی شد. وی در زمان انا منش در لاہور تحت حمایت فرماندار پنجاب گئے
پک شیعه بود زندگی میگرد. فرماندار اندر تحت ناشر ناہ عارف بود
که می گفت ناہ عارف امام مهدی موعود است.

سالاخر ناہ عارف خود مکنی از فرمانداران گنگی شد و هنگامیگه
ناہ خبر مهدویت ناہ عارف را شنید دستور سازداشت او را حادث کرده
ولی او موفق بے خوار شد.^۲

شیعیان عراقی و رواج شیعی در کنگره :

بکی دیگر از عوامل تغییر شیعی در منطقه کنگره سیر شیعیان عراقی بود که در سال ۱۹۸۶ میلادی وارد شد.^۱

سیر شیعیان که بیوان شیر از عراقیان به کنگره آمده بود
حوالات تشیع را به مقیاس وسیع گسترش داده و در مسجد آن مکارو
از کنگره‌یان به نام کام جاک را نمود کرد.^۲

همچنان شیعیان مدرسه ایذا برای شیعیان بنا نموده ولی بعد از مدتی کوتاه نازک تاء نبور اخراج شیعیان از این مکان را مادر و فرمان نقل شیعیان را مادر تعود. در این هنگام که نازک تاء همه مسلمان شیعیان را قطع کرده بود سیر شیعیان عراقی در شهر اسکردو (یکی از مناطق کنگره و جانی که هم اکنون اکثر آنان شیعیان هستند) فعالیت برای شروع شیعی را آغاز کرده بود.

۱. The Shi'a of India By John Norman Hollister.

۲ و ۳ - مطلع الانوار نوشته مولانا میرزا سوک حسین

دلی سعدها که خاندان چاک که بعض از آنها توسط میر شمس الدین
هران شیخ شده بودند حکومت کشمر را در دست گرفتند. شیخان مجدداً
از آزادی پیره مدد گشتند.^۱

اما بعد ها هم اکثر شاه کشمر را تصرف کرده بسایری از علماء
شیخ به این منطقه رفت و آمد داشتند و در رواج تشیع کوتا بودند
مردانی مانتد.

مولانا میر علی ابراهیم - علی مردان فتحهاری - نواب ابراهیم
خان - نواب ظفر خان همچنین بسایری از علماء تحصیل کرده از تحدیث قم
کار خوبی در این منطقه را شروع کردند و وجود اکثریت تب
در سلطنت و کشمر باگنا نیز به همین دلیل است.^۲

۲ - حکومت خاندان اود

بلایا مله بعد از سرگوتوی حکومت خانهای شیعه در دکن توسيع
اورست رئیب خانهای شیعه دیگری در شمال هند و در خردیگی لکنسر
استقرار داشت. البته بعضی از حاکمان آن بعورت تواب و نایب حکومت
احلی هند در آنجا حکمرانی میکردند. ولی هرجند که نا حدودی تحصی
نمود و فرمان حکومت مرکزی بودند لیکن خاندانش بودند جدا که
ملکه ای را برای خود تشکیل داده بودند.

بنیانگذار این خاندان فردی بود به نام سر محمد امین موسوی.
سر محمد امین که فردی بود و نایبه و شجره نامه اش به امام موسی(ع)
سر بند قبلاً مدت طولانی را در بنیا بور خراسان گذرانیده و در آنجا
از احترام خاص پرخوردار بود.

وی بعد از مرگ پدرش که کارمند بیادرناء بود به هند سفر و توسط
سفارش سادات در دریار استفاده کردید.

در آن زمان ظلم و ستم امیر امپراتور و وضع بد و نا بامیهای
شیعیان باعث گردیدند تا میر محمد امیرالقان حکومت گذسته و خلیفه اش
را آغاز کند سپس بعد از شور علی شاه، محمد شاه به او لقب
سعادت داده و در سال ۱۷۹۲ فرمانروایی اودند. سپس بعد از گذشت
مدت زمانی گوتا، به وی لقب برهاں الحلق اعطی و اکثر مواقع
سعادت خان نیز نامیده می‌شد.

او راجع به هندوها نظر بسیار منفی داشت هری (Hoey) نقل
می‌کند که او همینه میگفت: "باید دوست هزار نفر از زنان
و کودکان و ... این کفار هندو را از دم شکر کشاند تا رحمت
اسلام شامل حاصل شود" و او ملا نیز عین کار را توسط سربازان
اتخاوم داد.

سین هنگامیکه نادر شاه به هند حمله نمود محمد شاه از سعادت
علی خان (میر محمد) خواست تا به او کمک نماید در جواب وی پیشنهاد
نمود که محمد شاه با نادر شاه ملح نموده و مبنی اوصال هدایای مالی
او را به منظمه شاه جهان آباد هند دعوت گند، اما بالاخره به کمک
محمد شاه نشافت ولی توسط سربازان ایرانی معروج و مستکبر شد.

پیشنهاد سعادت علی خان به محمد شاه مبنی بر ملح ما شاه ایران

سبب بیش وی توسط نادر شاه گردید.

و بعد از خاتمه جنگ وی بعنوان سپر و معاون مندرج دو شاه
در آمد، و افسران و ملازمات بلند پایه دو کشور دستور داشتند تا
از او تبعیت گنند.

عادت علی خان که در سال ۱۷۳۹ میلادی در گذشت شان
سلطنت خود را ماهی فرار داده بود، زیرا گفت می شود جون سوگات
هند ماهی بوده است آن شان را استغاب کرده ولی مده ای داشت
می گویند، وزیری عادت علی خان در کار رود جامنا (Juana) ^۱
مشغول ساعز خواندن بود که در هنگام قوت بک ماهی از رودخانه
بیرون چوبیده و درستان او افتاد و بعد از اینکه وی فرماده دارد
او شد بحصه طلاش با سفره سرماهی را جزء تزیینات حاتمه های لکنی
فرار داده بود، همچنین عادت و لباسهای مخصوص کارستان و درباریان
که محفل شاه را حمل می کردند نیز دارای شان ماهی بود، بعد از ازیزی
محمد سکیم معروف به منصور علی خان که بعداً به نام سندو چندی
مشهور شد بعنوان حواب اود استخاب و این در حالی بود که سنت نشد
وزیری در دربار امپراطور را نیز بعده داشت، سپه جنگ که در هنگام
استقبال نفت احمد شاه به دهلی متراهم عالمجتبیهای موشری بود به علت

ا بن خدمتش احمد شاه به او لقب میر آتش داده و بذینویسه به سنت
فرماتده توبیخانه منوب شد.

مقدور جنگ که فردی شیعه و سوار مذهبی بود تمام واجبات و اصول
شیع را بدون هیچ ترس و خوبه ای انجام نمیداد.

مقدور جنگ سرای مدنسی شام فعالیت‌ها بین را جهت انجام وظایف
نهاد و ذمیری متصرکز کرد و با پیخت پادشاهیش در اود را فیض آباد
فرار داد، و این در حالی بود که رقبای مقدور جنگ سرای ناپودی وی -
شده می‌کشیدند. روزی در غایاب مقدور جنگ که از دهليز به فیض آباد
پسر نموده بود جا و پیده خان مورد سورمه علاقه ما در شاه می‌گردید مقدور جنگ
را از معاشر سرگزار و خود قدرت را در دست گرفت. و این مثاله باعث
درگیری مقدور جنگ و جا و پیده خان شد. نتیجه این درگیری سرگ جا و پیده خان
بود که دشمنان مقدور جنگ امپراطور را متلاعده کردند که مقدور جنگ
نمود خان بودی امپراطور و به سلطنت شناختن سرا در جواهر او را دارد. لذا
امپراطور مقدور جنگ را از مقام میر آتش سرگزار گردید. مدعایی آن مقدور
جنگ سرگ از مقام وراثت استفاده داد و این مثاله ریشه درگیریها نیز
شد میان شیعه و سرگ که در شاهجهان آباد و دهليز سونفع بسیاست و طرز
آن ساری از سلطنه شهر به آتش کشیده شد.

با لآخره مظفر حنگ به قیصر آباد رفت و در آنجا در گذشت و در ساعتی
به نام کلاب ساری ^۱ دفن گردید ولی بعداً جد او را به مکانی
آوردهند.

بعد از مظفر حنگ بسی وی به نام شجاع الدوله در زمان پهلوی در شاه
اول (شاه عالم) بعنوان پدر دست یافتو این در حالی بود که شهرهای
فارسی بود - بنارس همراه به شاهنشاهی اود اضافه شد. وی که در سال
۱۷۷۲ در حمله انگلیس به روہیلا (Rohilla) به انگلیس
کشک گردید بود . شهر الـ آباد و کاپرا (Kaira) را
ضوان پاداش نمیخواسته با دشنه خود در اوود گردید.

زمان حکومت شجاع الدوله ، قیصر آباد از شهرهای مدرن و پیشرفته
آمریکا نگذشت بود . اسوان و اقسام اجنبی هارجی . ۲۰۰ هزار فرانسوی
خدمتگار دولت . تجارتی از ایران - چین - اروپا و دیگر خارجیان به
وفور منتهه می شدند . و این وضعيت دلیلی گشت تا پسر اولی از
دانشمندان و شرکتمندان قیصر آباد را برای اقامت برگزینند.

در این زمان مساجد و امام باره هاشم توسط همراه شجاع الدوله
به نام باهو بیگم (Bahu Begum) درست شده شد که برای

۱ و ۲ - همان مأخذ قبلي

۲ - حسبیه های تبعیان فرمده شاهزاده ناره به نام امام باره معروف است .

اولین بار در این ساختهایها بحای چوب از آجر استفاده شد.

پس از شیخ الدهله بیرون عاصمه دولت نظام حکومتی اور را در دست گرفت و به خاطر کمکشی نباشد، عالم در رهانی او از زبیتا خان (Zabita Khan) از طرف شاه عالم به مقام وزارت در دربار او منعوب شد.

وی با پیشنهاد حکومت خود از فیض آباد را به لکنگو متقل و به مرنخی خان که از سادات معروف آذربایجان بود را مسئول امور اقتصادی و سازمانی حکومت خود فرازداشت.

عاصمه دولت شخصی بود بسیار متقل و اسراف کار بطوریکه اسرافکاریها و غرجهای اتفاقی او میتوانست احتیاجات بکار رفتن را برآورده سازد. وی درگاهها و تعمیمات خود نیز جدی نبوده و ستر میزهای ای بود در دست حکام فدرالیت موقتی گویند فقط خروج او در ماه محرم بالغ سر پاتند الی شش هزار روپیه بگشت. او علاقه زیادی به ساخت حینه برای شیعیان داشت و توانست امامت مبارکه های بزرگی

۱ - عمان مأخذ قبلي

۲ - لکنگو رویی به عوان پایگاه شیعه در شهر قاره معروف بوده و هم اکنون نیز بسیاری از شیعیان هند در آنجا زندگی میکنند.

۳ - واحد بولهند و پاکستان

نیز سا سازد.

ساختهای مزبوری هاستند دروازه رومی - حسن باغ - بابها پور و
..... که هم هم با سرحدات بارگاری استاد آتشمان.
لوره ابرون درباره مکنی از امام باره هائی که او ساخت
چنین من نویسد، ساختهای که در لکنو و در زمان قحطی سال ۱۷۸۲ ساخته
شده، در خلیفه کمکی بود به قحطی روگان زبردا بسیاری از افراد بسیار
ساخت و حتی متولیان که در اثر قحطی ناتوان شده بودند با کار در آن
ب دستور داشتند می بافتند. بعضی از خانواده های محترم که
سوای ساختن این ساختهای کار من کردند انسان فاقی ند و احربت
آنها نیز شایه بودند من شد.

عاصف الدوّله درباره امام باره بیوی کفتہ بود طراح آن ساخته
رومی تو درا ندارد او هر ساله جهارت با پامحمد هزار روپیه عرض
ترشیفات آن میگردد.

بعد از عاصف الدوّله پسرش وزیر علی جاثین وی شد. وی به علت
ساخت اندیشهای و بکسری مسائل دیگر به بناهای فرستاده و برا در
کوچکترین بنای سعادت علی خان نظام حکومت را در دست گرفت. وی شخص

بود **سیاوش**، **دائم العمر** وی در کار جدی بطوریکه زمان زمانه مداری او وضع اقتصادی دولتی مطلوب و در خزانه وی ۱۴۰ میلیون روپیه موجود بود. در زمان وی تبر امام سارهها و ساختهای بزرگی از جمله **دلگشا** - **موسی باع** - **فرحات بخش** - **سکندر باع** و **جیوه** بزرگی به نام **درگاه** **حضرت عباس** ساخته شد. بعد از سعادت علی پسرش **قاچق** **الذین** **جیوه** به سوان نواب اود زمام امور را در فرست گرفت سپس به سوان باعثه معرفی گردید.

او در حفظت اولین پادشاه سنتل اود بود زیرا شاهان پنهانی به سوان نواب و کارگزاران حکومت مرکزی سر اود حکمرانی میکردند. او تبر امام ساره بزرگی به نام شاه سجد در لکو اعدام شد و که ۲ هزار آن تبر در آنجا دفن گردیدند.

بعد از وی چهار شتر دیگر به حکومت اود دست یافتهند **نام** سوان و شاهان حاکم سر اود به ترتیب زیر است:

۱۱۹۵ / ۱۷۲۲

۱ - سعادت علی خان

۱۱۹۶ / ۱۷۲۳

۲ - سکندر جنگ

۱۱۹۷ / ۱۷۲۴

۳ - شاع الدواله

۱۱۹۸ / ۱۷۲۵

۴ - وزیر علی

۱ - شاهان عادل پنهانی

١٢٩٨ / ١٢٩٦	٥ - سعادت على
١٣٠٩ / ١٣١٧	٦ - فاطمة الدين
١٣١٤ / ١٣١٩	٧ - نعيم الدين
١٣٢٣ / ١٣٢٧	٨ - سارة على
١٣٣٨ / ١٣٤٧	٩ - محمد على
١٣٧١/ ١٣٦٦	١٠ - راجد على

مومنان و شیعیان در شبہ قاره :

حرکت مومنها سر ز تا حدودی در بسط شیع در شبہ قاره موقوف بوده است و ما تا حدودی در بحث های گفته به آن اشاره کرده ایم. هرجند که بعض از آنها به سلوك عرفانی طی میر کرده و خود را مسلمان نامیده و کمال مطلق را پرسخت چن میداشته و بعض از آنها پیر به رسم خوشنگاری به فرقه کفر ایشان نداشته و در عالم شیعه و سنی سودن سر نمی گسته. اما سئله غیرقابل انتکار است که مومنها در شبے داشتن و استحکام اسلام در شبہ قاره فعالیت زیادی داشته اند و هرجند که بعض از مومنان سی بوده اند اما اکثر مومنان برای اهل بیت و دوازده امام احترام حاصل بوده اند. البته بعض از آنها سین "معیناً" مکتب شیع را در اوج میداده اند ولی سرخی از آنها در بعض از موافقین تقبیه می گردند.

بعنوان مثال دو گروه از مومنان بنام سپهوردی و چشتی هر چند که سی سودند اما آنها به اهل بیت و دوازده امام پیر معتقد بوده و انتقاد داشتهند فرقه پیا سر هدیه ای است که خداوند به او اعطی

فرموده و او نیز آنرا به حضرت علی علیه السلام داده است^۱. همچنان
بعض از موقیان معتقد بودند که فقط حضرت علی (ع) و کعبه این زیارت
رهبران والائی آنها بوده اند و بزرگان آنان همچند خواجه نظام الدین
علیا عمل تطهیر را همچنان شیعیان انجام میداده و معتقد بوده است
که حضرت علی (ع) از سه خلبند دیگر پرتر بوده است^۲.

خواجه نظام الدین علیا با خواجه نظام الدین یعنی اهل
جنت افغانستان بوده که به لاهور و از آنجا به احمدیہ نامه
و در همانجا بسیار حیات و دفن گردید. او صوفی بزرگی بوده که
خواست روایان سیاری را گرد خود جمع آوری کند سطوریکه هنوز پیر
بپردازی دارد.

هذا سیکه او از لاهور میگذشت بر سر مزار داتا گنج بخش صوفی معروف
این شعر را سروده.

کنج بخت بیش عالم بظیر سور عدا
نامهان را بپرکامل کاملاً را رفع
و هم اکنون این شعر بپرروی سکهای سالانی مزار داتا کنج بخش
جگ شده است.

بعد از مدتی دهانه مسام شیخ الاسلام تحت تغاریت بختیار گاکی

1-2. A Socio-Intellectual History of the Isna Asheri
Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

از بزرگان مولیان چنین گشوده شد که این دفاتر مربوط به کرومهای
چنین بوده و مسائل مربوط به بزرگان مولی (اهم و مفیر) را رسیدگی
می کردند و در هر شهری یک مستول کارگزینی داشتند که متاج السراج
در دهان سرهستی دفاتر کارگزینی شهرها را بعده داشت و این تشکیلات
به این طور بود که این گروه با دولت هنگاری تبعکرده لذا برای
رسیدگی به امورات خود تشکیلات خدا بنانهادند.

اعمال پیروان آنها در مباری از موارد شبیه اعمال شیخ عما
و به شیعه مبار مزدیکتر هستند به میان مثال به عزاداری و نظر...
نیز معتقد هستند.

گروه دیگری از مولیان که هنوز هم معروفیت خاص در شبه نیاره
دارند پیروزدیها هستند. مؤس این گروه پیا الدین زکریا ملتانی
است.

برای
هنگامیکه ذکریا ملتانی تحصیل علوم اسلامی به کشورهای اسلامی
پیش بود و به سعادت رسید بین او و ابو حافظ پیروزدی ملاقاتی
رخ داد که باعث تبریزی ذکریا ملتانی شفته ابوحافظ پیروزدی شود.
وی که معتقد به هنگاری با حکمرانان و ملکای حکومت بود بعد از

مراحته ملتنا نخواست بیرون از زیادی گردد خود جمع آوری کنند.

بیرون دیها به اهل بیت احترام حاصل گذاشته و درسهای حسن بصری
و کعبی این زیاد باعث شد که آنان به اهل بیت اعتقاد پیدا کنند.^۳

نوشته ها و جزو از بزرگان بیرونی ماست شیخ بیها، الدین ذکریا
ملتاسی و فرزندش شیخ صدر الدین و نوه او به نام شیخ رکن الدین
ار میں رفته است ولی نوشه های سید حلال الدین بخاری معروف است
محدود جهانیان هنوز باقیست، وی که شخص منی بسیار منعیس شود
اعتقاد داشت که پیغمبر نبی خضرت علی (ع) حضرت فاطمه (س) حضرت
امام حسن و امام حسین (ع) را اهل بیت خود فراورداد.^۴

بیرون از این اعتقادات از ناحیه بزرگان تصور باعت گردید
که مسلمان به اهل بیت حق فراوانی پیدا گردد و بعد از مردمان
محدود جهانیان به شیعه شریعی معرفی گردند و اسلام
میلانی آنها خود را رسماً شیعه اشیعی شریعی معرفی گردند و اسلام
تعویض که محدود جهانیان نگشید اشیعی شریعی بوده ولی سلطنت نرا بسط

1. Islam In Indian Sub-continent By Anne Marieke Schimmel.

2.3. A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.

موجود در جامعه آنرا من نمی کرده است.

البته موقبها برای عبادتگاههای خود ساخته شده اند به سام
خانقاہ بنا می کردند که ذاتی خانقاہها متراکب بود با خانقاہ
و پس این حرکت للندریه که البته للندریها به چند است از جمله
حیدریها و حوالانی ها تقدیم شدند.

للندریها بطور کل در وسایل دوره گردی موقبند که علاقه شدیدی
به موسیقی و اشعار مربوط به حضرت علی (ع) و اهل بیت داشتند بعنوان
مثال داده بهاء الدین رزکریا به نام شیخ فخر الدین عراقی اشعار
زبانی را در مدح اهل بیت در شهر ملتنا سرود. از معروفترین
خانقاہهای آنرا من بعنوان از خانقاہ لال شیخار للندر سام بود. سام
لال شیخار در حقیقت نیز بید عثمان بود که به علت این او به بوشیدن
لماں قرآن به لال شیخار معروف شد.

در خانقاہ لال شیخار اشعار فارسی و سندی در مورد حضرت علی (ع)
و اهل بیت خواسته و خویش می شد.

بهرحال این گرایش تدبیه صوفیان به اهل بیت باعث گردیده که
که در فرن پا زدهم میں صوفیان و دیگر شیعیان ۱۹۰۰ میلادی شاعر

۱ - همان مأخذ

۲ - لال در زبان اردو به معنی قرآن و شیخار نیز برند است.

فرفه ها و گروههای شیعه در شبه قاره :

در طول سالهای که شیع در شبه قاره سط و گشرش بیدا میکرد
گروهها و فرقه های متعددی موجود آمد که این فرق توانسته بپرواپس
برای خوبش جمع آوری کنند، برداختن به تما من فرق موجود آمده
از عده، موضوع ما خارج است اما از آنها نیکه در بحث مربوط به
شیعیان نام این فرق شنیده من نمود ما به تعدادی هرچند اندک از آنها
اشارة هائی نیز خواهیم داشت :

اسما میلیان

اسما میلیان که به هشتاد ما من ها نیز معروفند گروهی میشند که
به بیان میری حضرت رسول (ص) و امامت حضرت علی (ع) تا امام حادی (ع) انتداده اند.
و من گویند بعد از امام ششم فرزند او اسما میل امام هشتم است
در سورشیگه شیعیان واپسی و ائمی میری اعتقاد داردند که بعد از امام

ساده (ع) حضرت امام موسی کاظم امام هفتم است.

بعد از مرگ این اختلاف بر اثر اعانت فرزندان اساعیل محصور شدند از مدینه فرار و به سوریه سفر کردند.

بعد از رفتن آنها به سوریه مبلغین به با پسر بلاد فرستادند که بگوی از این مبلغین به نام عبد الله دخیر گروه سپاس مذهبی جدیده بنام فارمتیان (CARMATIAN) تند، این گروه نوسط گروه فاطمیه که بد خلیفه بودند و سفرتیان نبیز در مصر بود پیشتبانی می‌شدند.

بعد از مرگ دخیر اساعیلیان به نام المستنصر (Al-Mustansir) این گروه به دو قسم تقسیم شدند که هر گروه بگوی از دو فرزندان المستنصر را پنجه ای میگردند. گروه اول "مستعلی" و گروه دیگر "بتوار" را طرفداری می‌کردند. گروه اول در بیرونی و پنجاب و دیگری در بوهره (Bohrat) در غرب هند مستقر شدند.

فارمتیان در اوایل قرون هشتم میلادی به دلائل فعالیت‌های سپاسی از مصر و عراق و سریع اخراج و در نتیجه به هند روی آوردند و وارد سلطنه سند و ملتان شده در آنجا اقامت گردیدند و از آنجا شیکه تعداد آنها ناچیل ملاحته بود دست به شکنبلات فظیلی زدند و در هامع اخدر از نسبت کنندگان اصلی شمار می‌رفتند.

نویسنده کتاب 'Indian Islam' می‌نویسد:

” شدت گستردگی کار و فعالیت آنها بحدی بود که سلطان محمود خزنوی محصور گشت صن حمله به آنها به حکومستان پایان دهد. سلطان محمود بسیاری از آنها را قتل نمایم کرده مراکز تبادل آنها را در هرم کوبید و تبدیل به مساجد سر زگی نمود. ولی نفوذ شدید آنان در ملتان سلطان محمود را محصور ساعت تا ساعت سار دوم ملتان را از دست آنها ببرون گشته.^۱

اما سوریسته تذکره مجید ... شهید ثالث صن اینکه معنده است سلطان محمود خزنوی در عملات خود به ملتان اسما علیان را به قتل رساند اما هدف اصلی عملات او را نامودی تشیع ذکر کرده است، می گوید :

” بر انجام سلطان محمود خزنوی بمنظور سرکوب و نامودی نفوذ فرا بسته نسلیقات شیعه محصور به حمله سلطانی به هند و ملتان گردید و در این حمله خون ببروان اهل بیت اطهار به آنها رسید و با حل ریخته شد.^۱

سپرخال این گروه در سال ۱۲۳۷ میلادی تعمیم گرفتند از هند مناطق هند در دہلی اجتمع گشته. سپس آنها به بناده اعتراض علیه حکومت

1. Indian Islam By Murray T. Titus.

۱ - تذکره مجید ... شهید ثالث

و اهل خان سه طرف مسجد جامع دهلي عمله کرده و با اهل خان
درگير شدند. بعد از اين درگيری تمام آنها کشته شدند و دو اين
لحظه از گروه فارميان هر نامي در هند باقی نماند.^۱

اشعبات زيادي در فرقه اسماعيليه بوجود آمد، استکه بدغلى
از اس اشعبات بعد از حدت اندگى از بين رفت و بي هم اکنون از هر دو
اسماعيليه دو گروه حبنا^۲ بزرگ باقی مانده که هر دو هم بطور شدید
فعاليت دارد اولين آنها اسماعيليه نظاري هستند که معتقدند رهبر
 فعل آنها بپرس کریم آخاخان است گويگري داودی بوهره،
که استاد الله در سور آتش و صعبت فعلی اين دو گروه را پرسی
خواهیم کرد.

بهره تبریز به گروهی اطلاق میشود که اکثرشان از نوادگان اسماعیلیان بوده و در مناطق مختلف و بارودا (BARODA) رندگان میگردند. بارودا در زبان که عربی معنی تجارت است، بس بارودا گروه تجار هندی بودند که از مذهب هند و به اسلام روی آورده و انتقام داشتند که بعد از فوت رهبر اسماعیلیان به نام المستنصر به نام المستعلی، رهبر گروه فاطمیه، ند علیبه گفت هوا داران و دیگران گروه فاطمیه از معنو و بیفراحت آمدند. آنها معتقد بودند اولین سوهره که وارد هند شد قریبی بود به نام عبد الله از پس گشته در سال ۱۰۶۷ میلادی وارد چون شد و تبلیغات خود را شروع کرد. گروهی تبریز معتقدند اولین سلحشور محمد علی متوفی سال ۱۱۳۷ بود که فتوح هرور هم در بعضی سانی است.

اما توصیه کتاب تذکره مجد ... شهد ثالث معتقد است که گروهی از شیعیان اشتری که ملا محمد علی سلحشور آنها بود بعدها به گروه بهره معروف شدند، در این کتاب آمده است:

“ ملا محمد علی که به نام بیرونی معروف است در کشور هند

مذهب تشیع را رابع ساعت و این گروه بعدها به گروه بوهره موسوم شد
ملا محمد علی مذهب شیعه اشی خبری را تبلیغ میکرد در مرآت‌احمدی
که خارج کhydrات می‌ساخت آمده است^۱ چون مولانا محمد علی نیزی مذهب
بود نیما می‌گروهی سرهان مذهب اثافت داشتند و اکثر بخلع نقشی
مذهب شیعه اشی خبری داشتند.^۲

تو پسند کتاب فوق الذکر معتقد است که در ابتدا بوهره های
پیروی مذهب شیعه اشی خبری و اسماعیلی سودیدند اما بعد ها در زمان
سلطان سلطان کhydrات‌آها مذهب شیعه را اختیار کردند.

به رحال بوهره های به تبلیغات خود ادامه میدادند ولی سین
سالیانی ۱۵۷۷ - ۱۵۹۶ دو زمانی که سلطنت بیست اهل حق داشتند بودند
آنها باطل و سُم رفتار می‌شد. هنگامیکه رهبر آنها ، سین ایشان
سلیمان از بین بند خود وارد شد تبلیغات آنها در سطح وسیعی کار دار
گشت.

بعدها بعضی در سال ۱۵۸۸ هنگامیکه رهبر وقت آنها ، اصحاب شاه ،
در سال ۱۵۸۸ در گذشت آنها به دو گروه تنظیم شدند.

۱ - بوهره های کhydrات معتقد سودیدند که داود بن قطب شاه رهبر
بعدی است .

۱ - مرآت‌احمدی صفحه ۱۳۰ متنقل از خدگر ، محمد ... شهید ثالث

۲ - اسما علیاً بعن معتقدند که سلیمان جانشین رهبری است .
 ولی وقتی سلیمان به کجرات آمد مردم آنها از وی استقبال
 کردن بعمل نمودند و فقط تعداد محدودی از ساکنین کجرات مقدم او را
 گروان داشتند تا اینکه بالآخر او در احمد آباد زندگی را وداع گفت .
 و این دو گروه به نامهای داودی و سلیمانی معروف شدند .
 البته گروه کوچکتری از بوهره ها تیر موجود آمد که آنها
 را جعفری نامند که اینکه گروه تیر در هرگه داودیها محسوب من شوند .
 این گروه در زمان مظفر نام ب طریق اهل سنن روی آورده و نام
 فرماداری ارتقا نام باختند . موسی این گروه فردی بود به نام
 سید احمد جعفر شیرازی گروه جعفریان هنوز هم در هند فعالیتها را
 دارد .
 البته دو گروه کوچکتر سیر از بوهره ها موجود آمد بکن گروه
 عالیه به رهبری علی این ابراهیم مبلغ بزرگ این گروه که از گروه
 داودیها جدا شدند . و دیگری تیر گروه ساکوشی (NAGOSHIS) که
 این عدد از گروه عالیه انتساب پیدا کردند .
 ساکوشی ها معتقدند که خوردن گوشت گناه محسوب من شود . و به
 همین دلیل حرام داشتن گوشت به آنها ساکوشی اطلق من شود . زیرا

نما " بخش " نه " و گوش " بخش گوشت "

فعالیت سوهره ها و انشعابات آن با تحلیفات شدید آنها
هراء مورده است. در سال ۱۸۵۹ در منطقه سورات (Surat)
کالجی هرای تربیت افراد تا سیس کردند که هنوز هم با برخاست.
امورات مرسوط به وقف و زکوه به متدوق (خلاصی) ریخته می شود و او
مثلث مخرج آن هرای امور مختلف است.

گتابهای مهم آنها به ترتیب زیر است:

صحیف الحلوه (عروس و گهراتی) - داشم الانلام - العنايق و ...
ولی چون سوهره ها همان هندو سودند که مسلمان شدند بهمین دلیل
سیاری از رسوم هندوها هنوز در اعمال آنها باقیست.
ب عنوان مثال زن از ارت می سی سرمه و با سپره بول را هر آن
معن داشت، هیچین در حین دیوالی (Diwali) که حین سرمه
هندوهاست نیز شرکت نمی کشند.

البتہ هرجند که سویسته کتاب (Indian Islam) حل اور
پیروز زنها عدم معنویت سپره بول را منبع از آداب هندوها
داشت. تایید هم این مورد که اکثر آنها این امر مرسوط به اعتقدات
آنها باتند، سپر حال آنها تا حدودی خود و از مسلمان دیگر

جدا می‌دانند. و ساجد مخصوص خود به نام "جماعت‌خانه" داردند
همچنین فرستان مخصوص و متوجه آنها نیز دو روز از سایر سلمانها
جلوی است.

دوازدها فقط روزی سه بار نماز می‌خواشند و روزهای جمعه نیز
مرای نماز جمعه اجتماع نمی‌کند. زبان آنها زبان عربی مخلوط با
گمراخی است.

وصفیت گنونی فرقه اسما علیه :

نظالی که در سایر اسما علیه و بوهره نگاتی داشتند پیشتر در بند
دید گلی و انتسابات موجود آمده قابل بررسی بود و این گوناوه بـ
آن خاطر ذکر گردید که سایر دشمن در خواسته ایجاد شود نا پیشتر
بنواییم وصفیت فعلی فرقه اسما علیه را بررسی کنیم . فعلاً مولـ
اسما علیه به دو گروه عددی و بزرگ هر یکی و با گستاخ تلقیم میتواند .

الف - نظاری ها

ب - داده ها

الف - اسما علیه نظاری به کاسی اطلاق می شود که معتقدند بعد
از امام جعفر صادق فرزند سرورگ او اسما علیل امام است و چون اسما علیل
در زمان حیات امام جعفر صادق بدرود حیات گفتہ بیش فرزندش به نام
نظار امام است .

ابن گروه نظاریها قبلاً به اسما علیه معروفند و داده ها
ـ بوهره استعمار دارند . فرقه اسما علیه نظاری ناگفون خواسته
است به حیات خود ادامه دهد و هم اکنون نیز در پاکستان طرفدارانی

دارد و رهبر فعلی آنها بپرسی کریم آغا خان است که هوادارانش
معتقدند او از فرزندان نظاره فرزند است که سرگذشتن پس امام
حضرت مادر بوده است. افراد فرقه اسماعیلیه نظاری که به رهبر
خوش لفظ " امام حاضر " را اطلاق می کنند معتقدند که کریم آغا خان
از فرزندان نظاره می باشد. بروزگذرانی های این افراد فرقه اسماعیلیه
بپرسی کریم آغا خان از افرادی است که از نظر شریعت در رسم و
مردم معمول جهان فرازدارند. افراد فرقه اسماعیلیه نظاری در پاکستان
گنوش از نظر مادی گمیودی نداشتند و اگر یکی از آنها می بخواست
سود افراد معکوب از کمک به او همچو درینی نداشته. گویند هنگامی که
بپرسی آغا خان به پاکستان سفر می کند هم روزن خوش ، طلا ، سین —
هواداران معتقد تسلیم می کنند.

کریم آغا خان اگررا در اروپا اقامت داشته و ملی الظاهر در
در ساختن ، ساختمانهای عالم مختلف بینگام است. وی بدلیل توانایی
مالی مورد توجه خاص دولتمردان پاکستانی فرازدارد و حتی رئیس
جمهور فقیه پاکستان رمزال محمد بنا ، العلی علود بنعا در فرودگاه
از وی استقبال می شود.

اشتهر دارد افراد این فرقه از نظر انتقادی به مسائل شرعی
با یمنی زیادی نداشته و در مورد حمار و روزه جدیش از خودشان
نمی داشته ، البته در بعضی از مواقع و در بعضی از درگیریهاش که

اهل تشیع با اهل تسنی در پاکستان داشته اند افراد این فرقه
گمگهایی به شیعیان نموده اند.

ب- فرقه دیگر اسماعیلیان که در هند و پاکستان گذوئی بسیار
فعال و دارای هوازداری میباشد گروه داؤدی سوهره هستند.

ایمان سیز در اعتقاد به اسماعیل فرزند بزرگ حضرت امام جعفر
صادق با نظری ها مسترگردید اما بعد از آن رشته امامت را به داؤد -
مکی دیگر از فرزندان اسماعیل و نوه امام جعفر صادق (ع) من کشید.

گروه سوهره از نظر اعتقادی بسیار فوی و اشتراکات زیادی با
شیعیان افسر شری دارند رهبر معاصر آنها ظاهر سیدالدین است که
از نظر درجه علم و ملافت در حد با اثنی اثیر و اشمار عربی وی از بهترین
اشعار عربی معاصر محظوظ می شود. ظاهر سیدالدین دارای حوزه علمی
بسیار بزرگی در بحثی است که به ترتیب افراد و احادیث متعدد
است.

همانطوریکه ذکر شد اسماعیلیان نظری رهبر خود را تحت میوان
"امام خاشر" می شناسند . اما افراد این فرقه لفظ "دامی العطیل"
را برای رهبر خوبیش بگار می بورند. این گروه دارای تحکیلات بسیار
منظمه و دوستی سوده و هم‌آمد شیعیان افسر شری اشاره می گزینند.
اگرچه افراد آن مذهب بوده و برای زیارت مکانات عالیه به عراق می‌خواهند
و فقط سور مطہر امام علی (ع) و امام حسن (ع) را زیارت می کنند

و به ساز او گاظین می روید . ولی در این سوگواری سالار —
شیدان حضرت امام حسین نیز همانند شیعیان به عزاداری مشغول
می شدند .

زنهای این فرقه هرچند که تحصیل کرده و میتعدد باشد . جواب
اسلام را به شکل مطلوب آن دارا می باشد .

مهدویها :

از فرق دیگری که در طول تاریخ شیعه در سایر ملل اسلامی موجود آمده ادعای بعض از افراد میتوان بر مهدویت بوده است.

نه ناره نیز از این امر مستثنی نبوده است بخصوص که از نظر ساختار اجتماعی دنیا مذاہ گویان گون در این سرویس زمینه ای مساعد دارد.

حرکت گروه مهدویها می‌چند قرون گذشته اثوابی سوروی هند داشته است.

اصل و ریشه حرکت این گروه از منطقه پدختان در کنار افغانستان شروع و می‌پرسد سطح ایران و هند نیز گشرش و توسعه یافت.

تبلیغات و گشرش اینکار مهدویها در ایران بحثها و سنوالهایی بود که مطلع آن با افراد مختلف مطرح می‌گردید و در نهایت مهدویت نکل این خود را در زمان سید محمد که از شهرجان بور هند بود پیدا کرد.

سید سید محمد که در اوایل قرون هند هم مسلمان ادعای مهدی سودان

گردد میگفت که از طرف بیان میر به این مقام برگزیده شده است .
وی حادوگری های خوبش را متعجز من نامید و میگفت که از پیش
مداشی به گونه او رسیده که به او گفته شده است " تو مهدی هستی "
(العباد بالله)

بس وی به گجرات سفر نمود و در سالهای ۱۴۵۸ تا ۱۵۱۱ روابط
خوبی با سلطان محمود اول پرفراز گردید.^۱
بس او همراه با تعدادی از مریدانش به حج رفت ولی در آنها
دھوت او را شنیده بودند و او را بیرون راندند . بس او در راه بازگشت
به هند بطور صريح اعلام گردید که او " مهدی موعود " است (العباد بالله)
بس از آن او پیوسته در حال مسافرت و تعلیم بود می بود تا
دو دهه هله در شانزده سال سلوکستان در گذشت .
سد از آن در سالهای ۱۵۵۵ تا ۱۵۵۱ شهر شخص دیگری به نام
شیخ املاش ادعای مهدی بودند نمودند او که یک درویش بود در خردبیکی
شهر آگرا زندگی میگردید .

وی در راه تعلیم از متفکر خود سهان عد الله که او مریدان
معتقد جان بوری بود بپرسیست و بس از جمی اوری ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰
به طرف خواصی ببور در خردبیک شهر بود بپرسی هر کسی میگردید
که طرف خواصی ببور در خردبیک شهر بود بپرسی هر کسی میگردید

سلطان وی به دکن تبعید شد و لی او در تبعید نیز از ادعای مهدی
بودن مستثنی نمیگردید و بدینترتیب علیه ب او هزار دادند که از اسکار
خود مستبردارد. با این‌گردد امور و پا هناری در ادعای مهدی بودن
با این‌گردد که حکم نازیانه در ملا ۰ عالم ملکه وی مادر شود. او پس
از سومین نازیانه در گذشت. مریدان وی به گروه "خیر مهدی" نیز
معروفند زیرا مستخدمند که مهدی است و رفت و دیگر منتظر مهدی
نمی‌شوند.

بعد از آن در قرن شوردهم هم دو سفر ادعای مهدی بودن گردید :
یکی میرزا علام احمد فادیانی و دیگری رامبرلی (Rae Bareli)
که هر دو حرکات خود شبیه مدعاویان فیلسی عمل کرده‌اند و طرفداران
آنها هموز هم باشند.

ورود اروپائیان به هند و استعمار انگلیس:

ما ورود اروپائیان به هناره که تما ما " بناهای سودجوشی و کتابخانه های بیشتر مورث میگرفت سرتاسر مردم این منطقه نیز رو بمناسبت خبرگشی می شدند ، ارمنیان اروپائیان هر سهه بخش و استعمار چنانچه دیگری نبود ، و این درحالی بود که غربیها تما می زمینه ها و ثراست را برای حکومت خود میبا ساخته بودند .

آنار فلسفت و مذهبخانه مردم که تماشی از وحشیگریهای اروپائیان البتہ به این تهدی نبوده بخوبی هم باقیست .

سرمهی بیهداور هند که روزی سلاطین آن سلطان و مذهب رسمی کشور را اسلام ذکر کرده بودند مورود هجوم همه جانبیه اروپائیان قرار گرفت .

مذهب - فرهنگ - آداب و رسوم و حتى زبان اهالی متعلقه از این هجوم در امان تفامد و مورد مستخوش استعمار کران قرار گرفت .

سلطانان در محدودیت شدید قرار گرفتهند و به هندووها بیندر اهانت داده می شد زیرا هندوها در مقابل احتجاب و بیگانگان تازه وارد

خود را باخته و تایید آنها را وسیله ای جهت استفاده کنند
از ملعمان می بینند.

همچنین زمان فارس که زمان رسمی محسوب شده و در آن دور رواج
فرا واس داشت کم کم از دربار و حکومت و سایر کوچه و سازار
بیرون رانده شد و زمان انگلیس جایگزین آن گشت.

نمای این مکلات را شده افکار و اعمال ساکن از کعبانی
هند ترقی بود. کعبانی هند ترقی نام آشناست است که پادا و روزهای
طیع ت ربع ملعمان منطقه است.

اصولاً اروپائیان در اوائل قرن هفدهم هم خود را به این
منطقه شروع و سرسری هند گردیدند. اما در میان اروپائیان انگلیسیها
از همه بیشتر بر روی دین منطقه سرمایه گذاری کردند و روز به روز بر
بلوار خود سوار وردند.

دلایل زیادی جهت موقوفت اروپائیان، بخصوص انگلیس‌ها در تبه
قاره وجود دارد از جمله این دلایل خلاصه می‌بود که بعد از مرگ
اورنگ زیب موجود آمده بود زیرا بعد از او شاهان بعده متواترند
آن اقتدار و شوکت گفتته را حفظ کردند و شواره حکومت را در نسبت
داشته باشند. اما زیب موقوفت انگلیس‌ها مربوط بیشتر به زمان
جهانگیر شاه زیرا در زمان حاکمیت او انگلیس‌های مهاجر توانند
اچاره احداث بکشید تا هزاری به نام "کعبانی هند ترقی" در بنادر

بورت را از وی کسب کرده و به ایرانی بقایه های استعماری خوبیش
سپرد ازد. گعبا شی هند شرقی کم کم و روز به روز دامنه فعالیت
تحارشی خوبیش را گسترش میداد و در سیاری از تفاوت ساحلی ماند.
مدارس انگلستان و سینما تفاوت هایش را بنا نمود.

باستوجه به گذشت زمان و هرج و مرچ حاکم بر اوضاع، گعبا شی هند
شرفی به ساختن استحکامات مورد نیاز خوبیش میادوت و کم کم خط می
تحارشی، رنگ سیاسی بخود گرفت.

انگلیسها با سرناامه ای حساب نداشت و دنبیل به نفوذ خود
در دستگاه حاکمه ادامه میدادند و با تعزیز پایه های حکومت
ملائکین اسلامی بر قدرت خوبیش من افزودند.

انگلیسها دریافت بودند برای بست گرفتن قدرت، سلمانها
مزاحم اعلی و سر راه آنها مراحته کرد، لذا از هندوها به عنوان
اهم هزار طلب سلمان استفاده شد و برای اینکه بتوانند سرناامه
خوبیش را اجرا کرده و از اختلافات موجود و عامله بین هندومندان
و سلمانان حد اکثر بجزء بردازی را بتعابند، مطالعه اوضاع سیاسی
و اجتماعی هندوها و سلمانان برداخت و رسوماً ۲۷ متفاوت و قوانین
موجود بین آنها را دنبیل "سورس" نمودند.

هدف انگلیسها از این تفاوتها سرکوشی سلمانها به نفع
هندوها بود، انگلیسها برای آنها بیان و تناخت پیدا کردن

از مسلمانان کتابهای را به انگلیس ترجمه کردند.

هر انگلیس که نمود داشته بود سفر خواسته می‌باشد
دو کتاب هدایه (Hedaya) و سورس قانون محمدانی (Law
Digest of Mohammadan Law) را مطالعه کند.

انگلیس‌ها که با زور و خبل و استفاده از هر چیز دیگر
خواسته بودند املاک بسیاری بدست آورند کم کم بگه تار میدانند
و سلطنت را مواجب بگیر و مطبع خود ساختند.

با شناختن بعد از آوردن زبده در سراسر کعبا شد شرق عجم
ماشید و بنگال بخاطر خواسته مواجب نفوذاً محلی بدست انگلیس‌ها
افتاد و دامرات گلایو که از افراد باهوش انگلیس بود از طرف کعبا شد
به حکومت آن شاهجه برگزیده شد. از این پس نفوذ و گشتن استعمار
پس از انگلیس در سراسر هند آغازمان روید تراوید گذاشت.

در این اوضاع و احوال سعی از افراد حرکتهاش را علم
انگلیسها سرانجام اینداخته و تبعیت‌های معاونتی سربا کردند. بعد از
از آنها پیز سار شهاست هرجه تعاون در مقابل انگلیسها مقابله و جنگی
از جانب خود نیز گذشتند اما این معاونتها با نکت مواجه و کعبا شد
نه شرقی که عامل مستقیم انگلیس بود خواست مردم منطقه را بدهد
استعمار خوبیش درآورده و فواضی انگلیس را رواج دهد.

ما ترویج فرهنگ اروپائی و وضع قوانین انگلیس کم کم می‌دانیم

و قوانین اسلام تحت الشاعر ترار گرفت و در اوایل قرن نوزدهم
قوانین کنوری اروپا تراحت بحای آداب و رسوم محل و قوانین اسلام
بنتجه. و بدینسان جامعه مسلمان آشروع تحت حکومت و سلطنت
متخلف انگلیس ترار گرفت. و حتی در مردم اینجا همانند به شاه
بهادر شاه را مستکبر و زندانی گردید.

سپس بعد از خورشیدها همان هند در سال ۱۸۵۷ میلادی مجمع عمومی
کعبا من هند شرقی با تشکیل جلسه ای فوق العاده، ضمن احلال کعبا من
هند شرقی، اعلام کرد که گلبه اختبارات و فدرات خود را به دولت
انگلستان واکخا ری گذشت.

و بدینسان کعبا من هند شرقی که با ماموریت به استعمار درآوردند
مردم مظلمه به این عله آمدند بود تراحت به ولیقه خود عمل گردد
و ضمن برچیدن بساط پادشاهان مسلمان هند را ضمیمه خاک انگلیس گردد و
ساعی و شروع تقدیم دولت انگلیس گذشت.

سپر حال بعد از تعمیم کعبا من میں بر تعویض اختبارات خوبی من
به دولت انگلیس و احلال کعبا من هند شرقی در سال ۱۸۵۸ ملکه ویکتوریا
پادشاه انگلیس سوچب فرمادن هند را جزو قلمرو حکومت بریتانیا
اعلام و آن سرزمین را به خاک انگلیس العاق خود.

از آنجا شیکه فاتحه هند و انگلیس زیاد و گسترل مسلم شوست
پادشاه بریتانیا امکان پذیر شود ملکه ویکتوریا نایب السلطنه ای -

از طرف خود برای بستگی‌گرفتن حکومت هند مستحب نمود.

پس از آن انگلیس‌ها بطور متفق بعدt ۹۰ سال بر هند حکومت کردند.

مدت حکومت انگلیس‌ها بر هند بکمی از داریکترین و زجرآورترین دوران مسلمانان این منطقه است.

در این مدت انگلیس "نمی‌شود" که مسلمانها از بسته‌های جنسی گذشتند و استخدام آنها نیز تقویباً "نمی‌میکنند" بود ولی در عرصه هندوها آزادی عمل بیشتری دارا بودند و تسبیب مسلمانها از اولویت‌ها می‌خوردند و می‌توانستند از مراقبی بیشتری بهره ممنوع شوند.

حضور گسترده هندوها در ادارات و نیروهای این سرمهیان مدت انگلیس‌ها صورت می‌گرفت و هندوها از این روند راضی بیشترند و یهود مذکور می‌گردند که دوران حکومت مسلمانها برآمده و آنها قادر خواهند بود به راه و رسم اجدادشان طی طویق گشته، البته انگلیس‌ها در تحریک این حس تلقن اول را بازی کرده و توانند با استفاده از هندوها راه را بر مسلمانان مهتمانندند. در این دوران شیعیان نیز در فشار و محض تدبیری برده و محدودیتی‌ای فراوانی بر آنها ایجاد نداشته بودند.

بکمی از عواملی که باید سخت ندان اوضاع بر مسلمانان گشته بودند

تعبر فواین اسلامی به شکل اروپا شی بود. زیرا فواین جهان
مورد موافقت و حمایت مسلمانان نبود و فقط حقوق بسیار بیرونی و گسترده
شده ای به مسلمانان داده می شد به عنوان مثال فقط به شیخان
حقوق محدودی مرسوبه ازدواج - طلاق و تهاش داده شده بود.^۱

نهیت آزادی هند و استقلال پاکستان بر اساس اسلام :

های اسپورگه دکتر گردید سعد از سقوط حکومت مغولها در هند و به قدرت رسیدن گمپاپی هند شرقی و سعایت آن واگذاری اختیارات گمپاپی هند شرقی به دولت انگلیس سقوط گمپاپی می‌شود . سقوطه ای حاب نده طلب مسلمانان مطلع طرح روزی و احرا گردید و سعد از گذشت مدت زمان کوتاهی مسلمانان قدرت و نوکت گذشته خوبی را از دست داده و بینماں آن هندوها رسمیت فعالیت و سرور مقابله خوبی را ماند باقیت . با قدرت بینا گرفتن هندوها در میگاه حکومتی که متعلق اینگلیس بود مسلمانها در ظلم و ادبیت شدیدی فرار گرفته و روز به روز ادامه رساند و حیات بر آنان منکل شر میگشت . لذا عوکشهاش را ملک اینگلیس را ، اندازی گردید و به تنکیل خود افزوده ، البته بعضی از افراد آزاده هند و پیغمبر را و رسم اینگلیس ها خوشنام شدند و آنان سبز به مخالفت با حکومت اینگلیس پرداخته و خواستار شفیعین شدند سروش خود به دست خوبی شدند . و بر این اساس شهر حزب هاشی تنکیل دادند که سعد نرس و معروفترین آن حزب گفتگو ، است .

البته این نکته را هم تجاید از ذهن دور داشت که بعضی از مران
عرب‌گنگره خود مسلمان و حتی شیعه بوده است که از جمله رهبران
مسلمان عرب‌گنگره مولانا اسوان‌الکلام آزاد است. همچنین محمد علی حاج
که به عنوان موسی باکستان معروف است خود شیعه و زمام از افراد
سرورگانگره محسوب می‌شده است. البته بعد از محمد علی حاج اگرگنگره
خارج و وارد حزب مسلم لیک گردید.

سازمان ای جدی و همه جانبیه علیه انگلیس آغاز شد، ابتدا همه
پیروها یک هدف داشتند و آنهم کتب استقلال و آزادی و خارج شدن
از پوچ استعمار انگلیس بود.

در این راستا استعمار پیش انگلیس پیش از باشندگان و ابتدا
عنی در ابعاد نکاف و اختلاف بین مسلمانان و هندوها بود، و پس از
اجرای این سیاست خوبیش مسلمانها را محدود کرد و بد هندوانی که تحت
فرمان خود آزادی عمل پیشتری داده می‌شد نا احتمات مسلمانان
را علیه هندوها تحریک کرد.

با گذشت زمان اختلافات ریشه ای فنی مابین هندوها و مسلمانان
پروردگرده و ندت‌طلب و خور هندوها به مسلمان محدود بود که اعتماد
مسلمانها از هندوها سلب شده و احساس کردند که از طرف هندوها
مورده اذیت قرار می‌گیرند.

و این مسئله باست گردید که اختلافات فرون حزب‌گنگره شدید

شود. زیرا حزب‌گنگره که برای کسب آزادی هد ناش میکرد مشکل بود از هندوها و مسلمانان که بعدها در اثر ار دست رفتن اعتماد مسلمانها به هندوها آنها از گنگره جدا و به حزب مسلم لبیک پیوستند.

در این رابطه مفکر سریع تبار، علامه محمد اقبال لاهوری "معار باکستان" در مکنی از سخنرانی‌های خوبش در شهر اسلام آباد نظری "دولتش" را امراز شود. علامه اقبال میگفت بنای دلائل زیادی هندوها و مسلمانان بمن توافق درگذار هدیگر زندگی گردد و بایستی دو ملت جدا را تشکیل دهنده زیرا آنها در مورد فرهنگ — احتمالات — مذهب — آداب و رسوم حقایقی های خوبی دارند. از آن پس اندیشه تامیل کلوری جدا که بتواند همه مسلمین منطقه را در خود جای داده و همه از نوع استعمار انگلیس آزاد شود و هم از هندوها جدا شوند در افق ار رهبران مسلمان خطرور گردد، البته تا گفته تواند بمن از رهبران مسلمان گنگره که برای آزادی هد مبارزه می‌کنند ناپذیری را شروع کرده و در این راه سختیها و زندگانها تحمل نموده بودند با استقلال باکستان مخالفت جدی می‌ورزیدند که از جمله این امور مولانا ابوالکلام آزاد است.

مولانا ابوالکلام آزاد مدعی رهایت حزب‌گنگره را بعده را تنه است و از مخالفین سریع جدا سواری و طرفدار هد منخد بوده است.

وی درباره استقلال پاکستان چنین نظر می داشد:
"کنوری که بر اساس حس کیم و تصریف موجود آید عاقبت من
بمعناگ است"

وی اعتقاد داشت، گاینکه معتقد به جداسازی پاکستان هست
بر اساس کیم و تصریف از هندوهاست به چنین کاری خواهد زد ولزوماً
پیر از نظر حقوق بین الملل ماباید درگذار هندوها زندگی کنند، بس اگر پیر
شوری با احساس مفترض نسبت به همایه خود موجود آید آینده خوبی
خواهد داشت.

مولانا ابوالکلام آزاد در کتاب "هند آزادی گرفت" بگویی از
شیوه های خود را کناره گیری از نظام ریاست حزب کنگره و پیروزی
ن سنت به خواهر لعل شیرو میداند، زیرا هنگامیکه میاورات علیه
انگلیس به متوجه من رسید فرار بود و صفت مسلمانها و هندوها نیز
شخص شود و طرح جداسازی پاکستان از هند توسط نایب السلطنه انگلیس
به حزب کنگره (نماینده هندوها در مذاکره برای آزادی هند) و حزب
علم لیگ (نماینده مسلمانها) ارائه شد که حزب علم لیگ کلمات
شرا پذیرفت و همین حزب کنگره سوابط جواهر لعل شیرو بر آرا
مورد قبول داشت.

- هند آزادی گرفت نوشته مولانا ابوالکلام آزاد

مولانا ابوالکلام میگوید اگر من از سنت ریاست گشته
کناره گیری نکرده بودم هرگز با این جدا سازی موافق نمی کردم .
بهرحال جدا سازی باکستان از هند همان سلماًن با آزادی و استقلال من
تعجب نمیگشت به مردم تبهه ناره اتحاد پذیرفت .
ابوالکلام آزاد در این ساره میگوید : هند آزادی گرفت اما
اتحاد خود را از دست داد .

البته هم اکنون ما در این نظام تبعیم که راجع به مقید بودن
با مقید بودن استقلال باکستان محبت کنیم زیرا این مطلب خود
بنوای دیگری را میطلبید زیرا عده ای از رهبران سلماًن تبهه ناره
ما ند ابوالعلامودودی سیر مطالب جدا سازی بوده است و بعضی از آنها
من گفته ام که ما می نواییم با وحدت خوبیش لفتر در هند را درست
بگیریم ، جوا به قصتی از آن اکتفا کنیم . البته این دلیل جای
بحث دارد و اکثر علماء و شووه مردم سلماًن از تکلیل کثوری به نام
باکستان که بر اساس اسلام موجود آمده است غرضه به نظر می رسد .
بهرحال استعمار انگلیس محصور گردید که از هند خارج و حق تعجب
سرپوشت را بدست مردم مختلف سپارد و دو این گشته و معاوذه ما
سلماًنان همیشه در خط اول حیله به مطالبه با دشمن بوده اند و با
ابعاد حرکتهای حاتمه معاوذه با انگلیس می تناهیند

حرکت علی سرید احمد خان :

نکی از کشکنهای سرگ انگلیس‌ها با ملعانها برس مائل
ملعی بود زیرا انگلیس‌ها من میگردیدند که در راه تحصیل و پیشرفت
ملعانها مدافع بدی و حابند، ای ابعاد تعاونی.

انگلیس‌ها در تمام احوال خود حرکت نمود ملعانها داشتند
زیرا من داشتمند که با هم حرکت نمود برپایانش در هند ملعانها
نشتند، لذا تمام امکانات در اختیار هندوها قرار من گرفت و ملعانها
در وضعیت بدی شگه داشته من شدم. انگلیس‌ها امکان تحصیل برای
ملعانها را از میان بودند و آنها را از موسه‌های علی اخراج
و برای زبان فارس و عرب محدودیت شدید قائل شده و زبان انگلیس
به عنوان زبان رسمی معرفی شد. برای هندوها احیث پیشتری فاصل
شده و تحصیل برایشان امکان پذیر بود و حتی تا بالاترین سطوح علمی
آنها بر من توأم شدند به تحصیل ادامه داشتند.

در این اوضاع و احوال که ملعانها علاوه از تحصیل محروم شده
بودند، سرید احمد خان که از رهبران ملعانان محسوب میشد حرکت

علمی خویش را شروع کرد، او بهت علمی بزرگی در ملیگرہ سرا،
انداخت با ساختن موسسه علمی مدرن امکان تحصیل نا مدارج سالا
را برای مسلمانان فراهم ساخت.

او معتقد بود که مسلمانها باید انگلیس را فرا گرفته تا
بنواختند علوم جدید را از اروپا شیان فرا گیرند و در همین راستا
حرکت وسیعی را جهت ترجیح مخون انگلیس به اردو برآه انداخت
او کالج تحت عنوان (Mohammedan Anglo-Oriental College)
در ملیگرہ ساخته که این کالج بتدربیح داشتگاه مسلمانان گشت.
بعدا در سال ۱۹۰۶ میلادی فارغ التحصیلان این داشتگاه حزب
سلم لیگ^۱ در ناسیں پاکستان نظر اول را بازی میکرد. بنیان
نهادند.

از آنستذکر است که در ناسیں داشتگاه ملیگرہ تبعیان فعالیت‌های
جهنمکبری از خودستان دادند و برای اجرای مقاصد علمی سرپرست احمد خان
بول فراواستی هزینه نمودند.

کمک شبهه ها به حرکت علمی سرپرست احمد خان مقدوری بود که او به
کمک شبهه ها به حرکت علمی اعتراف داشت.

۱ - تبعیان ملی و استقلال پاکستان (ملائمه وظیفه ملی از بیوقور به
سلط حسن زیدی) گرد آورده، محمد ولی خان

نحویک خلافت هند:

لک دیگر از گشتهای سرگ مسلمانها با انگلیس‌ها که
سرزمین هند را اشغال گرده بودند هنگامی روح داد که جنگ جهانی اول
در سال ۱۹۱۴ شروع شد بود. زیرا دولت متعاقبه که بر ترکیه حکم
میراند با آلمان علیه ایتالیا متحد شده بودند و انگلیس برای جنگی
با آلمان احتیاج به کمک هند داشت که حد افق در مقابل تهاجم دولت
متعاقبه ناپ متفاصله داشته باد. ولی مسلمانان از جنگیدن با حکومت
متعاقبه مریار رفته. در مقابل دولت انگلیس قول داد که خلاصه
متعاقبه را خرمیم معاشه نیکن مردم هند باور نکردند، و در این
نهضت بود که گسته خلافت هند تشکیل گردیده و این گسته در سال
۱۹۴۰ خرمیم گرفت که شهقت عدم هنگاری با دولت را ایجاد معاشه.
در همین اوان بود که علماً اسلام نظر دادند که شهقت عدم
هنگاری باید حلويت باید و بعض از علماً فتوی‌ها در گردند که هند
ملو از دشمنان گردیده و بیگانگان باید از این سرزمین مهاجرت
کنند.

جمهوری در سال ۱۹۹۱ حدود ۲ هزار دانشجو از دانشگاههای مختلف کلاسیا درس را تحریم کردند، اکثر آنها و معلمها نیز بر علیه دولت به تحریم کلاسها پرداختند. در نتیجه بیاری از مسلمانها دستگیر شدند و بدینظر تدبیر حركت خلافت نواتی اثرا تحمود را بررسی دولت انگلیس گذاشت و موفق شود.

شن شیعیان در کب آزادی و استقلال پاکستان

در این میان شیعیان هیز ماسته همیشه از عناصر فعال و پرستاد
مبارزه محظوظ می شدند.

مبارزه علیه استعمار انگلیس و خلق سرای استقلال پاکستان
شیعیان حورت میگرفت. لذا هنگامیکه انگلیس از منطقه عارج شد

۱ - همانطوریکه در سخن اول ذکر شد قصه سر این بود که این مذکوره
در سه قسم ۱ - شیوه شیعه در شه فاره (کناس که اکنون در دست
دارید) ۲ - شیوه در پاکستان ۳ - در گیربهاي شیوه دومن و شیوه فاره
بررسی شود و موضوع "شن شیعیان در کب آزادی و استقلال پاکستان"
را بعض دومنین "شیوه در پاکستان" کجا بینده شده بود، لیکن
از آنها نیکه قریبت بلطفه نیز وقت تغییف نداشت، فرمودن شکارش بعض دوم امکان
پذیر نبود این بحث را احادف کردیم تا (جهت درسم کلی حرکت تشیع از
اینها شا استقلال پاکستان) اشاره ای هرچند بختی و گفرا به طلب
مورده بحث داشته باشیم.

شد تحويل حرب كنگره گردید و با گستان سر تحويل حرب مسلم یك شد.
لیکن گستان در مبارزه ای مقاومت سر می داشت از یك طرف
مبارزه با بریتانیا و از طرف دیگر معاوره برای کباتن لال
و شیعیان سر علاوه بر حضور جدی و سرنوشت ساز در دو جبهه نوچ، مسائل
و متكلمان سر با بعض از افراد اهل سنت پیدا میگردند که اشکالی
می داشت از تفاوت اختلافات بین هندوها و گستان و شیعیان و اهل
حسن پیره بردازی نماید.

در این رابطه بعض از افراد بزرگ شیعه برای حل و فصل از تفیع
حقوق شیعیان تشكیلات را مراهم آوردند تا بتوانند تبعیه حقوق
و احیای حقوق شیعیان تعاملیت کنند.

میکن از این تشكیلات "آل ایندها شیعه کنفرانس" نام داشت که
مدبر آن سولانا خان بیهادر گلپساں و مرکزی شهر در شهر لکنو بود.
هدف این تشكیلات متوجه ساختن شیعه ها برای احیای حقوق و دفاع
از خواسته های آنها بوده است.

ذامته تعاملیت این گروه کم کم به بیخاب گشیده شد و گروهی از
آن تحت عنوان "بیخاب شیعه کنفرانس" با سرپرستی مظفر علی
خان قریباً نزد راجه غصیر علی خان^۱ تشكیل گردید.

۱ - اولین خبر با گستان در ایران

این گروه من بیکری و هرسی مسائل خاص شیعیان در کتب استقلال
 باکستان نیز فعالیت چنگیری از خود نداشتند.
 از طرف دیگر شیعیان با مشکلات دیگری نیز دست و پنجه نبردم
 میگردند. زیرا در همان اوایل شیعه‌ها برای برگزاری مراسم عزاداری،
 محرم دهار مشکلائی نداشتند و در شهرهای ماسنده تصور بعضی از افراد اهل
 سنت بخاطر مفعع برگزاری مراسم اصرار می‌ورزیدند و گاهی بحاشی می‌بردند که
 بعض از اهالی و سرکان شیعه تصور برای کتب تکلیف از علماء حاصل
 نام ماسنده علماء نعم العلم و علماء نصیر به لکنو سفر می‌نمایند.
 علماء فوق نیز فتوی‌های در میکنند مبنی بر اینکه عزاداری برای
 شیعیان لازم الاجرا است و علماء نعم العلم اعلام می‌دانند که از طرف
 گذشته مسکن برای برگزاری مراسم محرم آمادگی دارد و بعض بعضی از این
 افراد را که به تزویج او رفته بودند جهت مادرت‌های مالی به راجه
 محمود آباد معزی می‌خواهند که سرانجام با کتابخانه از محمد علی
 حاج راهنمایش فوق با شکوه هرجه نهادن برگزار می‌کنند.
 ولی با تمام این مشکلات در میان کجا نیزت آزادی هند و مبارزه
 برای کتب استقلال باکستان جای شیعیان خالق مسوده و در تمام مسیی
 شیعه‌ها حضوری فعال و گسترده داشته است، از نیزت علیگر، گرفته تا
 نیزت خلائق و نیزت استقلال و هر حرکت دیگر.
 در این راه علماء و سرتاسر این شیعه ریاضی برای کتابخانه از ازادی و

و استقلال پاکستان تلاشی هستگی تا بذیری انجام داده اند مولانا این
حسن حاره‌ی از روحانیون شیعی بوده است که در کتب استقلال پاکستان
تلائی ساری شعور مجتبی محدث علی حاج سیز که توانست به آرمان
مردم مسلمان ثبیه نماید هند بیسی سر ناسیں گشواری مستقل جانشی مسل
بپوشاند خود یک شیعه بوده است.

نقل کرده است فیل از استقلال پاکستان هنگامیکه محمد علی حاج
دور عاشورا در لندن بسر می برد و نایب السلطنه انگلیس تقدیم
داشت است با او ملاقات کند. محمد علی حاج گفت که است امروز من با
کس ملاقات نخواهم کرد زیرا امروز اختیاری عزاداری دارم.
مجتبی از افراد سرتناس میگویی که در کتب آزادی و استقلال
پاکستان نقش بسیار حساس داشته است "راجه محمود آباد" بوده است.
راجه محمود آباد از افراد منمول و شبهه عیوبی بوده است که
برای کتب استقلال پاکستان تعاون مال خود را وقف کرده بوده.
و درباره احوالات وی گویند: هنگامیکه خدا وند به او فرزندی عطا
نموده تما من خار برای سورجنسی جدید پیشنهاد حسن سوزنگی را ارائه
داده است. لیکن راجه محمود آباد اعلام میدارد این سرومندانه چشم
فایده ای دارد؟ سپس میگوید از تمام شهرهاش که در اخبار من است.
کاس را که بیماری چشم داردند بسیار بود. سپس ۱۵۰۰ نفر بسیار چشم
که برای معالجه بولی تداشته بودند به منزل سوزنگ وی وارد می شوند.

او آنها را دو کنار منزل خود در جاده هاشم اسکان داده و به آنها
خدا نیز میدهد. سپس بگتعم برگشی جسم را مامور عداوای بیماران
میگذارد و تعاون بیماران شما من باشد بجز ۷ نفر و مدینان در موقع
تولد سور جسم خود باعث بیماری سواری از مردم شد.

همچنان گویند:

روزی مستخدم حبشه شخص وی که در راهه ای مسدده علم طلائی
آنجا را درزیده بعد از حسوساری علوم خود و بالاخره علم طلائی
دب کری در حبشه تبعید شد. سپس مدتها بعد متخصص شد که مستخدم
مربوطه الدام به سرفت علم طلاش کرده است. مستخدم در مذاقل
راحه محمود گزبه و نزوع کرده که من جون محتاج به بول بودم این
کار را کردم و قول میدهم که دیگر مرتفع چشم اعلانی ننم.

راحه محمود آزاد میگویند:

جون از حبشه درزیده ای من تبعیت نوایم ترا بیختم و نلند
امام حسین علیه السلام قادر به بخشیدن نتواست جون تو میال او را
درزیده و از امروز لیاقت خدمت در آنجا را مداریه لیکن نا اخیر پسر

۱ - تبعیان علی و استقلال باکستان (سلطه دانشوران معروف درباره —
راحه محمود چه من گویند. سوئه سید نبیل حیدر رضوی) | کرد آورده است
محمد وسی خان .

خوب و مراحت خود را دریافت خواهید کرد.

داستانهای سیار جالب و گفتگی از راهه محمود آباد موجود است
که تناصر روحی و اخلاق اسلام وی من ماند.

راهه محمود آباد از محدود افراطی بود که با مساعدهای مالی
خوبی موضع سرواء حرکت مسلمانها و مخصوص شیعه ها را سرطان میاخت.
در تاریخ سوارزات مسلمانان نه قاره موارد زیادی وجود دارد که
بیانگر اهمیت و حاست گندهای وی من ماند، در موقع انتخابات
استانهای شمالی هند هنگامیکه نیرو، محمد علی جناح را به سواره
طلبد، راهه محمود آباد توانی هزینه های ثبلیغات آن منطقه را
تقبل بود و بواسطه گندهای او هر پنج گرس از آن مسلمانان نه.

راهه محمود آباد هرگاه خطی سرای شیعیان احسان میکرد و بن
سکار شده و سرای رفع منکل من گوتید.

بعد از اتفاق قرارداد لاهور که به قرارداد پاکستان نیز
معرف است و بمحض آن استقلال پاکستان از هند حاصل شد سو، تفاهمات
سرای شیعیان موجود آمد لذا راهه محمود آباد مبنی نامه ای در تاریخ

۱ - همان عاده قیلی

۲ - شیعیان علی و استقلال پاکستان (مقاله حدیث شیعیان علی نوشته
بروفور سید علی رضا شاه نقوی اکبرداور نده محمد ویس خان).

۱۹ مارس ۱۹۷۰ به محمد علی حجاج چنین نوشت:

..... معکن است من در اظهار نظر اندیشه خود موفق نشدم
باشم و برای همین است که به شما رحمت میدهم . اگر شما موافق نیستید
با زهم راهنمایی بفرمایید . زیرا من فکر می کنم نظر شما درباره
تبیان برای آینده آنها مغایب خواهد بود . این درست است که من
شما می منکلت ام اسلام را مدحترم فراز میدهم و بین شیعه و سی فرقی
تعیین نگذارم و این هم درست است که اختلافهای شیعه و سی نسبت به
اختلافهای هندو و سلم بسیار کم است و شیعه و سی همان عالمی را
را دارد که بروستان و کاتولیک در مساحت دارند . زیان و نفعه
می مذهبیان همان بود و ای اختلاف بین عقاید آنها . آنان را بـ
را کشت و گشوار و سلاکی کناده .

هم اینطوریکه غریب بالا ذکر شدم امکان درگیری شدید بین شیعه ها
و سی ها وجود ندارد و اگرچه جنین بشود عواقب و میعنی خواهد داشت
و بخصوص اگر حقوق تبیان حفظ شود این احتمال قوت میگیرد .
امروز که ما درباره اتحاد شیعه و سی فعالیت می کیم اگر
بدقت مذکوریم می بینیم که در بعضی جاها آتش تعصب ایروخته می شود
در مورد انتخابات همین زهر تعصب را گسترش می دهد . و اگر کاندیدای
شیعه پیروز شود . در محلی هم اینست که ندارد زیرا عرض از سی ها
وجود ندارد . و این نشاندهسته ایستگه بعضی از پیروها عقاید مذهبی

ما را باره باره من گند.

من خود به شخص از دو سال گفته تاکنون با شیعیان سراسر هد
مکاتبه داشته و خاص من نامه های آشنا در بروندۀ های من موجود است.
با مطالعه این نامه ها معلوم می شود که اعتمادی که شیعه ها در قبل
به من ها داشتند، تمام شده است شیعه ها نکر من گند آنوقتی
موقعيت آنها ثبت خواهد شد که از نظر قانون تحفظ داشته باشند
و حقوقشان از اثیتها دیگر متغیر نباشد. شیعیان کرسی های مخصوص
در مجلس نمی خواهند و افاده من هم نمی گند زیرا آنها نمی خواهند
خود را از امت مسلمان جدا نارند.

به نظر من خواسته های شیعیان به نیاز زیور است:

۱ - در مجالس و اداره های دیگر دولتی شیعه ها تشخیص داشته
باشند و اگر مطلبی به خلاف آنها باشد از طبق عدالت و انصاف عمل
شود.

۲ - شیعه ها درباره عقاید مذهبی و مراسم دیگر خود آزاد باشند
تا جایجه با شیعیان به بی عدالتی و فتار شود بتوانند از قدرت
و اختیاراتی ویژه سرخوردار باشند تا جایجه با شیعیان رسمی عدالتی
رفتار شود بتوانند از قدرت و اختیارات خوبین استفاده کنند.

۳ - خاص من اماکن مسبر که شیعیان در مالکیت آنها خواهد بود.

۴ - اگر قانونی سرایی ملکه عتبیه اجرا شود سرای شیعیان مسبر

باید حسین حق در نظر گرفته شود.

من فکر میکنم تا هنگامیکه این خواسته ها بورده قبول واقع
شود تبعیان خود را در کشور اسلامی محفوظ نخواهد داشت.

بعد از آن هنگام اعظم محمد علی حاج در تاریخ بیکم ایران
در ۱۹۷۰ دور جواب نامه راجه محمود جنین نوشت:

درباره هنگام مذهب تبعیان عرض میکنم که بحای آوردن آن -
منظور اساس است. این وظیفه مسلم لیک است که مواطنت گند تا
حقوق تبعیان خابع شود.

درباره اماکن متبرکه شیعه نیز من فکر من کنم کی در این
بورده حروفی داشته باشد. زیرا آنها سطور کلی در تحويل شیعه ها
خواهد بود.

من مطمئدم منظور شما از تکت امر جیست؟ من فکر من کنم
کسی حق داشته باشد که روشهای فقه جعلی را تغییر دهد با خواسته
آن را داشته باشد.^۱

در این نامه که محمد علی حاج به راجه محمود نوشته است فقط
حقوق تبعیان تعریج شده است. زیرا بر همکار معلوم است که تبعیان
مراد استلال پاکستان نتش اعلی و اساس را بازی میگردد اند.

۱ - تبعیان علی و استلال پاکستان - محمد وصی خان

معنوان مقال علم رهبری سهت استقلال خلی بآستان در استان پنجاب
که از مهندسین و ماسترین نظام منظمه بشار من وود را راجه شنفر
علی خان مدوف میگشید.

از توجه های فوق بیار است لیکن ما به همین مختصر بخواهیم
من کنم.

هرچند که فعالیت شیخان سرای گزارادی و بسته آوردن استقلال
باستان ناگفتوان احاطه ای که باید و ناید به رئیس تحریر در نیامده
و تاریخ سریان سبز در این مورد دچار اهمال شده است ولی اگر که
از آن واقعه حدود نیم قرن گذشته و اطلاعات سبزه به سبزه گذشته
می شود که دوستداران اهل بیت از بیشگان این مبارزات بوده اند.

دره از دوی که سبزه های حاوی این اطلاعات در عاک آرمیم
باید ، گما اینکه ناگفتوان جنس شده است . و انتقام تاریخ سریانی که
تاریخ را همانطوری می توبستد که بر آنها دیگته شده فلم بستگیرند
و شیرینی ها و تلخی های مبارزات را فتح کنند و با زخم مظلومی
تعجب شیخان نگردند.

با با

مہرست مکتب

مکتب

- A Socio-Intellectual History of the Isna Ashari Shi'is in India By Sayyid Athar Abbas Rizvi.
- From Jinah to Ziya By Mohammed Monir.
- Indian Islam By Murray T. Titus.
- Islam in the Indian Sub-Continent By Anne Marie Schimmel.
- Muslims Bio-Cultural Respective By S.H.M. Rizvi & Shibani Roy.
- Pakistan Studies.
- Pakistan toward an Islamic Destiny By Abdul Qudous.
- The Shi'a of India By John Norman Hollister.

ا رو

- ذکر محبیت مولانا شہید ثالث نوشتہ سید سبیط الرحمن فہروی
- مطلع الانوار نوشتہ مولانا میرزا یوسف حسین
- مشکل پاکستان و فعالیت شعبان علی محمد وسی خاں

فارسی

- ترجمہ الفرق بین الطرق در تاریخ مذاہب اسلام تالیف ابو منصور
عبد القاهر بخاری ترجمہ دکتر محمد جوانہ منکور
- نسب و نعمت آقار سدہ دواردهم صحری تالیف دکتر کامل سلطانی
الشیخ ترجمہ ملیرنا دکاوی فراگزو
- هند آزادی گرفت نوشتہ مولانا ایوا کلام آزاد
- پاکستان نوشت عبد العظیم ولیان
- تاریخ درس فارسی در هند و پاکستان نوشت دکتر افتخار اصرار
- حاویدان اقبال برائے حاوید اقبال ترجمہ دکٹر شہیندخت سعید

